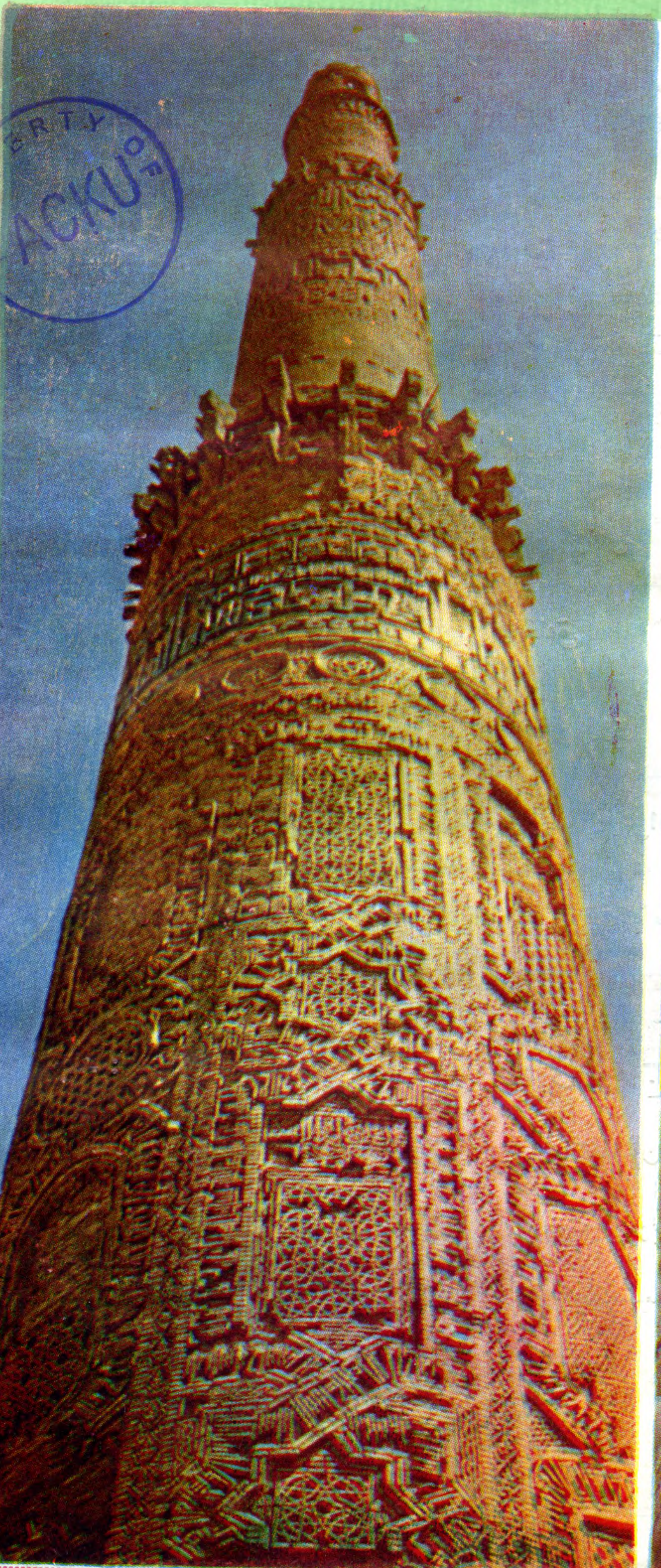
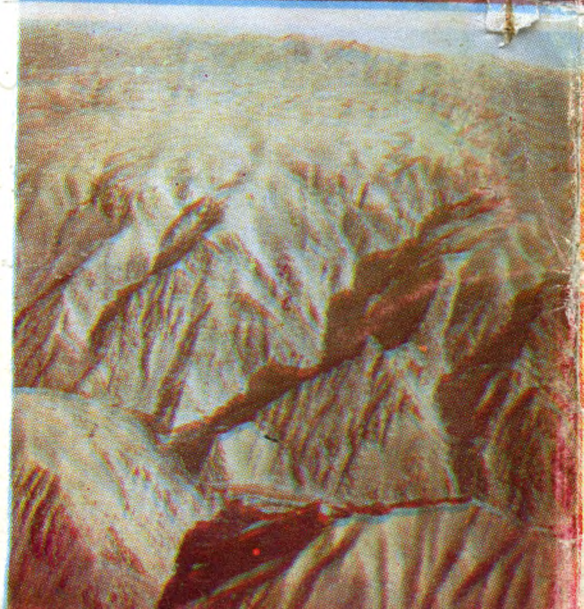
هرات باستان

(لرغونی هرات)









شمارهٔ دوم وسوم

(حمل ـ سنبله ۱۳۶۲)

سال چارم

پژوهشها و پژوهشگران

روی جلد :

تزئینات بیرونی وزینه های اندرون مینار جام در غور.

(بهار تباط صفحه اول متن)

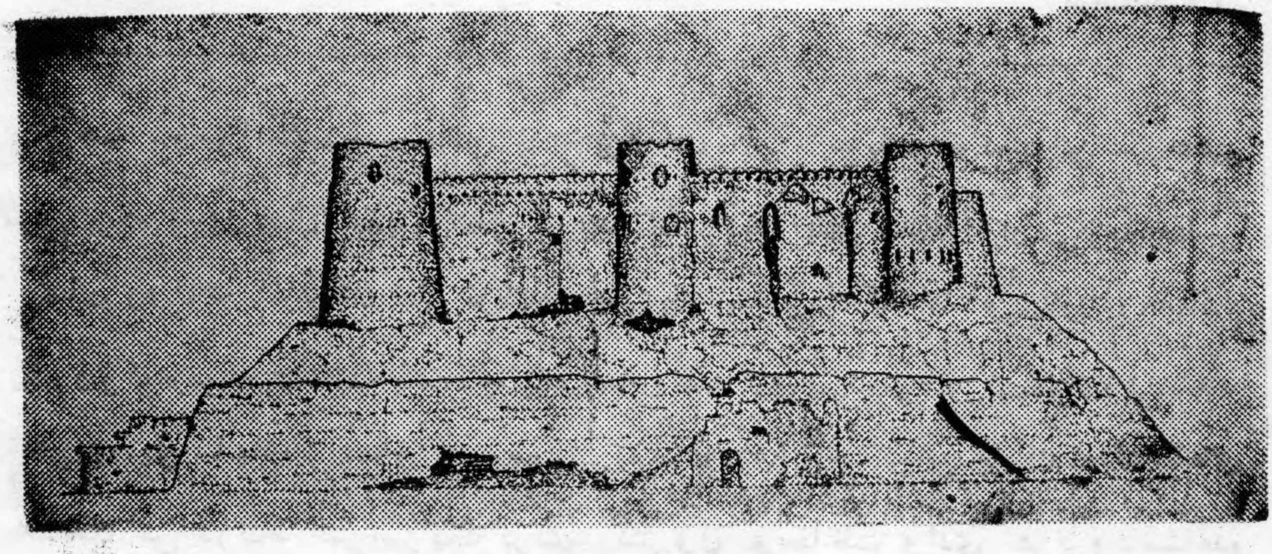
اکادمی علوم ج - د - افغانستان

ریاست باستان شناسی و کوشانی

آمریت پروژهٔ بین المللی هرات

نشریهٔ سه ماهه مدیریت ریسرچ

1



هرات باستان

شمارهٔ دوم و سوم (حمل ـ سنبله) ۱۳۶۲ سال چارم نمبر مسلسل ۱۴ و ۱۵ تاریخ تاسیس: حوت ۱۳۵۸

مینار جام

یک بنای تاریخی و باشکوه

سرزمین های بلند و غیر قابل کشتی در افغانستان مرکزی واقع اند که در حدود (۱۹۰۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارند. در نقطهٔ اتصال و باریک و دارای سراشیبی دوطرف یک وادی میناری باشکوه که بقرن دوازدهم مربوط میگردد، باغرور تمام ایستاده است. اگر چه بلندترین نقطه مینار از رود خانه یی که از پهلوی آن در بین دو کوه میگذرد بحدود هفتاد متر فاصله دارد (۱) ولی نسبت به کوه هایی که آنرا احاطه نموده، کوتاه تر بنظر میخورد. که بعضی ازین کوه ها تقریباً ۲۳۰۰ متر ارتفاع داشته (۲) و بر ابهت و جلال بیشتر آن میافزایند و درعین حال آنرا از نظرها دور نگه داشته، دسترس نیافتنی میسازند.

این همه محصول چشمدید ۵۰ ساله تاریخ پژوهان است، که به موجودیت این بنای عظیم پی برده (۳) و تاسال ۱۹۵۷ محل آنرا ندیده بودند. بااین سلسله گروهی از متخصصین بلساس روایات باشندگان فعلی نزدیک جام باور مندبودند که شاید این مینار درحدود فیروزکوه موقعیت داشته باشد، جائیکه باساس گفته های مردم مرکز فرمانروایی شاهان غوری بین سالهای (۱۱۰۰ تا ۱۲۱۵) بوده است.(۴) زیرا درین جایک تعداد بناهای اندهکاسی درنقاط استراتیژیک برای کنترول وحفاظت وادی هریرود مشاهده گردیده است، که رود مذکور از آن دو رود خانه یی که در کنار مینار جام باهم متلاقی میشوند، بزرگتر میباشد. باید افزود که مینارجام بیش ازهمه یک دلیل موثرو پدیده یی زنده است، که بزاداره و کنترول سلسله غوری هادرین جاشهادت میدهد.

مینار جام از خشت و ساروج ساخته شده، که بگونه یی برجسته از خشت ها، تزئیناتی نیز در روی آن بعمل آمده است، همچنان اشکال برجسته و کامل هندسی ونمونه های خطوط کوفی در روی آن بخوبی هویداست. که این خطوط معمولاً آیاتی از قرآن کریم را نمودار میسازند.

بطور نمونه از جمله این آثار باارزش، یکتعداد خطوط روشن آبی را میتوان نام برد. که حکایتگر شاهی غوریست، که این مینار را در دوران سلطهٔ چهل ساله خویش، از خود بجای گذاشته، و اقدام بساختن آن کرده است، ترجمه نقل یا بنقل آن بگونه روایتی چنین است: «سلطان باشکوه و جلال، شاه خجسته شاهان، غیاث الدنیاوالدین ابوالفتح محمد بن سام، که به ستایش وتمجید اسلام ومسلمین برخاسته، وخداوندیار ومددگار اسیروسومنا نو کشورش باشد.» این مینار قایده دایروی داشته، که ده متر قطر آن میباشد، و هر قدر که بلند تر میشود تدریجاً شکل مخروطی را بخود میگیرد (۵) بلندترین بخش آن درحدود چهل مترازز مین فاصله دارد که در آن بخش بالکون (برنده یا کتاره) دیده میشود. ازین برنده هر قدر که بلند تر میرود قسمت دوم و باریک آن شروع میشود، که قایده آن دارای هشت متر قطر میباشد. این حصه نیز شکل مخروطی را نمایان میسازد. در داخل قسمت پائین که ۴ متر طول دارد، باقسمت بالایی آن زینه های مارپیچی در اطراف ستون وسطی ساختمان پیچیده شده

که در بالا تقریباً سه متر وسعت میداشته باشد (۶)
البته جریان آب در پای مینار بدون شک بی‌تاثیر در استواری آن نیست، زیرا با جریان آب در پای آن، یکنوع میلان در مینار مذکور بطرف دریای هریرود دیده میشود (۷) باید گفت که اساساً بنای آن بسوی تباهی میرود، زیرا ریزش توته های سنگ از ساختمان مذکور ، بخصوص از مدخل آن بمشاهده میرسد.
در سال ۱۹۶۱ به اساس سروی مقدماتی که صورت گرفت، این موضوع لازم دیده شد، که باید این مینار با شکوه زیر ترمیم گرفته شود (۸) یا اینکه در قدم اول برای حفاظت آن از ریزش باران اقداماتی صورت گیرد ، دو سال بعد از ان بکمک مردم قریه جام یکنوع حصار یادیواری مقدماتی از چوب و سنگ به جهت کنترول دریای هریرود در پای مینار ساخته شد، که بقایای آن حصار هنوز باقی بوده و در حفظ آن موثر می باشد.
یك پلان عملیاتی در جون ۱۹۶۳ طرح وترسیم گردید (۹) که توسط آن مطالعه وتحلیل روی مقاومت طرز ساخت سار وچ و خشت آن صورت میگرفت که ستون های مقاومت برای نگهداری آن تعبیه شده و روی آن یکنوع پوشش ترسیمی و موقتی انجام میگردید. البته این سروی های باستا نشناسی مطالعه و کاوش اطراف مینا رارا نیز در بر میگرفت.
اما تقریباً ناممکن مینمود که این پروگرام را به منصه اجرا گذاشت و آنرا بثمر رساند، زیرا پیشرفت کار بایك سلسله موانعی بر میخورد ، که بطور مثال میتوان از مسأله ترانسپورت و انتقال مواد بدانجا نام برد زیرا باید مواد را باپای یا بر روی اسپ به سرکار رساند. فقط درین چند سال اخیر به ساختمان راهی اقدام گردیده ، که برای ترافیک موتر مساعد میباشد و زمینه را مهیا میسازد تا گام های عملی را برای ترمیم این مینار بر داشت.
در سال ۱۹۷۳ به اثر خواهش حکومت وقت ،یونسکو یکنوع تجدید نظر را در پروگرام کار روا داشت ، که به اثر آن پروگرامی عاجل رویدست گرفته شد و در (۲۰-اگست ۱۹۷۸) شروع گردید، بدین منظور یك حصار قفس مانند از فلزو سنگ ساخته شد، تا اقلاً از نفوذ آب در اطراف آن جلو گیری شود . در نتیجه این چانس میسر گردید که از ریزش بیشتر توته های سنگ جلوگیری شده و زمینه پوشش اساسی قاعده مینار مهیا گردد.
باید گفت که حفاظت مینار جام را نباید امر ساده یی پنداشت ، زیرا زیر بر مشکلاتی که شامل

نکات فوق است، بایستی بناهای دیگری در جوار آن ساخته آید، تا زمینه حفظ آن میسر شود شرایط اقلیمی وجغرافیایی نیز کار را در آن ناحیه محدود میسازد. چون بیش از چندماه محدود سال در آن جا کار صورت نمیگیرد. برعلاوه ناحیه یی که منارجام در آن واقع است، تااندازه یی زلزله خیز میباشد، که باید زمانیکه موضوع حفظ منار طرح میگردد این مساله نیز ازنظردورنگه داشته نشود.

در وضع موجود برای حفظ موازنهٔ منار بایدیك حلقه یا کمر بند کانکریتی دورادور آن انداخته شود. طوریکه این کمر بندقابلیت آنرا داشته باشد، بکمك حوض کانکریتی که در کنار آن ساخته میشود. از نفوذ آب جلوگیری نموده وموازنه مناررانگه دارد، تادر آینده ازمیلان بیشتر آن جلوگیری بعمل آید..

برعلاوه آن برای برقراری موازنه و نگهداشت تعادل منار و برای اینکه پروژهٔ اصلی بهدف نزدیک شود، باید تعادل آن توسط کمپیوتر آزمایش گردد. البته این مساله یك اطمینان را از وضع فعلی منار بدست خواهد داد. و نیز از نگاه زلزله خیز بودن منطقه گزارشی ارایه خواهد نمود. این آزمایشات نیز مذکوره ساختن یك حوض ذخیره آب رادرجوارمنار تقویت خواهد نمود. که متصل درقایده منارساخته میشود.

پیشبرد این مرام برای اجرای پروژه مراحل مختلف عملیاتی را دربر میگیرد که بایددرحالات مشکل و قابل دقت انجام پذیرد. در سال ۱۹۷۸ تمام وقت منحصر آمصروف مسایل ترانسپورتی گردید چون باید مواد مقدماتی وضروری پروژه به نقطه عملیات انتقال مییافت، عملیاتی که طرح آن توسط یونسکو صورت گرفته بود. (۱۰)

اقدام دوم عبارت از انجام دادن سروی هائیست که شروع، اندازه وحجم اساسی موضوع راشامل میشود. زیرا مدخل اصلی منار دارای پوشش نیست، و همچنان جریان سطح آب که به تهداب منار تاثیر میگذاردباید تحت کنترول آورده شود.

حفریاتی که دراطراف منار صورت میگیرد. باید بشعاع ۴۰ متری انجام پذیرد. که شامل تجسم درست طبقات زمین گردد تا درروشنی آن بقایای باستانی حتی اگراندك هم باشد بدست آید. البته کشفیات باستانشناسی جدید، شاید پروگرام ترمیم را تغییر دهد. دیگر

اینکه پیش از ساختن کمربند کانکریتی تحت مینار باید تقویت اساسی شود و بخش های فرو ریخته آن ترسیم گردد البته اندازه و موقف کمربند، تا جای ممکن در ثمر بخشی سفکو ره ترمیم، که باید برروی قایده مینار تطبیق گردد، موثر واقع میشود. آخرین بخش ترمیم عبارت، از ساختن حوض کانکریتی ذخیره آب میبا شد. در جریان این عملیات باید این هم ممکن باشد که بخش خارجی مینار نیز تزئین و تجدید ترمیم شود. و این مساله متقاضی خوازهٔ فلزی ایست، که در حال حاضر اسکان تهیه و انتقال آن وجود ندارد.

ساختمان، حافظوی که ساخته میشود، باید روی سطح اصلی زمین (تقریباً ۳،۵ متر پائین تر از سطح امروزی) کارگذاشته شود. و بدینوسیله میشود که اگر کدام توته خشت مربوطه به مینار دوررفته یا زیر خاک پنهان شده باشد، نیز نمایان و آشکار گردد، و اگرچنین هم نباشد، میشود که بکمک آن ساحه اطراف مینار بخوبی ملاحظه و بررسی شود(۱۱)

مینار جام یکی از آثار برجستهٔ تاریخی است، که از نگاه مهندسی نیز جالب و قابل مطالعه است. و این اهمیت آن باعث میشود که زیر ترمیم یونسکو گرفته شود، که اگر بناسیبود تا از جریان آب در جوار مینار جام جلوگیری شود، باید که این مساله هشت سال پیش جامهٔ عمل می پوشید (۱۲)

توضیحات مترجم بر این مقاله:

۱-احمد علی کهزاد مینویسد: محلیکه مینار جام در کنار مسیر هریرود، در ۳۰ کیلو متری شمال شهرک و ۶۵ کیلو متری شمال شرق چشت، در پنج کیلو متری قریه (کمنج) در دهکده یی معروف به جام افتاده، منطقه ایست که در آنجا فیروزکوه پایتخت شاهان غور بنا یافته است.

۲-فریاستارک درمورد موقعیت مینار میگوید: ...بین دو قلهٔ خیلی مرتفع سفید کوه (که ۳۵۲۵ تا ۲۳۱۶ متر ارتفاع دارد) قرار گرفته، و هرگاه ما از وادی دو ربخوریم خطوط آسمانی رنگ و محو شده مینار را پیش روی خود می بینیم.»

۳-محمد انور نیر درمورد کشف مینار جام مینویسد: «...ظاهراً برای نخستین بار آنرا اندرماریك دانشمند بلژیکی درسال ۱۹۵۷ کشف کرده است، که این کشف وی سر و صدای را به راه

انداخت ،تاجائیکه پیو اردا نشمند انگلسیی آنرا بزرگترین موفقیت در کشفیات جدیدخواند مگر حقیقت اینست که کاشف واقعی سینارجام که ظاهراً (۲۳) سال از تاریخ کشف آن میگذرد ، اندره مار یك نیست ،زیرا پنجاه سال قبل از امروز در کتاب (آثار هرات) راجع به‌سینارجام تذکراتی رفته است ...»

۴ـ همین نویسنده گفته است:«سلطان غیاث‌الدنیا و الدین ابو الفتح محمدبن‌سام » که پنجمین سلطان سلسلهٔ غوری بوده، و ازسال ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۳ سلطنت کرده‌است، لذابدون شبه سینارجام بنا کرده سلطان غیاث‌الدین میباشد و بس »

۵ـ گالینه پوگاچینکووا درباره شکل و ساختمان ظاهری سینارسینویسد : این سینارمرتفع ۶۰ متری بااین بلندی خویش بر مسند هشت کنجه (زاویه یی) بنایافته ،وخودش طورهرم است که‌سه‌طبقه حصه بالای‌آن میباشد ....»

۶ـ غلام جیلانی داوری درمورد محل جغرافیایی سینارجام مینویسد :«سینارسلطان غیاث‌الدین درمیان دره‌یی که دریای جام بادریای هریرود سی‌پیوندد ، قرار داشته و بعد ازقطب سینار دهلی که‌خود یك اثر هنری دوره غوریان است، ازبزرگترین سینارهای جهان (۶۳،۳۰متر) سحسوب سیشود »

۷ـ بازهم داوری درمجله آریانا سینویسد :«سینارجام فعلاً دریک زاویه خیلی کوچك قرارداشته و ساحل‌چپ آن بواسطه‌جریان آب‌دریای‌هریرود پیوسته تخریب‌سیشود.این‌امر به‌عقیده‌ورنرهربرگ باعث‌شده تاسینار باندازه‌دو درجه‌بسوی دریای هریرود سیلان‌پیدا کند. »

۸ـ درسقاله داوری آمده است :«... اندره ماریک سینار جام را مطالعه عمیق نموده وضمناً خاطر نشان ساخته‌است، که سینارجام اندکی سیلان پیدا نموده ،ومواجه بسقوط است ، که‌این نظراو را اسهندس برونو (نویسنده‌این‌سقاله) نیز تائید کرده‌است، وسهندس ولف‌کورپر ایاولین بار رسم‌تخنیکی سینارجام را باجزئیات آن‌بصورت خلاصه کشیده است».

۹ـ کورت شمیرو و ورنر هیر برگ درسال ۱۹۷۱ درپای‌سینارجام تحقیقات‌معماری‌خویش را انجام دادند و ایشان نیز نظریهٔ مواجه شدن سینارمذکور را به‌سقوط‌تائید کرده اند.

۱۰ـ یك هوانورد درسال ۱۹۵۷ ـ از هرات‌تغییر جهت داده،و نخست شکل‌حیرت‌انگیز آنرا درجایی‌که هرچهار گردنه سنگی آن با کتیبه یی که در آن‌نام (سلطان غیاث الدنیا والدین ابو الفتح محمدبن سام) کنده کاری شده دیده است .

۱۱- فریاستارک در مورد ساختمان و نقاشی های مینار جام می نویسد: «مینار جام بدون اینکه کدام تعمیر دیگری به نزدیک آن وجود داشته باشد. تنها و مکمل بجای خود ایستاده است، تنها یك قطعه سنگ نبشته که غیر قابل رو ئیت است، با دو قلعهٔ خرابه که بالای قطعه سنگلاخی بنا یافته، چشم گیر است.»

۱۲- داوری عقیده دارد که: «آنچه مسلم است، اینست که جام به هیچ وجه نمیتواند فیروزکوه باشد. پایتخت امپراطوری غوریان را باید در یك محل مناسب که دارای شرایط بهتر جغرافیای برای یك چنین مرکزاداره باقدرت میباشد جستجو و تعیین کرد.»

۱۳- داوری، مینویسد: «درمیان قریه جام ومنار، قبرستان یهودیان قرار دارد که بنام «کشک» یاد میشود درقسمت راست منار در کمر کوه، خرابه های دیدبانگاه های مختلف که بمنظور حفاظت قلعه وراهها ساخته شده قرار دارند. در آنطرف دریای هریرود هنوز هم آثار دیوار خارجی قلعه جام به ملاحظه میرسد، کمی بالاتر در سر اشیبی کوه خاره قلعه یی با دید بانگاه های متعدد در جهات مختلف قرار دارد که فعلا خرابه یی بیش نیست. در جانب جنوب غربی قلعه هم آثاری موجود است که سابقاً بنابر اظهار اهالی در آنجا بازاری وجود داشته، که متاسفانه در سال ۱۹۶۳ به امر محمد حنیف خان والی چغچران ویران گردید. در پایان بازار دریای کوچکی است به نام جربیدان که به دریای هریرود میریزد. درقسمت راست این دریا در پای کوه بزغاله، قلعه مخروب وجود دارد، که شاید به منظور حفاظت راهی که از جانب چغچران میآید، و همچنان برای حفاظت قلعهٔ جام آباد شده باشد. تقریباً در ۷۰۰ متری همین راه به جانب شمال سنگ نبشته یی عربی وجود دارد. بسوی غرب قلعه ویران راه باریکی با متداد دریای هریرود وجود دارد، که بعد از مسافت تقریباً دو کیلو متر قطع گشته به جز دریای هریرود و کوههای شامخ چیز دیگری به نظر نمیرسد، ودرمیان همین راه ده کوچکی است که بنام پای زیارت یاد میگردد. راه دیگری که بر خلاف جریان دریای هریرود به سوی مشرق وجود دارد خیلی صعب العبور و باریک بوده بنابر قول اهالی آنجا به سوی آهنگران میرود.

۱۴- گالینه پوگاچنکووا میگوید: نام مهندس مینار جام علی است.

۱۵- درتدوین و نگارش این پاورقی ازمقاله محترم داوری درشماره حمل-جوزا ۳۰ ۱ مجله آریانا وازمقاله محترم محمد انور نیر هروی درشماره حمل-جوزا ۱۳۵۹ مجله هرات باستان استفاده برده ام.(م)

برگرداننده: نیکسیر　　نگارنده: اندریا برونو

منتشره مجله کوریر، شماره ۱۴۶، ص ۳۲- ۳۴.

برگردان وپژوهش
پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی

هرات از نظر جهانگردان

(۳)

بازتاب هرات در سفرنامهٔ فریه *

بعدازانجام یک سلسله ملاقاتها بارجال سرشناس در هرات، به گشت وگذار طولانی در شهر ونواحی آن پرداختیم. این گشت وگذارها من راتا دامنهٔ کوه ونواحی تخت سفر وگازرگاه کشاند. بدنبال یافتن کبک، بالای تپه های این نواحی بالاشدم، که آرزومند صید آنها بودم ولی نشانه یی ازآنها نیافتم، وبعد به درهٔ تنگی سرازیر شدم که با گرگ های بزرگ آدمخوار مواجه گشتم. اکثرآنها برروی دستان شان درازکشیده بودند وهیچ التفاتی به حضور من ازخود نشان ندادند وحتی تاهنگامیکه بسوی آنها فیر نکردم ازجای خود تکان نخوردند. البته فیر من بدون اثر باقی ماند .

* در شماره پیشتر این مجله قسمت هایی ازبخش یازدهم سفرنامهٔ فریه رابنشر رساندیم این بخش ازفصل دوازدهم سفرنامه، متن انگلیسی ص۱۶۲ تا۱۷۴، گرفته شده است.

با رسیدن به گازرگاه به افرادی که لباس ازبکی به تن داشتند بر خوردم که اعجاب من را بر انگیخت. از وجنات شان دریافتم که به نژاد دیگری تعلق دارند. بعد از تجسس در احوال آنان، دریافتم که جهت زیارت امام رضا از «حضرت امام» قصبهٔ کوچکی واقع در شمال قندوز به این دیار مسافرت کرده اند. زبان شان شکل تحریف شدهٔ زبان دری را داشت، و زبان اصلی شان زبانی بود که در ناحیهٔ شان بدان تکلم صورت میگرفت. این امر حس کنجاوی من را برانگیخت وجهت دریافت معلومات بیشتر نزد آنان شتافتم و با ایشان به گفتگو نشستم. برایم گفتند که از بازماندگان یونانیانی هستند که اسکندر رومی از خود در این نواحی باقی گذارده است. باشنیدن این مطلب، به یاد مارکوپولو افتادم و بعد از او، برنس بیادم آمد و سپس گفتار مورخان دیگر شرق شناس در ذهنم جای گرفت، که از قبایل مقدونیا ذکر کرده اند که در نواحی سرزشمال غربی چین تا تاری مسکن گزین شده اند. خیلی مشتاق بودم خود م را قانع سازم که پندار آنان در ارتباط به این موضوع اشتباه نیست، بنابران به پرسشهای بیشتری در زمینه پرداختم و پاسخ های که دریافت داشتم قناعت من را برآورده ساخت که گویا اسلاف واقعی یونانیان کهن در این نواحی بودوباش دارند. این یونانیان تجرید شده و یا پراگنده در اینجا و آنجا زندگانی ندارند، بلکه آنان در اقوامی متحدشده اند که بخش اعظم اراضی را در اختیار خویش گرفته اند، معهذا در زبان و در عادات آنان انحرافی نسبت به اصل شان بمشاهده میرسد. آنان افرادی مسلمان هستند و شهرت داشتن تعصب دینی را هم دارند و چندان مورد توجه باشندگان تا تارکه در میان شان بودوباش مینمایند، قرار نگرفته اند. معهذا از احترام زیادی برخوردارند، زیرا همچون اسلاف شان، شجاع هستند و عواقب انزجار از ایشان برای کسانی که چنین احساسی از خود بروز دهند، بسیار ناگوار خواهد بود.

«برنس» درحالیکه به وجود اسلاف این یونانیان در آسیای میانه باور داشته، ظاهراً از وجود اسلاف سرداران باقی ماندهٔ سکندر در آندیار اظهار شک و تردید کرده است، زیرا «ازخان فرزند فلیپ (اشاره به اسکندر مقدونی است) برای ما اطمینان داده اند که او ولیعهدی از خود

به جای نگذاشت تاثمره فتوحات سهم او را نصیب شود . (۱) .

هرات، درحال حاضر محل پناهندگان تمام اقوامیست که از قرنها به این طرف درین دیار سرازیر شده اند . در اینجا از اسلاف چنگیز خان و تیمور لنگ و نادر شاه مردمی زندگانی دارند. برایم شخصی بنام آقا احمد میرزا معرفی شد که نبیره نادرشاه افشار بود که اراضی وسیعی را درملکیت خود داشت که از آن سرپرستی می کرد و زندگی آرام و مرفهی را میگذراند. انگلیس ها که در برابر تادیه مبلغی ناچیز به شهزادگان، آنان را به سود خود بسیج می کردند، چنان باور کرده اند که این شخص نیز در آن جمله بوده و بنا بر آن هنگامیکه افغانستان را اشغال کردند، برایش مستمری تعیین داشتند. (۲) از وقتیکه آنان از این کشور اخراج شدند چنین مستمر یها یی نیز قطع گردید .

مساحت هرات تقریباً بامساحت همان شهری مطابقت دارد که از سوی مؤرخان سکندر بنام «آریا» یاد شده، که مطابق بگفتهٔ آنان، شهرهای مهم آن عبارت بوده است از : ارتاکوانا، اریامیترو پولیس، سوسیا، اخالا، و کنداس باید اعتراف کنم که با وصف دقت در تصورم نتوانستم به این نتیجه برسم که چطور ارتاکوانا می تواند شهر دیگری غیر از «اریامیتروپولیس»

---

(۱) باز ماندگان یونانی که برنس ذکر نموده است پیرو آیین محمدی نبوده بلکه بنام کافران «سیاه پوش» یاد میشده اند که درواد ی های هندوکش واقع سمت شمال دریای کابل بودوباش داشتند. اشخاصی که در این متن بدانان اشاره شده، احتمالاً تاجیکهای بوده اند که در نواحی مجاورقندوز سکونت داشتند .

حاشیه سفرنامه، ص ۱۶۳ . فریه در این مبحث به چگونگی نزدیك شدن سکندر مقدونی با مردم محل و ازدواج بادختران زیبای آنان می پردازد تابدین دلیل یونانی بودن بعضی مردم را اثبات کند که چون به اصل موضوع چندان رابطهٔ نداشت ، از ترجمهٔ آن خودداری شد .(م)

(۲) در میان کسانی که از سوی انگلیس ها حقوق مستمری دریافت داشت، سرداری از نواحی مرزی و کویر سیستان وجود داشت که گفته بود که وی توانسته نسب نامهٔ خود را تا به داریوش پادشاه هخامنشی تنظیم کند. رك. سفرنامه، حاشیه ص ۱۶۴ .

باشد ، که در جغرافیه پطلمیوس از آن یاد شده است . هر قدر بیشتر تلاش کردم بهمان اندازه به این نکته رسیدم که این دو شهر مرکزی کمتر از دیگر جدایی داشته و من بدین باور رسیدم که یکی باید ادامهٔ دیگری باشد. اگر فرض کنیم که ارتاکوانا در واقع شهری بوده که از اریاسیتر و پولیس اندکی فاصله داشته پس در آنصورت میتواند این ناحیه قصبهٔ تلقی گردد که اهمیت کمتری داشته که در آن شهزادگان آریاساه های تابستان را میگذراندند و همین امر باعث شده تا مؤرخان فرض کنند که آن منطقه، هم مرکز بوده است. معهذا، این امر عنعنهٔ تکراری شاهان دیگر پارسی را نیز در ذهن تداعی میکند که عبارت بوده است از اینکه آنان از پرسپولیس (تخت جمشید کنونی) جایکه ویرانیهای آن تاکنون نزدیک استخر موجود است به نواحی سرازیر میشدند تا ماههای گرم تابستان را در مناطق هم نام و سردسیر که در وادی مشجر وسرسبز مرغاب موقعیت داشته، سپری نمایند این نواحی در حدود پانزده فرسخ از شمال فاصله داشت. همچنان میتوان تصور نکرد که دو اکبتان ـ همدان، یکی بنام محل تابستانی و دیگری بنام محل زمستانی وجود نداشته است؟ اگر این مفروض در ارتباط با ارتاکوانا و اریاسیتر و پولیس صدق نکند، پس قصبهٔ کهسان که ویرانیهای کهن و آب و هوای دلکش و موقعیت دل انگیز آن در کنار دریای هریرود گواهی میدهد، که باید نقطه یی باشد که روزگاری شهر باستانی با اهمیتی بوده است.

معهذا، باتأکید بر روی این مفروض قدری خویشتن داری میکنم و چنین دلیل می آورم که موقعیت دلخواه مناطقی که هرات در آن افتاده است باید در تمام مدت پیشین توجه پادشاهان ایران را بخود جلب کرده باشد. و منطقه یی وجود ندارد که از نقطهٔ نظر اهمیت استراتژی و تجارتی و حاصل خیزی با هرات همسری کند . و در این منطقهٔ هموار که شهر در مرکز آن قرار گرفته ، راههای مهم از سرتاسر کشورهای آسیا با هم تلاقی میشود و نهرهای متعدد پرآب که از کوههای مجاور ، سرازیر میشود، قدرت سودمندی خود را در ریختن به هریرود در صورتی از دست میدهد که نواحی و محلات هرات در جریان آنها مداخله نکندو انقطاعی بوجود نیاورد . سودمندی و منفعت حضور این نهرهای پرآب هرات همیشه مورد ستایش باشندگان این ناحیه بوده و این محیط طبیعی مساعد که برای آنان فراهم آمده در جای دیگر کمتر میتواند میسر باشد .بهرحال ، بین نظریات من و نظریات دیگر نویسندگان فرقی

وجود دارد. این فرق هم ناشی از مشاهدات از محل هایي میشود که در آسیای مرکزی مورد بازدید قرار گرفته است و برداشتهای که از نوشته های سیاحان گرفته میشود، غالباً با آنچه درواقع وجود دارد می تواند تفاوت داشته باشد. من به این باورهستم که همهٔ ما در تشخیص موقعیت کهن اماکن، وضع مشابهی داریم. ما هرکدام چون منطقیونی هستیم که نیروی شناخت فکری خودرا بکار می اندازیم و ذهن خودرا از مطالعات مبهم و پراکنده مشبوع می کنیم، بدون اینکه به سودمندی نتایج آنها متوجه باشیم.

معهذا، و با در نظر داشت همه یی این مسایل، بازهم همهٔ ما به این نکته موافق هستیم که رسیدن به نتیجه یی، نمی تواند بدون برخورد افکار گوناگون تحقق یابد، از اینجاست که من بعضی از نظریات خود را ولو که خطر ناظر شاذ بعضی من الاراء شرا زیش برمی انگیزاند، ابراز داشتم.

به چه دلیل، بطور مثال، زیوزا ناحیهٔ کوچکي که کوچکترین و یرانی کهن در آن یافت نشده، به عنوان ناحیهٔ باستانی سوسیادرار یا تلقی میشود؟ چنین برمی آید که مشابهتی میان نام این شهر باستانی و شهر توس (۱) که فقط از روی شکل ظاهری تشابه نام آن استنباط شده، مار ابدین موضوع کشانده که گویا این شهر اخیر الذکر را همان شهر سوسی بدانیم که اریان آنراذکر کرده است. این مورخ شهر مذکور را در ناحیهٔ مرکزی خاك اریایی تثبیت کرده است. تمام تجسسات و برداشت های من، نتوانست برایم یاری دهد تا حتی بطور تخمین هم که شده، موقعیت شهر خندق را مشخص نمایم.

لیکن، تاجا یکه به نام شهر «اریامیتروپولیس» مربوط میشود، نویسندگان خراسانی الاصل که تألیفات قابل توجهی انجام داده اند، تنها از مرکز آریا ذکری به میان آورده و آنرا نیز به همین لفظ «هری» برابر و مطابق دانسته اند. این نظریه بدون شك و شبهه اصالت داشته و به اصفهان و یزد عهدما که نامهای خودرا از نام حکام خود گرفته اند، می تواند مثال زده شود. گفته میشود که بقول مؤرخان خراسانی ـ شهر هری را لهراسپ بنیاد نهاد و گشتاسپ

(۱) شهر توس باویرانه هایش درحدود میل به سمت شمال غرب مشهد کنونی موقعیت دارد و نام آن تاکنون زنده باقی مانده است. رك.ص ۱٦٦، حاشیه، سفرنامهٔ فریه.

آنرا وسعت داد و بهمن بر آبادی و عمران آن افزود. آنان می افزایند که سکندر کبیر به صاحب منصب خود بنام هری واحتمالا اریوس، دستور داد حصار آنرا اعمار کند.

تاجائیکه به اسکندر کبیر مربوط میشود، به مشکل میتوان به این قول اخیرالذکر اعتراض کرد، زیرا که این روایت بطور کلی باآنچه مؤرخان یونانی یاد کرده اند، مطابقت دارد. و غیر ممکن است که شهری باچنین اهمیت و موقعیت و حاصل خیزی، نبایستی مورد توجه فاتح مقدونی قرار گرفته باشد. او باید این شهر را مرکز تدارکات نظامی خویش قرار داده باشد و سپس عازم مرز هندوستان شده باشد.

معهذا، آنچه کمتر احتمال آن میرود، همانا باوریست که هراتیان بدان تخیل میزنند بدین معنی که این شهر از عهد اسکندر تا کنون هیچ تغییری نکرده است آنان می گویند وبا اعتقاد راسخ نیز تاکید میکنند که حصاریکه اکنون هراتیان را حفاظت میکند، همان حصاری بوده است که توسط همان سکندر پادشاه ساخته شده است. درحالیکه تاریخ خودشان عکس این ادعا را ثابت میکند و تنها با صفحه زدن اوراق تاریخ این شهر در طی نه قرن، می توان به هفت واقعه یی دست یافت که حاکی از ویرانی کامل هرات میباشد وچنان ویرانی بر این شهر تحمیل شد، که اعمار مجدد آنرا الزامی ساخته است نخستین بلیه یی که بر هرات نازل شد، در قرن دوازدهم میلادی بود. در عهد سلطان سنجر و مقارن سال ۱۱۵۷م-۵۴۴ه‍ ق این شهر بدست ترکمانان سقوط کرد. اهالی آن قتل عام شدند وحتی یك پارچه سنگ بالای پارچهٔ سنگی دیگر باقی نماند.

آزمایش سخت دیگری که این شهر بدان مواجه گشت مطابق به بیان نویسنده یی، از اینقرار بود، هربیلوت گوید: این شهر یکی از سه مرکز مهم خراسان (دوی دیگر مرو و نیشاپور) بود که بدست تولی خان (۱) محصور گشت. محمد گورگانی، حاکم این ولایت از شهر دفاع کرد و باتعداد زیاد افرادیکه زیر فرمان داشت چنان بمقاومت و پایداری ادامه داد که مغولان دانستند که این شهر همچون شهر های دیگری که قبلاً بدستشان گشوده شده بود؛ به آسانی مفتوح نخواهد شد. ولی بزودی واقعه ناگوار کشته شدن حاکم شجاع هرات شایع شد. بدین ترتیب که حاکم موصوف، متأسفانه باضرب تیری به قتل رسید. بدنبال قتل وی، مقاومت متدرجاً فروکش کرد و صحبت از تسلیمی محاصره شوندگان سرزبانها افتاد. تولی خان که ازاین امر مطلع گشت - البته توسط جاسوسانش با دوصد سوار بیکی از دروازه های شهر نزدیک شدتا باآن محصورینی که به ستوه آمده بودند به گفتگو

---

(۱) تولی در زبان مغولی به معنی «آئینه» است. تولی خان نام خود را ازشباهت زیادی که به پدر کلانش چنگیز خان داشت، حایز گشت. ر ک. حاشیه، ص ۱۶۷، سفرنامهٔ فریه.

بپرداز داو برای آنان فهماند ، هرگاه تسلیم شوند، جان و مال شان محفوظ و مصؤن خواهد اند و حتی پارا ازاین هم فراتر گذارده چنین وانمود کرد که از پرداخت مالیات زیادنیز معاف خواهند شدو به پرداخت مناصفهٔ مالیه‌یی که برای سلطان خوارزم مدنظر گرفته شده بود ، اکتفاء خواهد گردید .تولی خان باعهد وسوگند به مقدسات مذهبی و عده داد که به‌گفتارش و پیمانش وفاخواهد کرد . بدین ترتیب شهر بدست شهزادهٔ مغولی افتاد وآنعده سربازانی که‌تسلیم نشده بودند ، به قتل رسیدند.

وملك‌ابو بکر به حکومت این منطقه‌نصب‌شده تولی خان باشتاب متوجه پیوستن باپدرش‌گردید که‌مصروف تسخیر قلعهٔ طالقان و دستگیری خان طالقانی بود.اماتخریب کامل این شهر پر فیض‌و بابرکت‌به‌قول خواندمیر، هنگامی‌صورت گرفت که‌شایعه‌یی شکست‌مغولان بدست جلال‌الدین منکبرتی نزدیك‌شهر غزنی، درسرتاسر خراسان پخش‌گردید. مردم‌در تمام نواحی خراسان زمین‌با استماع این خبر بپاخاستندو مغولان رابه قتل رساندند، که‌مردم هرات نیز درآن جمله‌شامل بودند. آنان‌ملك‌ابوبکر را به قتل‌آوردند وقوایش‌را منهزم ساختندودفاع شهررابه دست‌مبارك الدین سبزواری سپردند. چنگیز خان با شنیدن این‌خبر، فرزند خود تولی خان‌راسرزنش کرد که‌چرابه دشمن‌مجال این‌راداد تامجدداًقیام کندو چنین‌حادثه یی رابوجود بیاورد ؟ بهرحال ،چنگیز خان دستورداد هشتاد هزار سوار به سرکردگی تولی خان به‌هرات هجوم ببرندو انتقام سختی ازسردم آن‌ناحیه‌بگیرند. محاصرهٔ‌هرات شش ماه بدرازا کشید که درطی آن‌سردم آن‌شهر باتمام قواء ایستاده‌گی کردندو با تلاش فراوان ازشهرشان دفاع کردند ولی دراخیراجباراً تسلیم شدندو بدون اندك ترحمی قتل‌عام‌گشتند . تعداد کشته‌شدگان‌به‌حدودیك‌میلیون‌و ششصدهزار نفر بشمار آمد.(۱)

امیرخواند شاه بیان‌میکند که شرف الدین خطیب‌طبیب باپانزده تن‌باشندگان که‌در پناه‌گاه ها

---

(۱) اگر این رقم‌درست باشد، بدون شك‌هرات آنروزگار بمراتب از هرات کنونی بزرگتر بوده‌است زیرا درحال حاضر (منظور دوران بازدید فریه‌است) نفوس هرات به‌حدود صد هزار تن‌می رسد.رك.حاشیه ص۱٦۸ سفرنامه‌فریه .

صاحب طبقات ناصری گوید که لشکر مغول هرات را «بگرفتندو خلق‌راشهید کردند... که ششصد هزارشهید درربع شهر بشمارآمد . برین حساب بیست وچهارلك درچهارطرف شهر، ازمسلمانان شهید شدند.» رك.طبقات ناصری ،چاپ،سال ۱۳۴۳ش،کابل،ج۲ص ۱۲۱.

خود را پنهان کرده بودند سپس به ۲۴ تن دیگر از بازماندگان آند یا رپیوستند که تنها افرادی بودند که از قتل عام به شکل معجزه آسایی جان سالم بدر برده بودند. این چهل تن ۱۵ سال در این دیار زیستند بدون اینکه کس دیگر در آن وجود داشته باشد، بدین ترتیب تخریب این شهر را می توان حدس زد که چقدر شدید بوده است. این واقعهٔ تاسف آور در سال ۱۲۳۲-م ۶۱۹ هجری اتفاق افتاد. (۱)

تیمور لنگ ویرانگر دیگر و تباه کننده نسل انسانی، با خون ریزی و شمشیر زنی همان مثال چنگیز خان را در اکثر حصص خراسان تکرار کرد. (۲) غیاث الدین (۳) شهزاده حاکم هرات، نخستین کسی بود که در برابر فاتح تا تار ایستادگی نمود، اما خطر از بابت طولانی شدن محاصره بروز نمود که در نتیجه او مجبور به تسلیم گردید. تیمور لنگ به منظور تنبیه وی به خاطر کوشش در زندانی کردن نمایندهٔ تیمور، حصار هرات را تخریب کرد، و چنان مالیهٔ سنگین بر اهالی شهر هرات وضع نمود که همه آنان را به فقر و تنگدستی عمومی کشاند. او همچنان اراضی و خزینه غیاث الدین را تصرف کرد. حاکم تیموری که بعد از غیاث الدین

---

(۱) به قول صاحب تاریخنامهٔ هرات در هجوم دوم مغولان به هرات هیچ آبادی باقی نماند و از تمام خلق آن فقط «۱۶» نفر جان به سلامت بدر بردند که در راس شان مولانا شرف الدین خطیب جغرتان بود. این ۱۶ نفر در قلهٔ کوهی صعب العبور مخفی شده بودند که بعد از رفتن مغولها از هرات، به شهر آمده و در جوار درب خوش، در حمام شرف الزمان مسکن گزیدند. بالاخره با پیوستن چند تن دیگر به آنها، تعداد شان به ۴۰ نفر رسید و آنگاه گنبد سلطان غیاث الدین غوری را در مسجد جامع مسکن خود ساختند. سرانجام پس از گذشت پانزده سال، مردم زحمتکش هرات فرصت اعمار و ترمیم شهر هرات را بدست آوردند.

رك. مجلهٔ هرات باستان، سال اول، حمل و جوزا ۱۳۵۹، ش ۲، ص ۱۷ به نقل از تاریخنامه هرات ص ۸۲.

(۲) به قول مؤرخان مستشرق سه میلیون تن انسان در این قتل عامها جان خود را از دست دادند که در میان شان باشندگان شهر بلخ، نیشاپور، مرو و هرات شامل بودند رك. زیرنویس ص ۱۶۸ سفرنامه

(۳) منظور سلطان غیاث الدین پیر علی از ملوك کرت هرات است که بتاریخ دهم ماه ربیع الثانی سال ۷۸۶ هق به دستور امیر تیمور لنگ در بیرون ارگ سمرقند به قتل رسید. (م)

به‌حکومت این ناحیه منصوب گشت درسال ۱۳۹۸م-۷۸۰ هق درگذشت ودرنتیجه‌قیام دیگری بوقوع پیوست و آن هنگامی بود که اهالی شهر به حمایت و پشتیبانی سلف‌حاکم بر خاستند که درنتیجه‌پایگاه‌نظامی مغولان ویران گشت.مقارن این قیام، میرانشاه، فرزند تیمورلنگ درفاصله‌سه روزه راه‌ازهرات‌ودرکناردریای‌مرغاب‌قرارداشت که‌بااستماع این‌حادثهٔ هولناك باقوای بزرگ به‌شهرهجوم آورده آنرابه‌ویرانی کشیده‌و باشندگان‌شهررابه قتل آورد.

شهرهرات درزمان الغ بیگ نوادهٔ بزرگ تیمور بازبه همان سرنوشت ناگوار قبلی سردوچار گشت.این‌شهزاده بابستگانش میرزا بابر(۱) وعلاالدوله (۲)داخل نبردشد و هراتیان که‌باز فرصت رامساعد یافتند، دست‌به‌قیام زدندو یارعلی که کلانتری ازقوم تاتاربود در رائس این قیام قرارگرفت اما الغ‌بیگ بزودی به هرات هجوم برد و شهریکبار دیگربه ویرانی دچارگشت‌و بالاحصارکه دروازهٔ خودرابروی مفتوح نگهداشت، از ویرانی نجات یافت.

درسال ۱۴۷۷م۸۶۳ه ق‌ودرعهد ابوسعید(۳) ازبازماندگان تیموری، جهان شاه(۴) شهزادهٔ ترکمنی‌ازسلسلهٔ قره‌قویونلوبه‌هرات تاخت وقحطی‌برسرتاسراین ناحیه روی آورد که علت‌آن‌تباهی‌خرمنهاو نابودشدن‌انبارهای‌غله بود.

---

(۱) میرزابابرفرزندبایسنقر بن‌شاهرخ میرز است که‌درسال۸۰۳ هق‌درهرات‌حکومت داشت

(۲) علاالدوله فرزند بایسنقراست . (م)

(۳)سلطان ابوسعیدفرزند محمدمیرزافرزندجلال‌الدین‌میرانشاه‌فرزند امیر تیمورگورگانی است.او درسال ۸۵۵ هق‌به قدرت‌رسید ودرسال ۸۷۳ هق به دستور امیرحسن اق قویونلو کشته شد . (م)

(۴) جهان شاه‌فرزند قرایوسف درسال ۸۶۲ه ق به‌خراسان آمده‌درهرات‌تاج گذاری کرد و خودرارسماپادشاه خواند، .تااینکه درسال۸۷۲ه ق به قتل رسید.این شخص به امرای‌قره‌قویونلو یا«بارانیان» ازترکمانان تعلق‌دارد که‌درآذربایجان وغرب‌ایران به تاسیس‌سلاله پرداختند وسپس‌بدست اق‌قویونلوها سلاله دیگری‌که در همان نواحی به‌قدرت دست یافته بودند، درسال۸۷۳ هق‌منقرض شدند.

درسال ۱۵۵۳م-۹۳۱ هق باز همان سرنوشت نامبارک به‌سراغ هرات آمد وعبیدخان ازبک همه‌چیز را تانزدیک به بالاحصار این‌شهر به‌آتش کشیده و ویران کرد که‌تنها بالاحصار از این ویرانی برکنار ماند. وبالاخره برای بارهفتم درسال ۱۶۰۷ م-۹۹۳ ه ق ودر دوران‌شاه‌عباس کبیر یکبار دیگرشهر هرات بدست ازبکان‌سقوط کرد که‌در راس آنان عبدالمؤمن خان قرار داشت .

بنابران باوصف‌این همه‌خرابیهای که درطول تاریخ بر این شهر تحمیل گشته، آیاباز هم می‌توان پذیرفت که خاک‌انداز و حصار موجودهٔ هرات همان‌خاک انداز و حصار باقیماندهٔ سکندر کبیر باشد؟ ازمشاهدهٔ دقیق‌این‌شهر و حومهٔ آن‌درطی مدت اقامت خویش، چنین-دریافتم که‌محوطهٔ کنونی‌قلعه‌فقط‌تاحصار کهنه‌و قلعه‌یی که درحال‌حاضر بنام‌قلعهٔ‌اختیار الدین یاد میشود ، گسترش داشته‌است . خاک اندازی که غیر ازبالاحصار دراطراف‌این‌شهر درست شده، بایدهمان حصاری باشد که درعهدشاهرخ میرزا فرزند تیمور گورگانی‌اعمار گشته‌است.این‌شهزاده درعهدپدرش‌فرمانروای‌ولایت‌هرات مقررگشت وبعدا زوفات پدر،براین ناحیه‌به قدرت خود ادامه داد. چون به‌شهر هرات علاقمندی‌ویژه‌یی،داشت، این‌شهررا‌پایتخت‌سلطنت‌خودساخت‌ودر آبادی‌و عمران آن مبالغ گزافی بمصرف رساند وهمه ویرانیهای‌آنرا ازبین‌برد .درسال ۱۴۳۱م-۸۱۸ ه‌ق حصاروخاک ریزی که پدرش ویران کرده بود، مجدداًآبادگردید. دراعمار مجدد این حصار بزرگ درحدود هفت‌هزار تن به کارگماشته شدند .

ساحهٔ کنونی شهر هرات درحدود یک‌فرسنگ مربع را احتواء میکند که‌حدود مشرق و مغرب‌آن بامقایسه بابخش‌شمال وجنوب‌آن طویل‌تر است ونیرومندی بیشتر آن به همین‌خاک ریز بزرگ اطراف شهر ربطمیگیرد. (۱) چنانکه درنزدعوام شایع‌گشته مصالح و مواد دیوارهای بزرگ وخاک ریزشهر در اثر همان ویرانیهای عهدکهن روزگار مقدونیان

---

(۱) محیط داخل‌خاک‌ریز شهر هرات تقریباً‌به‌یک میل مربع میرسدو وسعت اراضی باخاک ریز چنانکه درمتن بدان اشاره‌شده به‌حدود یک‌فرسنگ مربع بالغ میشود .نقشهٔ دقیق‌و صحیح شهر وخاک ریز آن‌را کلنل‌ادوارد‌ساندرز فقیدبرای هیئت‌نظامی‌انگلیس‌به هندوستان‌ارسال‌داشت.

حاشیه ص.۱۷ سفرنامه

(یونانیان) صورت گرفته که در نظر بوده آبادی های جدیدی بجای آنها اعمار گردد. این خاك ریز بزرگ چنانچه از ظاهر آن پیداست از گل بسیار سخت انباشته شده که ظاهرا بخش زیاد آن از داخل شهر و قسمتی هم از بیرون تدارك گردیده که از داخل باخشت های پخته بر استحکام آن افزایش بعمل آمده و از بیرون بشکل پشته یی که از بالا به پائین دامنهٔ آن وسعت پیدا میکند، ساخته شده است. اطراف خاك ریز را خندق بزرگی فراگرفته است که در هنگام محاصره باآب پر گردیده و زمانی هم بدون آب میباشد. ارتفاع این خاك ریز یکسان نیست ولی بطور اوسط می توان بلندی آنرا در مجموع به (۹۰) فوت تخمین کرد. بر این خاك ریز تعدادی برجها تعبیه شده که بفاصلهٔ (۵۰) فوت ازیکدیگر قرار دارند که بادیواری بهم وصل گردیده و در آن سوراخهای بزرگتر صدساخته شده است. قلهٔ برجها طوری پهن ساخته شده که در آن بتوان توپی راجای داد. دورا دسر پوشیده که خاك ریز راقطع کرده است به دفاع مستحکم این شهر بسیار کمك مینماید.

بالاحصار که همان قلعهٔ اختیار الدین باشد، به سمت شمال و در داخل محوطهٔ شهر افتاده که مربع شکل بوده و در گوشه های خود، برجهای بزرگ دارد و از خشت پخته ساخته شده و بالای خاك ریزی ساخته شده که ارتفاع آن از دیوارهای اطراف شهر زیادتر است و اطراف آنرا همچون اطراف خاك ریز بزرگ شهر، خندقی عمیق و بزرگ فراگرفته است که باپل موقتی و یا شناسی توان بداخل آن راه یافت. از این بالاحصار برراههای بیرونی حصار شهر میتوان نظارت کرد وحتی راه کاروان رو مشهد و هرات را سور دتر صد قرار داد. حمله به بالاحصار هرات کاری بس مشکل است، حتی اگر توپهای قوی بر تل بنگی باارتفاع نسبتاً زیاد و موقعیت مناسبی که دارد، قرار داده شود، باز هم نمی تواند بالاحصار را بگشاید.

پس از محاصره هرات توسط ایرانیان درسال ۱۸۳۸ م عده یی از انجینران صاحب منصب انگلیسی به سرپرستی سیجور تاد، نماینده مقیم انگیس بدربار شاه کامران بخشی از حصار را مجدداً اعمار کردند. (۱) خط دفاعی خندق که بنظر آنان ضعیف می نمود، درچند نقطه پر

---

(۱) سیجور ساندرز از انجنیران بنگال، صاحب منصب ورزیده یی بود که همراه با کپتان نورت از قشون بمبئی، طرح و اجرای دفاع خاك ریز را بعهده گرفت. سیجور ساندرز در جنگ مهاراجپور به قتل رسید. حاشیه ص ۱۷۱، سفرنامه فریه.

گردید و بجای آن مناطق دیگری حفر شد. این امر بر ارتفاع خاک ریز در چند نقطه افزود و استحکام خاک ریز را در برابر شلیک گلوله های بزرگ توپ بیشتر مقاوم ساخت. برجهای گوشه های خاک ریز هم بیش از پیش برجسته ترگشت ود، دروازه های ورودی هم تااندازه تغییراتی رونماشد تاحمله بر آن نسبت به آنچه درطی محاصره سال ۱۸۳۸م صورت گرفت، دشوار گردد . این تغییرات متاسفانه بدوسمت خاک ریز محدود باقی ماند ودوسمت دیگر آن وضع بدی دارد ودرچند ین موضع اگر قابل تسخیر نباشد، می تواندمورد حمله قرار داده شود. اگر این کار دفاع حصاربه دست همان انجنیران مذکور به پایهٔ تکمیل می رسید، شهر در برابر هجوم هر نوع قوه یی ایستاد گی میدا شت. دفاع هرات وقتی تامین می گردد که بر کاریکه تا کنون صورت گرفته، افزایش بعمل آید. برخورد های قوای قاجاری باقوای داخلی هرات در چندنقطه در خندق خاک ریز موجبات تلفات سنگین قوای انسانی برای هر دو جانب گشته است. قوای محمدشاه قاجاری خیلی تلاش کرد تا راه خود را از خندق بسوی شهر باز نماید. ولی در بساموارد با مقاومت قوای هراتی مواجه گشت ودشواری زیادی را متحمل گردید.

نفوس هرات قبل ازمحاصره به حدود هفتاد هزار تن میرسید ولی بعداز آن به حدود شش یاهفت هزارتن کاهش یافت. این کاهش، بیشتر بخاطر مهاجرت انبوه مردم رونماشد. وعلت آن تلفات زیاد وقحطی مدهشی بود که درطی مدت محاصره، مردم هرات بدان مواجه گشتند مرگ ومیر مردم تامدتی مدید بعد ازمحاصره نیز ادامه یافت ...

صاحب منصبان وزیر یارمحمدخان درشهرمی گشتند ومردم راعلیه یکدیگر و یابرضد مقامات رسمی تحریک می کردند تابدین گونه بهانه ودستاویزی جهت فروش آنان بحیث کنیز و غلام بدست آورند. و تعداد کثیر آنان را برای ترکمانان بفروش برسانند. باشندگانی که ازاین توطئه ها مطلع گشته بودند درمنازل شان خاموش باقی میماندند، معهذا یارمحمد خان هم ازاین عمل آنان نهراسید او تمام دروازه های خروج بازارها را مسدود کرد و در همان ساعاتی که بازار هامزدحم می گردید، مردم رامحاصره کرده وافراد سپاه خودرا دستور داد تاهر فردی را که می توانستند دستگیر کرده و جهت تامین پول برای فروش درنظر بگیرند.

ازهنگامیکه این حوادث ناگوار اتفاق افتاد، وزیر قدرت اداری وحاکمیت دولتی

را غصب کرده و خزینهٔ خودرا باطلای انگلیسی پربار نمود و تحت‌شرایط متغیری عوارض گمرکی کمرشکن رابنابر مقتضیات زمان کاهش‌داد. ازسال ۱۸۴۲ م به بعد‌او بفکر اسکان مردم هزاره، جمشیدی و تیمنی درداخل هرات افتاد تابدین طریق برجمعیت این منطقه افزوده باشد. او این افراد رادرطی لشکرکشی به‌مناطق نشیمن‌آنان بصورت دسته‌جمعی دستگیرکرده و بطوراسیر به هرات‌مسکن داد. درطی‌دیدار من‌ازاین‌شهر هرفرد احساس مصئونیت می‌نمود و درطی چندسال اخیر، زراعت و تجارت به‌پیمانهٔ وسیعی‌رونق‌خودرا بازیافته‌بود. عفوعمومی برای کسانیکه به‌خاك‌ایران ویااراضی تحت اشغال انگلیس‌ها گریخته بودند، اعلام‌گشت‌و آنان به‌تعداد کثیری مجدداً‌به منازل شان درهرات مراجعت کردند. نفوس‌ولایت‌هرات درسال ۱۸۴۵م به‌حدود‌بیست تابیست و دو هزارتن رسیده بود‌و احتمالاً ده‌سال بعد ازین تاریخ تمام ویرانیهای ناشی ازمحاصرهٔ هرات بدست‌ایرانیان مرتفع‌خواهد شد.

فهم‌و درك شهر هائیکه درشرق کاملاً‌ازخاك‌و گل‌ساخته‌شده و بواسطهٔ‌قبایل نیمه کوچی مسکونی ساخته‌میشود و بازبه‌آسانی ویران گردیده ومتروك میشود، وقتی‌بسیارسهل‌و آسان میگردد که‌بازانسان می‌بیند که همین شهرها باهمان دلایلی‌که ساخته شده‌و ویران گردیده باهمان امکانات ساده و بسیط‌مجدداً آبادمیگردد، زیراهمان مواد ابتدایی‌و مصالح لازم درعین محل‌ساختمان فراهم بوده و درمجموع همهٔ افراد خانواده ،اعم‌ازمرد‌و زن بادستان‌شان دست‌بکار شده‌درعمران منازل و خانه‌هاهمت می‌گمارند. دروازه و کلکین اتاقها یگانه چیزی است که‌نیازبه نجاردارد‌که آنهم‌به بهایی ناچیز درست میشود‌خانه‌ها عموماً گنبدی ساخته میشود و ازاین اوضاع و احوال می‌توان حدس‌زد‌که برای‌سکندر مقدونی چقدرسهل‌وآسان بوده تاچندین شهر و قصبه را درآسیای میانه و مرکزی‌اعمارکند باقشونی که‌بهمراه داشت، او می‌توانست‌درطی ده‌تاپانزده روزچندین‌هزار منزل‌مسکونی، اعمارنماید و بادرنظرداشت کاه و گل که درساختمان دیوارهای منازل بکار می رفت، پس‌جای تعجب‌باقی نمیماند که هنگامیکه دراثرحوادث طبیعی و یا جنگ های‌ویرانگر این ساختمانهامنهدم می‌شد، آثاری ازآن هانیز باقی نمی‌ماند زیراکه همان کاه‌و گل‌دوباره‌هموار گشته، باخاك یکسان می‌گشت‌و علایم آنهانیز بکلی محوونابود میگشت .

گر چه، نفوس هرات مستمراً درطی سه‌سال اخیر رو به افزایش رفته، باآنهم وقت زیادی در کار است تاآثار وعلایم ویرانی بکلی‌ازبین‌برده شود، زیرا درحال حاضر صرفاًازهر پنج منزل یکی‌آن مسکون شده‌و میشود، ساختمانهایی ازقبیل کاروانسراها، بازارها، حمام ها وغیره عمارات عمومی توسط‌گلوله های توپهای قشون ایرانی بکلی‌منهدم گشته‌و ویران شده‌است واز‌سوی مالکان آنها کاملاًسترو کگر دیده‌ومحاصره‌شوندگا ن‌اکثر مواد‌ساختمانی این‌عمارات عمومی رابرخاک‌ریز هرات انباشتند تابدین ترتیب‌امکان‌دفاع شهر راز یاد کرده باشند. آنچه‌بیش از دیگر توجهٔ انسان رادرسال ۱۸۴۰م درهرات بخود جلب‌می‌کرد همانا مخروبه هایی‌بود که شامل باغهای عمومی و قشنگ و منازل باشکوه مناظر زیبا و دل انگیز حومهٔ شهر می گردید. روستا های سرسبز و مشجر و حاصل خیز کاملاً باخاک یکسان گشت. قشون‌قاجاری ایران درطی ده‌ماه محاصره چنان ویرانی های‌بزرگی براین‌شهر بمیان آوردندکه درتاریخ شرق‌نمی‌توان نظیری برای آن‌مشاهده نمود واین ویرانی چنان‌همه‌جانبه‌و کلی‌بود که هرگاه‌مردم آن درطی صدسال به‌جنگ‌داخلی گرفتار می آمدند، بازهم این قدر ویرانی درآن شهر صورت گرفته نمی توانست. حتی‌یک‌نهال سرسبز و درخت‌تنومندیکه‌باعث‌زیبایی‌ومایهٔ‌فخرو مباهات‌باشند گمان آندیارشمرده میشدازاین ویرانی جان سالم بدرنبرده همه چیز هموارگشت وشهر و روستا به‌منظرهٔ یی‌ازخرابی و ویرانی مبدل‌گردید. (۱)

---

(۱) دربارهٔ خرابی‌هرات واطراف آن، صاحب‌ناسخ التواریخ چنین‌می نویسد: «اینک‌ازهرات جز نامی باقی‌نیست. ازبیرون این بلده‌تامی فرسنگی آبادی نمانده وازدرون، خانه هاتل خاک‌شده، اهل‌صنعت‌و حرفت آن‌به‌بلادبعیده جلای وطن کرده قلیل‌مردمی بی‌توش‌و تاب‌از پس‌این‌دیوارخراب بجای مانده‌که ازبیم‌جان‌به‌جان‌می‌کوشند.»

رک. ناسخ التواریخ، میرزامحمدتقی سپهر، چاپ‌سال۱۳۴۴ش، تهران. ج دوم، بخش‌قاجاری، ص۸۹.

گذشته ازویرانی اراضی واماکن، سپاهیان قاجاری نسبت‌به‌اهالی قرأو دهات‌اطراف‌هرات به‌فجایع هولناکی دست‌زدند. سرنوشت‌رعایائیکه دراماکن‌خودبرای‌حفظ‌عیال‌و اموال*

تعداد زیادی از بازارها، در طی مدت اقامت من در آن شهر، هنوز هم بحال ویرانی افتاده بود بخشی از چهارسوق، یگانه چیزی بود که نسبتاً به شکل درستی ترمیم شده بود. خانه های چهار بازار یکه از چهارسوق جدا شده بود، بشکل گنبدی از خشت پخته ساخته شده بود که دکانهای آن از یک طرف به طرف دیگر قرار گرفته بود در انجام هر رشته بازار ساختمانی قرار داشت که آنرا بشکل دایره یی فرا گرفته بود که از بالای آن می شد، منظرهٔ زیبای شهررا نگریست(۱) نزدیک به چهارسوق، حوض بسیار قشنگی ساخته شده که در نوع خود شاهکار هنری قرن

*سیماندند، مرگ بود و زنها در هر سنی که بودند زجر و شکنجه میشدند و حتی بچه های کوچک از شکنجه و آزار مصئون نبودند. آنان زینت و آلات زنان را طوری بتاراج می بردند و چنان آنهارا خراب می کردند که حتی یهودیها هم حاضر نبودند آنهارا با پول سیاه بخرند.

رک. تاریخ قاجار، واتسن، ترجمهٔ عباسقلی آذر، چاپ سال ۱۳۴۰ ش، تهران ص ۲۰۷-۲۰۶.

(۱) به قول محمد ابراهیم رجایی «شهر قدیم هرات، چار بازار عمومی و چار دروازهٔ بزرگ داشت. تقاطع این چار بازار، شهر را به چار قسمت (ناحیه) تقسیم می نمود، که ناحیهٔ شمال شرقی را قطبیچاق ناحیهٔ شمال غربی را بر درانی ها، ناحیهٔ جنوب شرقی را خواجه عبدل مصر و ناحیهٔ جنوب غربی را مهمندها می نامیدند. در انتهای هر بازار یک درب بزرگ نصب شده بود که از خود نامی خاص داشت. دروازهٔ شرقی بنام درب خوش، دروازهٔ جنوبی، به نام درب فیروزآباد (قندهار) دروازهٔ غربی بنام درب عراق و دروازهٔ شمالی که در اصل دو دروازه بود از سمت شرق به نام قطبیچاق و از جانب غرب به نام درب ملک نامیده میشد.

چار بازار مسقف از چار سمت در مرکز شهر به هم وصل شده و ساحهٔ تقاطع آن، شکل دایرهٔ وسیعی را بخود گرفته بود که چارسوقش می نامیدند. سقف چارسوق با ارتفاعی زیاد، از خشت پخته و چونه اعمار یافته بود که خیلی ها زیبنده و باعظمت و حشمت خود نمائی می کرد و آیتی از هنر معماری قدیم هرات بود. سقف چارسوق تا ۳۶ سال قبل و از بازار های هرات تا حوالی ۳۸ سال پیش نیز وجود داشت.» رک. هرات باستان، ش ۲ و ۳. سال دوم، حمل-سنبله ۱۳۶۰ ش، چشمید هاص ۸۱ و ۸۲ و ۸۳.

شمرده میشود(۱)

این گنبد حوض، مطابق به روایات عنعنوی به فرمان شاه عباس کبیر صفوی، و بدنبال تکمیل اعمار بخشی از شهر ساخته شد. بدین ترتیب که فرماندار شاه موصوف که شخص جدی و کم حوصله یی بود امر کرد تا هرچه زودتر این گنبد بزرگ حوض در زمانی کوتاه ساخته شود. معماریکه معروف ساختمان آن بود بوی اطلاع داد که در آن مدت کوتاه ناممکن است، ساختمان مذکور به اتمام برسد. حاکم مستبد بدون اینکه موضوع را بدقت بررسی کند، بر فرمان خود اصرار کرد و معمار بدبخت هم که از بیم جان به هراس افتاده بود، فرار را برقرار ترجیح داده و از هرات گریخت. یکسال گذشت و ساختمان همچنان ناتمام باقی ماند، زیرا که هیچ کس دیگری حاضر نشد که لیاقت تکمیل این بنا را داشته باشد تا اینکه بالاخره همان معمار قبلی ظاهر گشت، و فرماندار شهر هم که خود را در مضیقه یافت و از بیم آنکه مبادا ساختمان ناتمام بماند، مجازات اعدام معمار را تخفیف داده و صرفاً باچوب زدن وی بسنده کرد. اما قبل از آنکه مجازات به فلك کردن معمار عملی شود، فرماندار موصوف معمار را با خود بر سر ساختمان حوض برد. معمار که بسوی دیوار های بلند مینگریست خطاب به فرماندار هرات گفت: متوجه هستید که تهداب این ساختمان از هنگامیکه من هرات را ترك دادم تا حدود یك فوت به زمین نشست کرده است؟ اگر در آن هنگام من از ساختن گنبد حوض خودداری می ورزیدم، سر من را قطع می کردید و یا هرگاه این گنبد بعد از اعمار فرو می غلتید باز هم سرنوشت مشابهی در انتظارم می بود. تو از گوش کردن به حرف من خودداری کردید و من هم برای نجات جان خود، پا بفرار نهادم تا اینکه فرصت آن رسید تا من کارم را بدرستی به انجام برسانم و اینك برای آن برگشتم و حاضر شدم تا بکار ساختمان گنبد ادامه بدهم.» بعد از اندکی عذرخواهی بیانات معمار سز بوربه انجام رسید

---

(۱) حوض بزرگ و بی نظیر چارسوق شهر قدیم هرات از ابنیه عالی حسن خان شاملو است که اشعار کتیبه و مادهٔ تاریخ (رنگین بنای ملك هری بر که حسن ۱۰۳۵ ه ق) نیز بخط زیبای نستعلیق وی موجود است.

رك. رهنمای هرات. تالیف محمد ابراهیم رجائی. چاپ سال ۱۳۴۷ ش، مطبعهٔ هرات، ص ۳۶ .

وکارساختمان آغاز گردید. بدین ترتیب که حوض پر از کاه گردیده وتا ارتفاع لازم این قالب کاهی بالا برده شد و بر روی آن یکی از گنبدهای بی‌نظیر و شکوهمند فن معماری و مهندسی ساخته شد .(۱)

مسجد بزرگ هرات یکی از بناهای دیگر و مهم این دیار است که در داخل شهر موقعیت دارد که متأسفانه، نیاز شدید به ترمیم دارد، که هنوز کسی به فکر ترمیم آن نمی‌باشد، مقارن قرن پانزدهم میلادی، مسجد جامع مذکور اعمار گشت که در آن عهد سلطان حسین تیموری بر اریکه قدرت قرار داشت و گفته میشود که در این کار یکی از خویشاوندانش بنام شهزاده شیبالی همکاری داشته است(۲) بدین ترتیب اکثر ساختمانهای باشکوه که اکنون به ویرانه ها تبدیل شده، مرهون عهد همین پادشاه تیموری است .

(۱) چنانکه در حاشیه مطلب فوق آماده، اندازهٔ گنبد مستلزم چنین ترتیباتی بوده است، اما این امر بطور کلی بر لیاقت معماران و مهندسان در این کشور ها مر میشده است و ساختمانهای قشنگ وابنیهٔ زیبای در هرات ساخته شده و موجود است که صرفاً بوسیلهٔ هر اتیان درست شده است بدون اینکه کمکی از خارج بدانان متصور بوده باشد.

ر ك. حاشیه، ص ۱۷۳. سفر نامهٔ فریه.

(۲) مسجد جامع هرات از ابنیهٔ سلطان غیاث الدین غوری بن سام (۵۵۸-۵۹۹ هق) است که میگویند وسیلهٔ بنای این مسجد امام فخر الدین رازی بوده است. در دوره تیموریان در سالهای ۹۰۳ هق روی کار جدار بیرونی این مسجد به کاشی کاری رنگارنگ مزین گشت. در سال ۱۲۸۰ ش به ترمیم مسجد جامع توجه شد. صحن مسجد جامع ۹۷۰۰ متر مربع بوده که به خشتها ی بزرگ مفروش است .

در سال ۱۳۲۲ ش از وجه اعانه های مردم به ترمیم و اعمار الحاقیه های مسجد جامع افزایش بعمل آمد. در این ساختمان باشکوه، مظاهر هنر مختلط معماری، کاشی کاری، حجاری، و خطاطی معاصر و دوره تیموریان به مشاهده می‌رسد. رواق نفیس سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری از سال ۵۹۷ ه ق، دیگ بزرگ فلزی دورهٔ سلك غیاث الدین کرت از سال ۷۷۶ ه ق، مزار سلطان*

قصر چارباغ که درگذشته اقامتگاه زمستانی حکام هرات بوده چندان وسعتی ندارد وباغ آن که یگانه باغی درداخل شهرشمرده میشود، کوچك بوده وباساز ل زیادی د را طراف محصورگشته است ما جو ر تو د که مد تی د ر ا ین جا بسر می بر د ه چند ساختمان رها یشی دیگربرا ن افزو ده ودیوار اصلی را نیزتر میم کر دو چهار سا ل که ازآن زمان میگذرد، اکنون ویرانی های بر این بناروی آورده است. دیوار هاترك برداشته وباگل ولای انباشته شده، کلکین هاودر وازه ها تقریباً شکسته وفرسوده گشته وقسمتی هم ازبین رفته و هیچکس هم جهت مراقبت ونگهبانی آن گماشته نشده است .

---

*غوری، منارشهدأ ،توپچاریاری ، دستگاه صنعت کاشی درآن هنو ز پابر جای است.

رك. رهنمای هرات ،چاپسال ۱۳۴۷ ش ، مطبعهٔ هرات ،ص ۱۰ - ۱۱- ۳۶ .

و همچنان برای معلومات بیشتر ازمسجدجامع هرات وسیرتحولات عمرانی آن،رك مجله هرات باستان .شمارهٔدوم سوم وچارم سالسوم وشمارهٔ اول سالچارم (۱۳۶۱)

مراداز شهزاده شیبالی باید شهزاده شیبانی باشد.شیبانیان باخصومتی که نسبت به تیموریان وصفویان داشتند چندین بار به هرات حمله آوردند . (م)

برگردان ونگارش
جهانگرد افغانی

البوم مینیاتورهای آثار و تالیفات نوایی

قرن پانزدهم تا نوزدهم میلادی [۱]

این البوم که گوشه یی ازفعالیت های هنری بزرگترین وباشکو هترین عهد «رنساس کشور» ما رادر مرحله هایی از زمان مینما یاند، توسط دو تن از دانشمندان متبحر ازبکستان شوروی بنام پروفیسور حمید سلیمان، داکتر علوم فیلالوژی، و فاضله سلیما نووا، کاندید علوم فیلالوژی تدوین و تالیف گردیده وزیر نظر ای .یو.یوسوپف اکادمیسین اکادمی علوم ازبکستان شوروی درموسسهٔ انتشاراتی «فن» ازبکستان درسال ۱۹۸۲م درتاشکند چاپ شده است که اندازهٔ آن ۳۳×۲۴ سانتی متر میباشد .

دراین البوم هنری ۲۸۵ پارچه هنری ونقاشی ومینا توری وتصویری در۲۸ اثر با لیما نده

از امیر علی‌شیر نوایی که در دوره های گوناگون تاریخی و در طی سالهای متمادی به انجام رسیده، گنجانیده شده‌است که همه از لحاظ زیبایی، نفاست و ظرافت و ریزه کاریهای دل انگیز و الوان گوناگون، ارزش عمیق هنری هنرمندان چیره‌دست دوران درخشان سرزمین های خراسان بزرگ، ماوراء النهر و هند شمالی را بخوبی مجسم ساخته‌است.

آنچه در این البوم هنری و پژوهشی میناتوری با اهمیت مینماید، چاپ دقیق آثار هنری کهن است که وضاحت و شفافیت آن باچنان زرق و برقی همراه شده‌است که چشم بیننده را خیره ساخته، ابهت و عظمت آثار هنری راصدچندان آشکار گردانیده است که این خود دلالت بر دست ندر کاران چاپ آثاری از این دست مینماید که الحق قابل تحسین و تقدیر و ستایش میباشد.

- ۱ -

چنانکه میدانیم در قرن پانزدهم میلادی برابر با قرن نهم هجری قمری، در خراسان زمین اوضاع و احوال طوری سیر کرد که مدنیت بزرگی چون مدنیت تیموری بوجود آمد که عوامل گوناگونی در آن دخالت داشت که از آن جمله بود، عوامل عینی محیطی، نیروی بشری و دگرگونی اقتصادی وسیاسی و اجتماعی. از عهد «رنسانس شرق» تیموریان هرات به خوبی می‌توان دریافت که جو و فضای آموزشی و تربیتی و فرهنگی در خراسان بزرگ چنان تشویق کننده و مرغوب بوده‌است که در آن اوضاع و احوال که نه فن چاپ هنوز معمول شده‌بود و نه امکان فن تهیه‌وتدوین و تکثیر کتابهای قشنگ وزیبا وقطور وجود داشت، انسانهای دانش دوست و متعهد و فرهنگ پویاوپا رورشان، قطورترین و زیباورنگین ترین آثار نفیس علمی و ادبی و هنری را آفریده و به دوران ما پیشکش کرده اند.

اینگونه تلاش و کوشش و رنج و زحمت دانش‌پژوهان، اندیشمندان و هنروران پر تلاش و ظریف کار دوران افتخار آفرین امیرعلی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ هق) و دیگر اعصار شکوفان فرهنگ و هنر کشورما یسته ی تحسین وحتی تقلید کامل و تمام است و با یدهم باشد.

- ۲ -

دوران حکمرانی تیموریان، دوران انکشاف مناسبات فیودالی در خراسان زمین و آسیای میانه بود، که مرکزیت فیودالی تحقق پذیرفت، نظام اقتصادی، زراعتی، دگرگون گشت پیشه‌وری و تجارت رونق یافت و بازارها نهایت درجه‌وسیع و گسترده گردیدو مناسبات

مالی و پولی طبقه های وسیع اهالی شهر ها و قسماً دهات ابعاد وسیعی یافت. درآمد دولت از دیاد پذیرفت و اندوخته های سردم زیاد شد و بدین گونه زمینهٔ هرگونه آبادی و عمران در شهر های سمرقند، بخارا، هرات و مشهد و غیره میسر گردید. همچنان در همین عهد بود که هنر خطاطی و میناتوری، کتابسازی، فن معماری، هنر موسیقی و امثال آن به اوج پیشرفت و درخشش خود دست یافتند. در اواخر عهد تیموریان بویژه در روزگار سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (وفات ۱۱ ذی‌حجه سال ۹۱۱ هق) خراسان زمین مرکز تجمع بزرگان علم و دانش و کانون پرورش ادبیات، صنعت و هنر گردید. سخنوران، نویسندگان و هنروران شایسته عالی مقام از همهٔ نقاط خراسان، ماوراالنهر، فارس و سیستان و هندوستان که شهرتی یافته بودند بمرکز امپراتوری تیموری یعنی هرات شتافتند و به تخلیق آثار بسیار با شکوه علمی ادبی و هنری مشغول گشتند.

-۳-

در میان رجال سرشناس که ناشر بارونق ادبی و هنری قرن پانزدهم میلادی در کشور ماهمواره یکجا برده میشود، وزیر معارف دوست و هنر پرور سلطان حسین بایقرا، امیر علی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ هق) بود. نظام الدین علی شیر پسر کیچکینه بها دراست که در سال ۸۷۳ هق که سلطان حسین بایقرا در هرات بپادشاهی رسید، او را از طفلی میشناخت ابتدأ به وظیفهٔ مهرداری و بعد به مقام وزارت برگزید. امیر علی شیر نه تنها وزیری مدبر و سیاستمداری لایق بود، بلکه دانشمندی شاعر و ادیبی هنرمند نیز بود. خط را زیبا می نوشت و در فن تذهیب، تجلید و تصویر دسترسی تمام داشت و بیشتر سازها و آلات موسیقی را با کمال استادی و مهارت می‌نواخت. او یکی از مشوقان کتاب نویسی و کتابداری است که همین امیر موجب شگوفان شدن هنر های زیادی میگردد که باخطاطی و هنر های چون نقاشی و میناتوری و مصوری و حتی کاغذسازی سروکار دارد.

از جمله هنر ها ئیکه در دورهٔ تیموریان هرات به اوج شکوفایی و درخشندگی خود نایل آمد، گسترش فن خطاطی و ساختن کتابهای زیبا و نفیس بود که تمام هنر های آن روزگار چون هنر تذهیب کاری، میناتوری و هنر نقاشی و هنر صحافی و جلدسازی درآنها منعکس بود.

هنر خطاطی و کتاب نویسی (نسخه برداری) و کتاب‌سازی مخصوصاً باتاسیس کتابخانهٔ شاهرخ میرزا (۷۷۹-۸۵۰ هق) و بایسنغر میرزا (۷۹۹-۸۳۶ هق) فرزند شاهرخ میرزا و کتابخانهٔ

امیر علی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ هق) مورد توجه قرار گرفت، چنانچه در کتابخانه با یسنغر میرزای مذکور، چهار صد کاتب و مصور و مذهب و مجلد مشغول کار بودند.

ودرهمین دوره بود که اکثر کتب نفیس و آثار گرانبهای شعرأنامی که اکنون در دست است نسخه برداری شد و حتی عده یی از مؤرخان معتقد هستند که خط نستعلیق در زمان تیموریان هرات کشف و ایجاد گردیده که مبدع آن میر علی بوده است و بتوسط سلطان علی مشهدی ملقب به «سلطان لخطاطین» بحد کمال وزیبایی خود رسیده است وخط دیوانی ودولتی نیزدرهمین دوره ایجاد وشایع گردید

-٤-

توجه به خطاطی و خوشنویسی وکتاب سازی موجب گردید تاهنرنقاشی، ریزه کاری یاهنر میناتوری انکشاف زیادی کند وبویژه درحواشی کتابهای نفیس و تجلید کتب مورد استفاده قرار گیرد. فن میناتوری و نقاشی و مصوری دراین عهدتکامل نموده و ازمرحلهٔ تقلید و اقتباس ازفنون خارجی به مرحلهٔ ابتکار و ابداع و پختگی وصلابت خود دست یافت و سبک خصوص هنری مکتب هرات عرض وجود کرد. چیز دیگری که درارتباط با خطاطی و کتاب سازی رونق پذیرفت ساختن کاغذهای نفیس بود که ازابریشم و کتان ساخته شد.

ازجمله خطاطان و خوشنویسان عهد تیموری در هرات اینها معروف بودند. شاهزاده بایسنغر میرزا، مولانا معروف، مولانا شمس الدین الهروی، مولانا جعفر تبریزی، مولانا اظهر، مولانا شهاب الدین، عبدالله، مولاناشیخ محمود، مولانا پیر علی هروی، مولانا عبدالله پسر پیر علی هروی. ازجمله نقاشان نامی که در فن تذهیب و خطاطی دست توانایی داشتند، بطورمختصراینان شهرت زیادی داشتند: مولانا حاجی محمد نقاش، مولانا سلطان علی مشهدی، کمال الدین محمود رفیعی، مولانا سلطان محمد نقاش، شاه مظفر و استاد خط و تذهیب کاری و نقاش معروف و نامدار جهانی استاد کمال الدین بهزاد و استادوی روح الله میرک نقاش.

-٥-

همانطوریکه قبلاً اشاره شد البوم میناتوری هایی بر آثار علی شیر نوایی راد و نفر از دانشمندان جمهوری ازبکستان شوروی تدوین و تألیف کرده اند که در آن مقدمه مبسوطی از چگونگی اوضاع و احوال خراسان زمین و ماوراء النهر و فارس و هندوستان مقارن ظهور امیر علی شیر نوایی درج کرده اند که چون پژوهش عمیق و دقیقی است که ما را به نحوهٔ پژوهشهای دانشمندان اتحاد شوروی آشنا میسازد، برگردان آنرادراینجا یاور یم تابدین گونه

به‌اصل تدوین البوم و چگونگی انجام‌چنین کاری نفیس و ارزنده آشنایی بیشتری‌میسر گردد.
در دیباچه این‌اثر چنین می‌خوانیم :

نظام الدین میرعلی‌شیر نوایی مفکر پیشرو وانسان گرا، شاعری والا مقام که‌آثارش‌ادبیات زبان ازبکی‌را به شهرت بی‌سابقه رساند، درجهان ادب‌سهم‌ارزنده یی‌بعهده‌گرفت.

کارل‌مارکس‌وانگلس‌تاکید کرده‌اند که‌به‌مرور زمان « ثمرهای‌فعالیت‌های روشنفکری ملل‌گوناگون ،مال مشترك همه می‌شود. انگیزه های ملی یك جا نبه و تنگ نظری‌ها ،بیش از پیش‌محدودگردیده وازمیان ادبیات محلی وملی و ادبیات عمومی شکل می پذیرد. (۱)
ازاینجاست که ملاحظه میکنیم که‌اشعارنوایی همراه باسایر آثار تحقیقی وعلمی وی، که درآنها روح بشریت مترقی جلوه‌گر است، جا یگاهی شایسته درادب‌جهانی احراز کرده است.
علی شیر نوایی ،شاعر و دانشمندوسیاست مدار وشخصیت‌برجستهٔ اجتماعی که‌شاعری‌مردمی وانسان گرای والابه معنای واقعی‌کلمه‌بود، درمیان‌مردم‌خودوسایرخلقهای‌ملل روزگارش مقامی منیع کسب کرد، که‌چون‌احساسات ملی‌وانگیزه های‌ذوقی و ادبی نژادهای گوناگون وخلقهای‌متفاوت رابازگو می نمود، ازپایهٔ کیفی انسانی زیادی برخوردارگشت.

اودرتمام‌مدت زندگانی ادبی وسیاسی و درطی آثارادبی ومنظوم خویش همواره‌بدین عبارت‌تاکیدداشته:«انسانی‌که برای‌رفاه‌وآسایش مردم نمی کوشد.نبایدانسان خوانده‌شود» واین خودبیانگر نمونه یی‌ازخدمت‌بزرگ‌انسانی وی‌پنداشته میشود که نسبت‌به سرزمین پدری‌ومردمش ابرازداشته است .

زندگی علی‌شیر نوایی و کارهای بدیعی وادبی‌وخدمات‌عام المنفعه‌اش‌مصادف‌با نیمه دوم‌قرن‌پانزدهم میلادی‌است، روزگاری که مقارن‌بودبا زمامداری سلالهٔ تیموری‌وعصر زرین‌درخشش‌فرهنگ‌درهرات، ماوراءالنهر ،سمرقندودرمجموع درسرتاسر خراسان‌زمین.

درارتباط بادولتهای مهم فیودالی که درقرن شانزدهم میلادی درارو پاعرض‌وجود کرد، کارل مارکس‌نوشت که«سلطنت‌های مطلقه به‌عنوان تمرکزدهندهٔارزشهای فرهنگی

---

(۱) رك.مارکس. کارل ،انگلس.اف، کلیات، چاپ‌دوم ،جلد۳، چاپ سال۱۹۵۵ .ص۴۲۸ (به‌زبان روسی) .

به حیث عامل اتحاد جامعه عمل کردند.»(۱) عین این موضوع در روزگار تیموری نیز جامهٔ عمل به‌خود پوشیدو در اثر ایجاد دولت‌مطلقه و متمرکز تیموری، رجال معروف فرهنگی و سیاسی چون، الغ بیك، قاضی زاده‌رومی، علی‌قوشچی، ابن‌عربشاه، شرف‌الدین‌علی‌یزدی، میرخواند، خواندمیر، دولتشاه‌سمرقندی، لطفی‌هروی، جامی، علی‌شیر نوایی، بهزاد، محمود مذهب، بنایی، واصفی، سلطان‌علی‌مشهدی، عبدالجمیل (خطاط) سلطان محمدخندان، عرض وجود کردند‌در زمان سلطنت شاهرخ (نیمهٔ‌اول قرن پانزدهم میلادی) هرات به‌عنوان‌مرکز فرهنگی‌خراسان‌زمین‌درآمد.در عهد سلطان‌حسین‌و نوایی(در نیمهٔ‌دوم قرن پانزدهم‌میلادی) این‌ناحیه مرکز فرهنگی مشرق‌زمین گردید(۲) تجارت‌داخلی‌و خارجی، شعب مختلف زراعت، رشته‌های‌گوناگون‌دانش‌و ادب‌و هنر وبویژه هنر معماری، به‌پیمانهٔ زیادی‌پیشرفت کرد.دانشمندان‌برجسته، صنعتگران ماهر، بنایان لایق، خطاطان و هنرمندان مشهوری دراین مرکزگرد آمدند و مشغول بکارشدند.

موقعیت ارزنده‌و درخشندگی هرات‌رابایدقسماً مرهون وجود شخصیتی چون، علی‌شیر نوایی‌دانست.زیرا چنانچه در بابرنامه آمده، به‌مشکل می‌توان‌شخص‌دیگری‌راغیر از علی‌شیر بیك‌یافت که‌این‌قدر حامی‌و پشتیبان و هواخواه‌مردان دانش‌و هنر بوده باشد.از برکت کمك‌و حمایت همین بیك‌بود که استادقل‌محمد، شیخ نایی‌و حسین‌عودی، موسیقی‌نوازان معروف آن‌عصر، توانستند ازپیرو زی سرشاری برخوردار گشته وشهرت بزرگی کمایی کنند. استادبهزاد و شاه‌مظفر نیز درپرتوغمخواری وتوجه همین بیك به‌اوج شهرت دست یافتند. عده‌قلیلی بودند که به پیمانهٔ امیر علی شیر نوایی ازخود آثارو بقاع خیر بیادگارگذارده‌اند.»(۳)

زندگانی‌و آثار میر علی‌شیر باحلقه های‌فرهنگی‌در‌شهر هرات‌پیوندناگسستنی‌دارد.به‌مشکل می‌توان‌دانشمندی، شاعری، هنرمندی، موسیقی‌دانی، معماری‌یاخطاطی درآنجا سراغ نمود که

---

(۱) مارکس. کارل، انگلس. اف، کلیات، چاپ‌دوم، جلددهم، چاپ‌سال ۱۹۵۸ م‌ص ۳۳۱ بزبان روسی
(۲) رك . برتلس ی .ای ، آثار منتخب، نوایی‌و جامی، چاپ‌سال ۱۹۶۵م، ص ۲۰
۳) رك، بابرنامه، چاپ‌تاشکند، (۱۹۵۸م)، ص ۱۹۹-۱۹۸ .اصل‌متن‌عبارت‌بابرنامه‌چنین‌است *

کارش به نحوی از انجا با نوائی پیوندی نیافته باشد. این امر مورد تائید ام لکیتسکتی، نخستین پژوهشگر روسی قرار گرفته که پژوهش ژرفی بر آثار نوایی انجام داده است.(۱)

در آن روزگار چنین رسم بود که آثار علمی و بدیعی و کتابهای ادبی را خطاطان در آسیای مرکزی و آسیای وسطی، بازنویسی و کتابت و صحافی و وقایه می کردند. در بخش عربی هسپانیه طریقهٔ دیگر کتابت کتابها وجود داشت، بدین معنی که در اینجا، تا مدتی متنی را بر روی درختی حکاکی می کردند. معهذا این کار گسترش نیافت و بزودی کنار گذاشته شد.

نسخه های خطی قرون وسطی، نه تنها گنجینه های پربهای ثروت معنوی ساخته دست انسان را تشکیل میدهد، که طی هزاران سال بوجود آمده است، بلکه این امر وسیله کلی آموزش مردم را می رساند. به همین علت بر این کار اهمیت زایدالوصفی قایل بودند.

زیباترین و نفیس ترین نسخ خطی در هرات بدست هنرمندانی بوجود آمده است که از حمایت و پشتیبانی علی شیر نوایی برخوردار بودند، و در همین عهد بود که خط زیبایی به میان آمد که بنام خط نستعلیق شهرت یافت که به عنوان خط معمول در کتابت نسخ بعدی بکار گرفته شد.

افزون بر خطاطان، چندتن دیگر از متخصصان در ساختن نسخهٔ خطی همکاری می کردند که عبارت بودند از: کاغذبران (قاطعان) مذهبان، نقاشان، صحافان، و نساخان. جنسیت و اصالت یک نسخه از روی کاغذ، رنگ (جوهر) و در مجموع از روی لیاقت خطاط آن مورد

---

*«...و با هل فضل و اهل هنر مثل علی شیر بیک مربی و مقوی معلوم نیست که هرگز پیدا شده باشد استاد قل محمد و شیخم نائی و حسین عودی که در ساز سر آمد بودند به تربیت و تقویت علی شیر بیک این مقدار ترقی و شهرت کردند. استاد بهزاد و شاه مظفر در تصویر بسعی و اهتمام علی شیر بیک این مقدار معروف و مشهور شدند. این مقدار که او بنای خیر کرد کم کس این مقدار موفق شده باشد. رک توزوک بابری، ترجمهٔ خانخانان چاپ بمبئی ۱۳۰۸ ق، ص ۱۰۹

(۱) رک: نیکیتسکی. ام، امیرنظام الدین علی شیر، سیاستمدار و ادیب، چاپ سنت پطرزبرگ سال ۱۸۵۶ م، ص ۱۰.

داوری و ارزیابی قرار می‌گرفت طبعاً نسخه هایکه توسط چندتن استاد کار ساخته می‌شد و کتابت می‌گردید یا به فرمایش افراد ثروتمند انجام می‌یافت و به قیمت گزافی خریداری می‌شد و یا جز ثروت دولت قرار می‌گرفت و در پهلوی گنجینه های طلا، در خزینه دولت نگهداری می‌گردید.

در زمرهٔ خطاطان معروف هرات عهد علی شیر نوائی می‌توان اینان را نام گرفت: میر علی تبریزی، سلطان علی مشهدی و شاگردانش محمد بن نور، درویش محمد سمرقندی و عبدالجمیل. سلطان علی مشهدی لقب «سلطان الخطاطین» یافت، که مورد ستایش زیاد جامی، نوایی و حسین میرزا قرار گرفت و مقام و یژه یی احراز کرد. آثار کهن ادبی را که او کتابت نموده در موزیم ها و کلکسیونهای نسخ خطی (بشمول کلکسیون های خصوصی) درسرتاسر جهان نگهداری میشود. سلطان علی نه تنها به عنوان کاتب و نسخه بردار نسخ خطی شناخته شده است بلکه او خطاطی های بر روی لوحه های قبور، سر در درب های خانه و منازل، نیز انجام داده است، و به قولی شاعر هم بوده است که در بارهٔ هنر خطاطی ابیاتی نگاشته است.

اگرچه قرآن کریم در اسلام مانع نقاشی چهره های زنده نگر دیده، معهذا، مسلمانان تاقرنها بر هنر نقاشی و تصویرگری موجودات زنده و انسانی قیودی وضع کرده بودند که به احتمال قوی، این یکی از دلایلی بود که بجای هنر تصویری به هنر خطاطی جهت کتابت آیات قرآنی توجه بعمل می‌آمد. عبدالقادر مرادوف نوشته که «هنر تزئینی که در آن عناصر مقدسه یکجاشده بود با نقاشی، خطاطی، و هنر کاشی سازی همراه بود که در مذهب مسیحیت و بودایی ناشناخته بود - در کشورهای آسیای مرکزی وشرقی بویژه انکشاف زیادی داشت» (۱)

عنصر زرین هنر در هرات در روزگار نوائی، جامی، بهزاد با این حقیقت مشروط گشته بود، که قبلاً به تعداد کثیری از خطاطان، نقاشان، مینا تورستانی که آثار زیادی ابداع کرده بودند، در کتابخانه های سلطنتی هرات، سمرقند و شیراز در نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی ونیمهٔ اول قرن پانزدهم میلادی مشغول گشته بودند. این امر راه را برای تکامل فنون کتاب‌نویسی بهزاد و سلطان علی هموار نمود.

---

(۱) رك. مرادوف .ع. ،اورته آسیاخطا طلیک صنعتی تاریخیدن تاشکند، ۱۹۷۱ ص ۲۲.

در اثر نفوذ علی‌شیر نوائی، پیشرفت زیادی در هنر تصویری در نیمهٔ دوم قرن پانزدهم میلادی به میان آمد و زمینه برای ابداع مضامین بکر و تازه و انتقال آن نه تنها در وقایع و حماسه ها و اساطیر و داستانها و متون فراهم آمد، بلکه این امر شامل حوادثی چون آثار زنده و معاصر، وقایع تاریخی و باغها و بوستانها و چگونگی اوضاع روز مره نیز گردید که از این نقطه نظر عصر هنری علی‌شیر نوایی دارای ارزش و اهمیت فراوانی میباشد. گذشته ازآن باصداقت تمام می‌توان اظهار کرد که تمایل به واقع گرایی در ادبیات و هنر میناتوری به اوج عهد طلایی اش درهرات روزگار نوایی دست یافته بود. مردم، طبیعت و حیوانات باظرافت و به‌شیوه زنده‌یی مصور می‌گردید. علی الرغم شرایطی که در تزئین و ریزه کاریهای میناتوری بوجود می آمد، رنگها با مهارت و ذوق و یژه‌یی انتخاب می‌شد تا انگیزه های دقیق و ظریف هنرمندان را در ابداع تصاویر زنده و واقعی بخوبی بازتاب دهد. ی. ای برتلس در تبصره‌یی راجع به‌شکل ظاهر تصاویر مربوط به‌زندگی واقعی درحیات نوایی می‌نویسد «این یگانه چیزی بود که نظام ادبی کهن در دربار هیچگاه آنرا مجاز نمی‌شمرد در اینجا می‌توان نفوذ شهر و تمایل به‌سوی مشخصیت و افادهٔ کامل طرز زندگی مرد شهری را در ادب مشاهده کرد.» (۱) این امر در هنر میناتوری نیز مشاهده شده می‌تواند.

در مجموع، هنرمندان ازطبقه کارگر بدنیاآمده بودند و به همین دلیل این هنرمندان در کار های ابداعی شان، اذهان عمومی و افکار زیباپسندی مردم و نظریات آنان را در این باره مدنظر گرفته، مشغول آثار خود ساخته بودند. (۲) آنان روند کار جسمانی را همراه با اهل حرفه و پیشه و شیوه زندگانی عامه چون کشاورزی و باغداری مصور ساخته‌اند. در هنر تصویری همچون شعر، بازتاب انسان همراه باشیوهٔ زندگانی و آرزو ها و تمایلات شور و توجه و یژه هنرمندان قرار داشت. در هنر ظریف تصویری هرات (نیمهٔ دوم قرن پانزدهم میلادی) و بخارا (قرن پانزدهم میلادی) یک نقطهٔ انتقالی از تصویر نگاری عنعنوی و موضوعات مذهبی بسوی

(۱) برتلس. ي . ای، آثارمنتخب، نوایی و جامی، چاپ سال ۱۹۶۰م، ص ۵۵.

(۲) رك. پوگا چینگو ا. ك. ا، ایمپل. ا ل. ای، تاریخ صنایع ازبکستان، چاپ سال ۱۹۶۰م ص ۳۱۷.

موضوعات روزمرهٔ زندگی بطور عینی و واقعی آن به‌مشاهده می‌رسد، که این امر با پیشرفت کلی جامعه مشروط ساخته شده‌بود. طوریکه قبلاً اشاره‌شد، کمال الدین بهزاد یکی از ظریف ترین نقاشان و مینیاتورکاران آثار نقاشی و مینیاتوری عهدنوایی‌شمرده میشود. او در یك خانوادهٔ پیشه ور درهرات بدنیاآمد. دراوایل جوانی از نعمت داشتن پدر محروم گشت‌و درخانوادهٔ یك‌هنرمندمقتدر و مینیاتورکار مشهور و خطاط معروف یعنی میرك نقاش آموزش دیدو بسن رشد رسید. بهزاد جوان هنوز در عنفوان صباوت قرار داشت که توجهٔ علی شیرنوائی رابه‌استعداد خویش‌جلب کرد. نقادمعروف آثار هنری درفرانسه بنام ا.شوکین نوشت: «گرچه بهزاد به عنوان هنرمند به رهنمایی میرك نقاش‌به بزرگی رسید، معهذا، اوتحت رهبری کامل میر علی شیر، سیاستمدار و حامی هنر و ادبیات و شاعر توانا، قرارگرفت و به اوج ارتقای هنری دست یافت، وازبرکت پشتیبانی و رهنمایی نوائی، بهزاد وشاه مظفر به عنوان دو هنرمند به‌شهرتی دست یافتند» (۱) تامدتی بهزاددر کتابخانه علی شیرنوائی مصروف به کارشدو سپس متصدی امورکتابخانهٔ سلطان حسین گردیدکه تحت‌نظر میرك نقاش فعالیت‌می‌کرد.

بهزاد تلاش‌ورزید، تصاویر عینی و مناظر ریالستیك‌را تخلیق‌کندو شخصیت‌افرادرا تصویر نماید؛ تاازفرصتی که فن‌ظریف‌نگاری و نقاشی و مینیاتوری برایش‌فراهم‌ساخته‌بود، بخوبی بهره‌گرفته باشد استعداد بهزاد درباز تاب مناظر زیبای بوستانی و وقایع روزمرهٔ زندگی، بطریق عینی و واقعی وگسترش موضوعاتی ازاین دست‌درخشیدو روح تازه‌یی درکالبدفن هنرمینیاتوری‌یعنی ریزه‌کاری‌و نقاشی دمیدودراین زمینه‌درمیان‌شاگردانش پیروانی پیداکرد. مستشرق‌مشهور رشوروی بنام ا. یو. یا کوبوسکی که‌نخستین بارسوال «چه‌ویژه‌گی درکارابتکاری بهزاد مشاهده‌میشودکه تحت‌نفوذعلی‌شیر نوائی‌قرار داشت»راسطرح کرد، نوشت: «نقاشی های‌بهزاد موردستایش قرارگرفت، زیرا که‌او نه تنهابدین حقیقت‌توجه دادو رنگ های‌روشن وزمینه‌های‌دل انگیز وبی‌سابقه یی‌رادر نقاشیهایش پیاده کرد، بلکه‌اودررسیدن بدین امر بصورت جدی‌و پی گیر تلاش می‌ورزید

(1) Stchoukin. I. lespe intures des manuscripts.
Timurides, Paris. 1984, P. 24.

تا در کنار تصاویر زیبای خویش (چون، تصویر سلطان حسین) ، مناظری از اجتماع رعایا را نیز در دربار بزرگان فیودال (چون، بارعام در باغ تیمور در نسخهٔ خطی ظفر نامه) و صحنهٔ نبرد در پارچه های هنری اش به گنجاند و بدین ترتیب به موضوعهای عامه و سردسی نیز توجه داد و پرداخت .معرفت و دوستی زیاد بهزاد باعلی شیر نوایی نزد همه روشن بود.نوائی از بهزاد پشتیبانی و مراقبت نموده و در کاروی نفوذ کرد و به او یاری رسانید تا در توجیه و پرداز مضامین هنری دقت نموده و در نتیجه به بلندترین جایگاه هنری دست یابد.»(۱)

بنابر رسم و سنتی که در مشرق زمین وجود داشت، بند رت نقاشان ، مصوران، صحافان و حتی گاهی اوقات خطاطان پای کارشان را مهر و امضا می نمودند، که این امر در تشخیص و شناخت این آثار متأسفانه مشکلاتی را بمیان آورده است. در حال حاضر چند پارچه نقاشی محدود وجود دارد که امضای بهزاد در آن دیده می شود. همچنان مواردی وجود دارد که هنرمندان متوسط الحال در پای کار های هنری شان امضا های هنرمندان معروف و مشهور و نام آور را می گذاشتند، تا بدین طریق آن پارچه های هنری را بدانان نسبت داده ، بر اهمیت آنها افزوده باشند .

ای.شو کن و ا. ساکسیان، عقیده دارند که میناتورهای سه نسخه خطی که در مجموعهٔ نسخ خطی خارجی و دو مجموعهٔ در کلکسیون شوروی (بوستان سعدی و دو مینا تور خمسه نظامی و دو پارچه نقاشی لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی لیننگراد) و «مرقع »نسخه خطی گلستان در موزیم پالس در استانبول، بوسیلهٔ بهزاد نقاشی شده است .

قرن شانزدهم میلادی باآغاز اغتشاش سیاسی وظهور شیبانیان و صفویان در منطقه مقارن بود .بعداز وفات سلطان حسین در سال ۱۵۰۶ م =۹۱۱ هق. هرات بدست شیبانیان افتاد و سپس صفویان بر این شهر مسلط شدند .در این عهد بود که تضاد مذهبی شدت پذیرفت که موجب تضعیف پیوند هنری میان ماوراالنهر ، خراسان و ایران گشت.عده یی از دانشمندان، ادبا، خطاطان و هنرمندان بدربار صفوی در تبریز رفتند و عده یی دیگر بدربار شیبانیان در بخارا شتافتند . از نظر نقادان آثار هنری، مکتب هنری تبریز و بخارا در این زمان فعال گشت و باعث ایجاد

(۱): آ. یو. یاکوبوفسکی، خطوط زندگی اجتماعی و فرهنگی زمان علیشیر نوایی، درمجوعهٔ مقالات به زبان روسی ، زیر عنوان علی شیر نوایی ، مسکو ـ لیننگراد، ۱۹۴۶ م ص ۲۹-۳۰

پارچه های بسیار ظریف و زیبای هنر میناتوری و ریزه کاری گردید.

چنانکه میدانیم علی‌شیر نوائی، شخصاً بنیان گذار آثار ادبی بزبان ازبکی و مؤسس ادبیات ازبکی بود، از همینجاست که تعداد کثیر نسخه های خطی منقش ادبیات ازبکی با کارهای شاعر بزرگ، علی‌شیر نوائی پیوند ناگسستنی دارد. نخستین مجموعه یا کلکسیون کارهای او که ما بدان عنوان ایلک دیوان (نخستین دیوان) دادیم که به خط سلطان علی مشهدی در سال ۸۷۰ هـ ۱۴۶۵ م کتابت شده در عین زمان نخستین نسخه خطی شناخته شده است که توسط خطاطی کتابت شده است. این نسخهٔ بی نظیر درلیننگراد، در کتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف شیدرین نگهداری می‌شود، که در کتلاگ دورن تحت شمارهٔ ۵۶۴ (۳۳×۲۳سانتی‌متر، ۱۴۳ برگ) ثبت گردیده است. در آغاز نسخه این عبارت آمده است: «حوره العبد سلطان علی المشهدی فی شهو رسنه سبعین وثمانمائیه فی ایام الشیب»(۱). در صفحهٔ نخستین نسخه، غزلی دارد که بدین بیت آغاز یافته است

الاها، پادشاها، کردگارا   سنگا اجوغ نهان و آشکارا

که بانفاست طرح شده و باالوان روشن نقاشی گردیده است. برگ های ۲ب و ۳آ نیز طرحهای قشنگی دارد. متن آن که در دوستون به خط زیبای نستعلیق کتابت شده، حواشی مذهب دارد. حاشیه هرصفحه به یکی از الوان ذیل نقاشی شده: رنگ آبی آسمانی، رنگ سبز پسته یی، رنگ سبز آبی، کریمی، شنگرف و یازرد. زمینهٔ چمنی، این نقاشی هارا فراگرفته است. این دیوان از نسخه های خطی ویژهٔ سبک هرات است.

قدیم ترین نسخه آثار علی‌شیر نوائی که با میناتورهای مصوّر شده است، دیوان نوادرالنهایه است این نسخه را سلطان علی مشهدی برای خزانهٔ سلطان حسین کتابت کرده است این کتاب در انستیتوت شرق شناسی بنام ابوریحان بیرونی اکادمی علوم ازبکستان (به شمارهٔ: ۱۹۹۵، ۲۵×۱۷ سانتی متر

---

(۱) عبارت « فی ایام الشیب» که معنی ایام پیری رامی رساند، تاریخ کتابت نسخه را وارتباط کتابت این نسخه را به سلطان علی مشهدی ضعیف میسازد چراکه در این وقت خطاط موصوف فقط (۳۶) سال قمری عمر داشته است.

۳۰۲ برگ، مورخ ۸۸۵-۸۸۰ هـ=۱۴۸۰-۱۴۷۵ م) ثبت‌شده است ودرانجانگهداری میشود.

در اخیر نسخه چنین آمده‌است :«کتبه العبدالمذنب سلطان علی المشهدی غفرالله بدار السلطنه هراة براسم خزانه میرزا سلطان حسین» .این نسخهٔ خطی باکاغذ خوقندی در قرن نوزدهم میلادی احیاگردید وبعداً باپوش نسبتاً ضخیمی جلدشد . تاریخ ۹۲۴=۱۵۱۸ م در نخستین صفحه بدون اسم کاتب درج گردید .

الوان نسخه مذکور درمقایسه باسایر نسخی که در هرات در همین عهد کتابت‌شده ،ساده معلماید.درصفحهٔ ۱۸۵ ب که غزلهاختم میشود ومستزادها آغاز می‌یابد، عنوانی منقش بازمینه یی مذهب وجوددارد.

چندبرگ باطرح چمنی مذهب درآن به‌مشاهده می‌رسد. شش‌پارچه میناتوری‌میان غزلهای در برگهای ۲۹ب-۷۳آ ۹۷آ و ۱۱۳آ و ۱۵۷آ و۱۷۱آ وجود دارد.علاوه‌به‌میناتورهای برگ ۱۰۴آ، دیگر میناتورها همه، باموضوع «شاعر و معشوق» پیوندمی‌یابد.طرح میناتور نوآوریی رامی‌رساند که درآن پهٔ سرتفع چمنی‌سرسبزی نقاشی شده، که فقط یك یادودرخت درآن گنجانده شده‌است .رنگ های پسته‌یی ،زرد، بنفش‌و یاس تیره باپس منظرآسمان‌طلایی درآن کارشده‌است. درپیش‌منظر،قالینی نقاشی‌شده که شخصیت‌های برجسته درحالیکه باغلامان‌شان درمیان‌گرفته شده اند، روی‌آن قرارگرفته اند. میناتوربرگ ۱۵۷ بیانگر موضوع سنتی« معراج پیامبر » میباشد. یعنی«معراج و براق» رامینمایاند

تمام میناتورهاساده است‌و کدام برجستگی درآن دیده‌نمیشود.منظره طبیعی‌بسیارمحدود و تنگ، رنگ‌آمیزی ساده ،و شخصیت‌هابالباس‌ساده ظاهرشده اندچنین‌طرح های محدودو تنگ (یك‌دیوان) که برای خزانه شاه‌درطی سالهای هشتاد قرن‌نهم‌هجری‌قمری‌درهرات کتابت‌شده (ایامیکه میرك‌نقاش‌متصدی کتابخانهٔ سلطان‌حسین‌بوده) ظاهراً عجب‌مینماید..

میناتورهای نسخه وضع عجیبی‌دارند .چهره‌های شخصیت های اصلی صرف‌در برگهای ۲۹ب و ۹۷آ نمایانده میشوند. جوانی‌سبیلی باگونه‌یی مدور و چشمانی با دامی تصویر شده‌است .

کهن‌ترین نسخه مصور «خمسه» علی شیرنوائی در کتابخانهٔ بودلیان، پوهنتون

اکسفورد در انگلستان (رك، الیوت ۲۸۷و ۳۰۸و ۳۱۷و ۳۳۹) محفوظ است که بخشی از آن در کتابخانه پو هنتون جان ریلند سانچستر (مجموعه نسخ خطی ترك ۳) نگهداری میشود. «خمسه» بودلیان سانچستر درسال ۸۹۰هـ=۱۴۸۵م کتابت شده است. تاریخ گردآوری این نسخه چنین است که یك دیپلمات انگلیسی بنام اف.گ. اوزیلی که درخدمت فتحعلیشاه درسال ۱۸۱۰و۱۸۱۲م بود، به تعداد زیادی از نسخ خطی را گردآورد که ۳۰ نسخه آن بعد از درگذشتش درسال ۱۸۱۴م به کتابخانه «بودلیان» فروخته شد. بعداً ژب. الیوت ازینه به تعداد ۲۲۳ نسخه (بشمول چهار بخش منظوم خمسه) برای همان کتابخانه خریداری کرد که بخش زیاد این نسخ از اوزیلی ابتیاع شده بود. نسخهٔ خطی لیلی و مجنون را (جان ریلند) برای کتابخانهٔ پوهنتون مانچستر خریداری کرده بود.

«حیرت الابرار» دارای چهار سیناتور است که یکی آن به «فرهاد و شیرین» و دو تای آن به «لیلی و مجنون» و دو تای دیگر به «سبعه سیاره» و چهار تای آن به «سد اسکندری» تعلق دارد. در نظر منتقد هنری انگلیسی بنام ب. دبلیو. روبنسون برگ نخستین هر چهار منظوم که با میناتورها یي مصور شده بود، و بعداً پاره شده یا افتادگی یافت، توسط کاغذ های جدید تعویض گردیده است. (۱)

میناتورهای خمسه با کیفیت عالی هنری نقاشی شده است که ارزیابی های که از سوی دانشمندان برجسته اروپایی چون، ار مینیاك، ساکیسیان، ل بنیون. و.ژ. ویلکنسون. و. بازیل. گری، ا.شوکین و، بازیل. ر وبنسون درباره لست تصاویر میناتوری خمسه به معنای واقعی کلمه بعمل آمده، آنان را بدین باور راسخ ساخته که این میناتور ها باید کار بهزاد، میرك نقاش، و قاسم علی باشد. معهذا، سیزده میناتور این نسخه، صرف نظر از اختلافات جزئی که دارند، در رنگ، ترکیب، و یژه گی عناصر و تصاویر مندرج و تحرك

---

(۱): رساله درباره (نسخه خطی) لیلی و مجنون ریلاند و نسخهٔ خطی اثر امیر علیشیر نوایی مورخ ۱۴۸۵ م متعلق به کتابخانهٔ بودلیان (نسخه خطی سلطنتی تیموری) ص۲۶۳.

صفحه ها و باز تاب بوستان ها و بنا ها با هم مشابه میباشند .

در میان نسخ خطی مصور آثار علی‌شیر نوائی، جای ویژه‌یی برای خمسه در کلکسیون نسخ خطی محفوظ در کتابخانه عامهٔ دولتی بنام سالتیکوف شیدرین لیننگراد (دورن، شماره، ۵٦۰) داده شده است، و دو مجموعهٔ (دیوان) در انستیتوت شرق‌شناسی بیرونی، اکادمی علوم ازبکستان به شماره ۷۹۰ و شماره ۳۹۸۴ نگهداری میشود. این آثار توسط سلطان علی مشهدی کتابت شده، اگرچه این آثار تصاویر مینا توری ندارند، اما رنگ، کاغذ، نحوه کتابت، لوحه، شمسه، تزئینات حواشی صفحه ها در دیوان، و ظرافت کار یهای بی نظیر صفحه های نخستین و دیگر صفحه های منقش بیانگر این واقعیت است که این نسخه یکی از شاهکارهای هنری دوران زندگی علی‌شیر نوائی میباشد . خمسه در سال ۸۹۸ هـ-۱۴۹۲-۱۴۹۳م برای کتابخانهٔ سلطان حسین (۱۷/۳×۲ سانتی‌متر در ۳۲ برگ) کتابت شده بود. انجام صفحهٔ آخر با این الفاظ پایان یافته است، «کتبه العبد سلطان علی فی شهور سنه ثمان و تسعین و ثمانمائه» در صفحه ۱ ب عبارت دیگری افزوده شده که نسخه (سلطان الخطاطین) سلطان علی کتابت نموده، و مولانا یاری آنرا تذهیب و سلطان علی مروی آنرا تجلید کرده است.

هر پارچه شعر خمسه با لوحه (۱) و شمسه (۲) مزین گشته که با طرحهای مشجر و هندسی تزئین و تذهیب شده است. دو پارچه نخستین ظاهراً لوحهٔ نیمه دارد، اما عنوان کتاب در زمینه سفید و در میان تزئینات نگاشته شده است .دو پارچه دومین به عنوان پارچه های تزئینی برای آغاز داستانها ترتیب یافته است .نسخه با لوحهٔ بسیار زیبا و شکوهمندی همراه با رسمهای منظم هندسی، آغاز می‌یابد، که در آن نام شاعر و عنوان کتاب درج شده، و شامل ۲۲ برگ تزئینی است. با حفظ سبک معمول هم آهنگی، ترکیب و رنگ آمیزی مناسب با طرح، هنرمند و طراح چنان آثار هنری را آفریده‌اند، که در زیبایی غیر قابل تقلید پنداشته میشود. در هر صفحهٔ بعدی، سلطان علی خطاط ابیاتی را کتابت کرده است، که در میان این ابیات هنرمندی

---

(۱) لوحه یا سرلوحه، سر صفحهٔ اول کتاب که دارای تذهیب و ترصیع است و گل و برگ ریز و نرم بر آن نقش یافته است .

(۲) شمسه در اصطلاح کتاب‌شناسی تزئین ترنج های گرد و مرصعی که از طلا و لاجورد در پشت صفحهٔ اول کتابهای پر کار منقوش میشود و در قرآنها بیشتر دیده میشود. رك، فن کتاب‌سازی ، بکوشش مایل هروی چاپ بنیاد فرهنگ، تهران سال ۱۳۵۳ ش، ص ۱۳٦ .

تزئیناتی را گنجانده‌است. چنین عناصر تزئینی، در متن و انجام هر شعر به‌مشاهده می‌رسد.
بنابر رسم معمول، جلد نسخ کهن بندرت دست نخورده باقیمانده است. معهذا، چرم سیاه جلد خمسه باطرح بسیار زیبا و ظریفش که بدست سلطان علی روی صحافت شده، بطور مناسب در وضعیت خوبی سالم مانده‌است، وچنین تلقی میشود که این نمونه ازبهرین نمونه های ظریف وزیبای هنر تجلید وصحافی درقرن پانزدهم میلادی بوده‌است. در میان تمام نسخ خطی مصور ومنقش معروف، هیچ نسخه یی وجود ندارد که بتواند بانسخه خطی «خمسه»ی لنینگراد مقایسه شود.

دو مجموعهٔ دیگر از «خمسه» وجود دارد که سلطان علی مشهدی آنهارا کتابت کرده است؛ یکی از آنها یك سال قبل از نسخه خمسه لیننگراد کتابت شده‌است. این نسخه در ملکیت کتابخانه سلطنتی درویند سور (نسخهٔ شمارهٔ ٦٥) قیدمی باشد. متاسفانه ازاین نسخه درکدام کتلاگی یااثری که به نقاشی میناتوری اختصاص داشته باشد، تذکری نرفته است. درسال ١٩٦٨م موقع یافتم (منظور از سفر مرحوم حمیدسلیمان به انگلستان و فرانسه‌است.) از ویند سور باز دید نموده وخود را بانسخ خطی کتابخانهٔ ملکه الیزابت دوم آشناسازم که درمیان آن، خمسه‌و دیوان علیشیر نوائی را یافتم .

نسخه (خمسه) ویندسور (در ٣٠٨ برگ) درسال ٨٩٧هـ-١٤٩١-١٤٩٢م به خط نستعلیق ریز کتابت شده‌است. متن درچهار ستون ترتیب شده‌و بارنگ آبی، حصه یی بارنگ، روشن تذهیب شده‌است. جلدابریشمین آن رنگ حنابی دارد. تمام صفحات آن افشان دارد افشان کمتر درمتن و افشان بیشتر درهاشیه پیاده شده‌است، وصورت چرم سیاه کهن جلد همراه با نقاشی حکاکی مذهب آن بخوبی محفوظ باقی مانده‌است .

«حیرت الابرار» که باصفحات نازك نقاشی آغاز یافته، باچهار دیوان دیگر همراه باعناوینی (در برگ ٥٥ب، ٣٢ب و ١٦٧ب و ٢٢٣ب) شروع میشود. متاسفانه دراکثر موارد، نقاشی های شکوهمند هنرمندان هراتی که درعهد نوائی حیات بسرمی بردند، زدوده گی و پریده گی پیدا کرده است، که این پریده گی هاشامل تصاویر نیم تنهٔ افراد و شخصیت های مندرج در نقاشی ها هم شده است. این نقاشی ها، بانقاشی هایی سبك هندی، چون، «قیامت» به مفهوم عیسوی آن (برگ ٦ب) و بزم وضیافت (برگ ٦٧آ) و جنگ میدانی (برگ ١٣آ) و «محمد خوارزمشاه

وفخر رازی درحمام » (برگ ۳۶ب) تعویض شده است. آخرین نقاشی میناتوری میباشد اصیل که نقاشی‌را در وجود خود حفظ کرده‌است. درانجام نسخه این‌عبارت درج‌است:

«خدم بکتابتها العبدالفقیر الحقیر سلطان علی المشهدی غفر ذنوبه وستر عیوبه‌وقدور دلهرها فی تاریخ ها»، همچنان ابیاتی دروصف سلطان و تاریخ نسخه درآن کتابت یافته. در برگ (۱آ) که سفید است، تاریخ ۱۰۳۷ هـ= ۱۶۲۷-۱۶۲۸م‌و عبارتی درباره‌ٔقیمت‌آن درج است .قیمت آن زمانیکه درملکیت خزانه‌شاه جان خان در هندوستان‌بوده، مبلغ یک‌هزار روپیه بوده‌است ،

نسخهٔ‌بی‌نظیر دیگر «خمسه»علی شیر نوائی(۲۷۵ برگ) که توسط سلطان‌علی‌مشهدی کتابت شده و بانقاشی هاو میناتوریها یی مزین ومصور گشته دربخش کوشک روان کتابخانه توپقاپوسرای‌استانبول درترکیه‌به شمارهٔ(۸۱۰ر) قراردارد که‌درسال ۹۰۰هـ-۱۴۹۴-۱۴۹۵ استنساخ‌شده ودارای شش‌میناتوراست که‌یکی آن‌درآغاز و دیگری‌درانجام«فرهادو شیرین» ،و دو تای آن‌درنخستین بخش«لیلی‌ومجنون» «وسبعه سیاره »قراردارد.درآغازهرصفحه و پارچه شعر، لوحهٔ‌رنگین گنجانیده شده‌است .

همچنان مجموعه‌یی از«خمسه» که‌درشاهرخیه(۱)درسال۹۲۸هـ-۱۵۲۱-۱۵۲۲م کتابت

---

(۱) شاهرخیه : به قول اسفزاری شاهرخیه همان حصار « تاشکند » بوده از حصانت و متانت زیادی برخوردار بوده‌است.قلعهٔ‌شاهرخیه‌به‌قول‌مؤرخ مذکورحصاریست که آب سیحون(که‌درآن‌محل‌آب«خجند»میگویند)بر سه‌طرف‌آن قطعه‌محتیط‌است‌و از یك طرف‌آن که‌آب نیست کمرها‌و آبکندهای‌بزرگیست.»رك روضات‌الجنات‌فی اوصاف مدینه هرات ،،اسفزاری،چاپ‌تهران، ۱۳۳۹ش،ج‌دوم، ص ۲۰۱.

به‌روایت‌دیگر «...و ازاعاظم مضافاتش(شاش) قلعه‌شاهرخیهٔ‌است که‌به میرزاشاهرخ بن امیرتیمور گورگان‌منسوب‌است‌و درقدیم‌آنرافناکت‌خواندندی ،و آن‌قلعه‌ایست‌درغایت‌احکام‌و استحکام بر کنار نهرسیحون‌و آن‌نهر را بواسطقرب‌جوار،شاهرخیه‌نیز گویند .»

رك،بحرالاسرار محمودبن امیرولی

شده موجود است که شامل «حیرت الابرار» و «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سبعه سیاره» می گردد. این مجموعه در اختیار کتابخانهٔ عامهٔ دولتی سالتیکوف شیدرین در لیننگراد (دورن ۵۵۹) میباشد، که شامل ۲۳ پارچه میناتوری است. (۱)

کتابخانه ویندسور دارای یك نسخه با یك مجموعهٔ بزرگ از «دیوان» علیشیر نوایی به اندازهٔ ۳۰×۲۲ سانتی متر در ۱۹۸ برگ میباشد که توسط سلطان علی مشهدی به خط درشت نستعلیق کتابت شده است. متن آن در دو ستون تنظیم شده و بدون ذکر تاریخ است. انجام آن چنین عبارتی دارد: «کتبه سلطان علی المشهدی بدار السلطنه هرات حماها الله عن الآفات». این دیوان از همه خصایص سبك شعری ابداعی نوایی برخوردار است. صفحات دیوان که نخستین غزل «خزاین المعانی» را در خود گنجانده، به طرز شکوهمندی مصور و نقاشی شده که دارای لوحه رنگین میباشد. این نسخه دراصل دارای هفت میناتور بوده که در هرات نقاشی شده بود. اما از مجموعه ویندسور (نسخه ۶۵) چنین بر میآید که این میناتورها، با نقاشی های سبك هندی تعویض گردیده باشد. این نسخه در ابتدا در کتابخانه امارت بخارا نگهداری میشد. زیرا که در سال ۱۸۷۲م امیر بخارا از طریق گورنر جنرال هند این نسخه را برای ملکه ویکتوریا بخشید (مکتوبی هم از گورنر در این کتاب ضمیمه است) ظاهراً بنابر همین دلیل شماره یی برای این نسخه در نظر گرفته نشده و صرفاً نسخه بنام (نسخهٔ بخارا) مسمی گشته است.

در میان مجموعه های «کلیات» علیشیر نوایی، نسخه یی که در ملکیت کتابخانهٔ ملی پاریس (Biblio thegue National) در پاریس (به شماره: ۳۱۶ و ۳۱۷، Suppl. Turc میباشد، بخاطر کامل بودن و وضعیت خوب و نقاشی های ثابت آن، قابل ملاحظه و مورد توجه است، و از بهترین و ظریفترین و نفیس ترین نسخی است که در هرات نقاشی و تزئین و

---

(۱) برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به

pugachenkova G.A. Golerkina O.I. the miniatures of central Asia. M. 1979 ‘p. 26—27;

تجلید شده است. این نسخه در کتابخانه سلطنتی بابریان تیموریان هند نگهداری شده بود.(۱) که ارمان آنرا در طی مسافرتش به هندوستان ابتیاع کرد. بعداز گذشتش در سال ۱۷۵۷م این کتاب در ملکیت کتابخانه ملی پاریس قرار گرفت. این مجموعه با وسیله م. بلن (۲) و ای. بلوشه (۳) معرفی شده است. چند پارچه مینیاتور از این نسخه در البوم های نقادی هنری ارو پائیان عکاسی و منتشر شده است.

فرقی که مجموعه پاریس از سایر نسخ خطی دارد اینست که این مجموعه در دو جلد تدوین یافته، نخستین بخش جلد اول دارای ۲۹۶ برگ بوده و به خط درشت ثلث چنین روی آن نوشته شده: «الجلد الاول من کلیات نوائی»، و در جلد دوم که دارای ۳۰۶ برگ است، عبارت «الجلد الثانی کلیات نوایی» تحریر یافته است. بر خلاف نسخ دیگر، در ۲۱ برگ نسخه یادشده، خطاطیکه به زبان، ازبکی، فارسی، عربی آغاز نسخه را کتابت کرده است. با یادآوری بر برگهای ۲۹۸ب جلد اول) و ۳۰۶ب (جلد دوم) میتوان پی برد که این نسخه را الهجرانی، شاگرد سلطانعلی درهرات درسال ۹۳۰-۹۳۳هـ(۱۵۲۳-۱۵۲۷م) کتابت کرده است. متن به خط نستعلیق کلاسیک زیبا و نازکی کتابت یافته که دارای چهار جلد بوده و هر جلد با پوش چرمی به رنگ کر یمی حریری تجلید شده بود. افزون برخطاط، مصور، طراح، ومذهب کار و صحاف برجسته یی در ساختن نسخه (کلیات) پاریس دست اندر کار بوده است. نسخه (کلیات) که توسط ماهرترین هنرمندان و کتابسازان انجمن نوایی در هرات به وجود آمده، نوعی از سپاس و تقدیر نسبت به حامی این هنرمندان یعنی علیشیر نوائی به حساب می آید.

بعدآ تعداد زیادی از نسخه های مصور آثار علی شیر در قرن شانزدهم میلادی در شیراز تبریز و بخارا عرض وجود کرد، که درانجمله، آثار مورد علاقهٔ خاص و

---

(۱) با فرصت این را در یافتیم که هنگام باز دید علمی از فرانسه در سال ۱۹۶۸م از این نسخه یاد قت تمام دیدن نمائیم. (نویسندگان دیباچه)

2- Belin Notice bio graphique et Itteraıie sar Mir Alichir Nev ai-suivid, extraits tries des oeuvres ud memeauteure Gournal As aiatic T. XVII. 1861, p. 175--256, 281 -367

3- Blochet E. Catalogue de manuscrpts. Turcs. I.I; Paris, MDCCC XXXII, 1932.

استثنایی عبارتست از سه مجموعه ؛ یکی ، « دیوان » نوابی موجود در کتابخانهٔ عامه دولتی (بنام سالتیکوف شیدرین در لنینگراد) مجموعه شماره (سلسله جدید ترکی ۵۶) و دیگری در کتابخانه ملی در پاریس به شماره ۹۹۱ Suppl. Turc وسومی درانستیتوت شرق شناسی ، اکادمی علوم ازبکستان ، شماره ۷۴۶۳) .

در اکثر موارد موضوع تصاویر این نسخ غالباً معمولی و متعارف میباشد ، چون صحنه هایی از گفتگو های دوستانه ، یا مجالس بزم و ضیافت در کنار مناظر طبیعی یا در زیر سقف در یک باغ تا جاییکه به ترکیب تصاویر مربوط می شود ، نقاشیها غالباً بی پیرایه بوده اکثراً در طرز و ادا و رفتار باهم شباهت دارد و به رنگهای افشان مزین است که در آن افراد کمی جای داده شده است .

این افراد در اطراف شخص اصلی گرد آمده اند که بالفطره حالت رکود داشته و از ، تشخیص و فردیت بی بهره نشان داده شده اند . مینا تور های مصور که و تف آثاری چون « ظفر نامه » و « جامع التواریخ » و آثار نظامی و امیر خسرو دهلوی وجامی گشته اند ، به طرز جالب توجهی ارائه شده اند . توجه اصلی هنرمند به اصل منش و شخصیت تصویر معطوف نشده ، (چون میناتور های مصور در هرات) ، بلکه پیرامون باغستانها و محیط اطراف و دیگر مضامین ، عطف توجه بعمل آمده است .

در قرن شانزدهم میلادی ، بخارا مرکز هنر مصوری در ماوراءالنهر گردید که در آن اشکال متعارف فرهنگ بدوی وخانه بدوشی با محتوای جدید وظریف انسانی درآمیخت که مخصوص مکتب بهزاد بود ؛ تحت نفوذ و تاثیر آثار هنرمندان برجسته استادان هرات قرارداشت . بدین طریق ، نقاشی میناتوری در بخارا با عناصر ویژه سمرقند و مکاتب بخارا در عهد تیموریان و مکتب بهزاد در عهد حیات نوائی و نیز با کلتور بدوی و خانه بدوشی در هم آمیخته بود در موارد زیاد ، ترکیب و زمینه ساختمانی میناتور به سبک و روش هرات صورت می گرفت ولی محیط و افادهٔ مردم ولباس از روی سبک محلی و بر اساس شیوهٔ زندگی منطقوی پرداخته می گشت و مناظر وصحنه هایی از زندگی روزمره و تصویر ویژه عامه نیز در آن گنجانده شد و توجه زیاد به موضوعات حماسی داده شد ، بدون اینکه بار وش سنتی مصوری که در

هرات انکشاف یافته بود، لطمه یی وارد آید. سیناتورهاییکه بر «خمسه» نوایی مصور شده و درشاهرخیه نزدیک (تاشکند) کاپی و نقل گردیده، همچنان شایستهٔ تذکر و یاد آوری میباشد.

درزمان زعامهٔ عبیدالله خان وشیبانیان (اوایل قرن شانزدهم میلادی) کاربرد هنر تصویری ابداعی درنسخ خطی دربخارا رونق پذیرفت. معهذا، بنابر ضدیت های ولایات، نسخ خطی زیر نظر مشخص شاه کتابت میشد، خطاطان معروف، چون، سلطان میرک منشی، و مولانا میرعلی ازعنعنهٔ خطاطی سلطان علی مشهدی درطرح نسخی چون، نسخهٔ نظامی، سعدی، جامی و نوایی پیشی گرفتند. دراین سیناتورها، بویژه آنهایکه بتوسط محمود مذهب نقاشی شده، می توان به وضاحت ردپای نقاشی هنر مصوری هرات را مشاهده کرد. زندگی شکوهمند دربار، بوستانها و چمن زارهای بسیار دل انگیز وجذاب برعلاوه حیات روزمرهٔ کارگران ومردم معمولی دراین نقاشی ها بازتاب یافته است. این مناظر را درسیناتورهای محمود مذهب از سلطان سنجر و «کمپیر» و «مخزن الاسرار» نظامی (درکتابخانه ملی پاریس ۱۰۴۰ به شمارهٔ جدید ۹۸۶) و در سیناتورهای از نقاشی گمنام درگلستان سعدی (۱۰۴۷، جینوا مجموعهٔ م. بودسیر، جلدششم، ۵) می توان یافت ..

دراکثر موارد، هنرمندان برجستهٔ بخارا این کار دقیق و مشابه را به مفهوم ادبی آن چون (تحفة الاحرار) جامی، او اسط قرن شانزدهم میلادی، کتابخانهٔ عامهٔ دولتی لینن گراد، دورن ۳۲۵ تشریح و توجیه کرده اند. این روش درسیناتورهای نسخه شعر نوائی یعنی «لسان الطیر» که درسال ۹۶۰ هـ=۱۵۵۳ م دربخارا کتابت و استنساخ شده و درملکیت کتابخانه ملی درپاریس ۹۹۶، Suppl. Turc. میباشد، نیز به مشاهده می رسد. بدون اینکه به اجزاو عناصر سمبولیک اثر بپردازیم. بدین نکته اشاره می کنیم که هنرمند به شیخ صنعان که درنتیجه عشق به فنای مطلق افتاد و آواره گشت، عطف توجه کرده است. (۱)

درمیان نسخه های مصور دربخارا، نسخه اشعار علی شیر نوایی «سبعه سیاره» و «سد سکندری» که درملکیت کتابخانهٔ بودلیان پوهنتون اکسفورد (الیوت ۳۱۸، ۳۴۰) میباشد بسیار مهم پنداشته میشود. این دو اثر از مثنوهای چهارم و پنجم «خمسه» ترکیب یافته و در

(۱) پوگاچنکوا.گ. ا، و.گالرکیتا.او. ای، سیناتورهای آسیای میانه، ص. ۳.

پنج کتاب جداگانه تنظیم شده. اما سه جلد دیگر تاکنون دستیاب نشده است. هر دو کتاب نمونه های بسیار ظریف نسخ مصور در بخارا شمرده می‌شود. متن به خط نستعلیق ریز و ظریف در چهار ستون کتابت شده که حواشی آن افشان طلادار که زمینه آن را نقاشی چمنی و هندسی فرا گرفته است. کتابهایکه در سال ۹۶۰ هـ=۱۵۵۳ م کتابت شده، حالت خوبی دارد و همان صحافت کهن همراه با چرم براق خود را حفظ کرده است. انجام آن به چنین عبارتی اتمام پذیرفته است «... کتبه العبد المذنب الراجی تالی و رحمة الله الملك الغنی العظیم محمد علی الکاتب السلطانی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ستین و تسعمائة فی بلده بخارا حمیت الافات و البلیات تحریر یافت.»

نخستین صفحه های نسخه با عنوانهای زیبا و رنگین نقاشی شده و در داخل آنها عناوین کتاب «سبعه سیاره» و «سد سکندری» کتابت یافته است. ده میناتور در آن نقاشی شده، که مضامین آن به جلد اول و پنجم، موضوع آن به جلد دوم کلیات نوایی تعلق دارد. در اکثر موارد، نقاشی های میناتور تمام صفحه را در بر گرفته و پوشانده است. شکوه و خلوص رنگها، نفاست نقاشی و جذابیت تصاویر بسیار دلکش می‌نماید. قیافه های زنان بسیار زیبا و دل انگیز تصویر شده‌اند. پارچه های مصور به حوادث و واقعاتی که در متن ابیات بدانها اشاره شده، بسیار بدرستی مطابقت داده شده است.

طرح کتابها و نقاشی میناتورها که در قرن شانزدهم میلادی به اوج پختگی و رونق خود دست یافت، در قرن هفدهم میلادی رو به اضمحلال نهاد. در میان نسخی که در این عهد مصور شده هیچکدام به آثار نوایی تعلق ندارد. این نسخ شامل آثاری از این قبیل میشود. شاهنامه فردوسی تاریخ کتابت ۱۶۰۳-۱۶۰۲ م و «سبحة الابرار» جامی، تاریخ کتابت، آغاز قرن هفدهم میلادی یوسف و زلیخا، تاریخ کتابت ۱۶۱۵ م بوستان سعدی، تاریخ کتابت ۱۶۱۶ م و خمسهٔ نظامی تاریخ کتابت، ۱۶۴۸ و شاهنامهٔ فردوسی، تاریخ کتابت، ۱۶۶۴ م و خمسهٔ نظامی تاریخ کتابت ۱۶۷۱-۱۶۶۸ م، «مجالس العشاق»، تاریخ کتابت قرن هفدهم-هیجدهم میلادی.

در نتیجه انضمام دولت های سهم فیودالی، چون خان نشین های خوارزم، بخارا و خوقند در اواسط قرن هیجدهم میلادی، اقتصاد و فرهنگ رونق یافت و به ادبیات کلاسیک توجهی روز افزون مبذول گشت و از آثار علی شیر نوائی نسخه برداری شده، دست به دست گشت. عبارت جالبیکه در انجام نسخهٔ علی شیر نوایی یعنی «خزاین المعانی» که در خوقند کتابت شده و در

ملکیت انستیتوت شرق شناسی اکادمی علوم ازبکستان به شمارهٔ ۱۷۰۹ قرار دارد، ادعای بالا را ثابت می سازد. این عبارت چنین است: ...محمدعلی غازی بهادرخان ...مینگ ایکی یوز (و) ایلیك تورت تاریخیندا... محمدصدیق تونقاتر سار یقه خطاب ایتیب، امر عالی صدور تاپتی کیم نوایی دیوانینی مکتوب یماك کابویورغیل. فرمان عالی تأثیر بدین بیری شول کیم مدت آلتی آی ایچره اوچ یوز عدد* دیوان مجلد و مشرز بولدی اول مشرز (بولگان) دیوانلار نلاردین بیری بونسخه ایرور کیم سنهٔ مذکوره ایچره همت اهتمام و شرف اتمامه موسوم (؟) بولدی.»

ترجمه: محمدعلی غازی بهادرخان (امیر خوقند) بتاریخ ۱۲۴۰ ﻫ به محمد صدیق تونقاتر خطاب نمود و امر عالی صدور یافت که به کتابت دیوان نوایی دستور دهد. از تاثیرات فرمان عالی یکی اینست که در مدت شش ماه سه صد عدد* دیوان مجلد و مشرز گشت، یکی از آن دواوین مشرز (شده) همین نسخه است که در سنه مذکور اتمام یافت.» (۱) نتیجه این شد که «دیوانی» کتابت شد و در طی شش ماه، سه صد جلد از نسخ آن مجلد گردید در عین زمان یعنی در سال ۱۲۴۰ ﻫ = ۱۸۲۴ - ۱۸۲۵ م پنج مجموعه[؟] از اشعار علی شیر نوایی آماده گشت که بوسیلهٔ ملا روزی در خوقند کتابت یافت که اندازهٔ آن ۱۸×۳۰ سانتی متر در ۹۲۳ برگ بود. (۲) خصوصیت مجموعه ها چنین است: «لسان الطیر»، «فرهاد و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «سبعه سیاره» و «سد سکندری» صفحات افشان طلادار و دو بازسینهٔ چمنی و رنگین تزئین یافته، و جلد آن از چرم سیاه میباشد، ابیاتی به عنوان انجام کتاب در آن درج شده است. باور داریم که مینیاتورهای آن را محمد کاسانی نقاشی و مصور کرده است. محتوای آنها متفاوت است. مضامین بعضی از این مینیاتورها با مضامین مروج سنتی و

---

(۱) رك. نسخه خطی، برگ ۳۷۷ الف. باید یادآور شد که عبارت ازبکی را دوست گرانقدرم استاد دکتور محمد یعقوب واحدی عضو شعبه ازبکی اکادمی علوم افغانستان از مقدمه دیوانهای امیر علی شیر (خزاین المعانی) استنساخ کرده همراه با ترجمهٔ آن در اختیار من قرار داده اند که من از این لطفشان سپاسگزارم *جناب واحدی ضمن تبصره برقم سیصد عدد نگاشته اند که این عدد صحیح نیست، شاید «اوچ تورت» یعنی «سه چهار» عدد باشد.

(۲) رك انستیتوت نسخ خطی اکادمی علوم ازبکستان شمارهٔ جدید ۲۳.

معمول مطابقت دارد و مضامین بعضی دیگر جدید و ابداعی است. مضامین میناتورهای اول و دوم معمولی است. در میناتوری های نخستین، هنرمند «معراج پیامبر با براق (۳آ)» را نقاشی کرده است. که در آن چهرهٔ پیامبر پوشانده شده است. میناتور دوم واقعه «شیخ صنعان» را در برابر زیبای رومی ۲۳۵آ مصور شده است. مضمون های شش میناتور دیگر را مفاهیم «لسان الطیر» احتوا کرده است، که نسبت به میناتورهای قبلی تفاوت دارد. در میناتور «حکایت شیخ ابوسعید ابو الخیر» (۳۰ب) در حالیکه شیخ را با تسبیح در دست همراه با چهار سر یدش مینمایاند، نقل شده است. در سمت راست میناتور، موجود بالدار اساطیری نمایانده شده است، و در بخش فوقانی تصویر در آسمان آبی پس منظر تصویر درخت بزرگی قرار گرفته است. میناتور «پرواز سلیمان پیامبر بسوی هندوستان» (برگ ۳۶آ)، سلیمان را بر تخت سلطنتی مینمایاند که توسط چهار دیو به آسمان بر ده میشود و از عقب «پری» پکه بدستی او را پکه می کند. علاوه بر این میناتورهای دیگری نیز وجود دارد، چون میناتورهایی که در آن «شیخ پارسا به سوالیکه از سوی یکی از پارسایان سطرح شده پاسخ میدهد.) (برگ ۹۳آ) «شاه بلخ و پسر ش» (برگ ۴۲آ)، و «صوفیان در حالت سماع و پرواز» (برگ ۴۸ب)، و «شیخ ابو العباس در وادی فنا» (برگ ۵۲آ) بعید نیست که این میناتورها برای نسخهٔ دیگری مصور شده باشد و بعداً به این نسخه گنجانده شده است. انگیزه های عرفانی و مذهبی در میناتورهای «لسان الطیر» باز تاب یافته است.

«فرهاد و شیرین» با میناتورهای مصور گشته که در آن، ورود شیرین نزد فرهاد را در حالیکه اخیر الذکر مشغول کندن کوه است، نشان میدهد. (برگ ۱۱۱ب) و یا «فرهاد، شیرین را همراه با اسپش از زمین بلند میکند» (برگ ۱۱۹ب)، «خسرو و بزرگ امید» (برگ ۱۲۰ب)، «جدا شدن فرهاد» (برگ ۱۵۰آ)، «شیرین در منزلش» (برگ ۱۵۲آ)، «فرهاد و شیرین در حجرهٔ شان» (برگ ۱۵۳آ)، موضوعات غالباً معمولی و معنوی است. اما میناتور «شیرین در منزلش» از این امر مستثنی است. واقعه

واقعه «حمام گرفتن شیرین» و «شیرین در حالت نظارت بر تصویر خسرو» در این اثر منظوم نوایی گنجانده نشده است. نسخه مذکور در برگ ۱۵۸آ ختم میشود. بدنبال آن دو برگ سفید می آید و در برگ ۱۵۹ب میناتوری وجود دارد که در آن کشتن شیرو یه بدست خسرو نما یانده ،

شده‌است. در این پارچه دست به یخن شدن خسرو باشیرویه ارائه‌شده که این موضوع در متن ابیات باز تاب نیافته‌است.

نسخهٔ «لیلی و مجنون» با مینیاتورهایی مصور شده است که در آنها «لیلی و مجنون در مدرسه» (برگ ۱۷۸ ب)، و «مجنون با پدرش در مکه» (۱۸۳ ب) در بخشی گنجانیده شده که در آن حکایت زندگی مجنون در میان حیوانات وحشی در دشت بیان‌شده‌است، «نوفل در حضور پدر مجنون» (برگ ۲۰۳ آ) «مجنون در برابر خیمهٔ مجنون» (برگ ۲۱۶ ب)، «لیلی و مجنون در دشت» (برگ ۲۱۸ آ)، که در مضمون تکرار است و «گور مشترک لیلی و مجنون» نمایانده شده‌است.

مینیاتورها یکه (سبعهٔ سیاره) را فرا گرفته است با رسم معمول و عنعنوی مطابقت‌ندارد. بطور نمونه دلارام در نقاشی «مانی در حضور بهرام» (برگ ۲۳۱ آ) تصویر نشده‌است. بهرام در یکی از دو مینیاتور یکه صحنهٔ شکار را نشان میدهد (برگ ۲۳۳)، باز تاب یافته‌است. در مینیاتور دیگری، دلارام تصویر یافته، بدون اینکه آله موسیقی در دست داشته باشد. (برگ ۲۳۷ ب) رنگهای هفت‌قصر با نام های آنها مطابقت‌ندارد. بطور مثال صندل قصر به رنگ آجری نقاشی شده است این مینیاتورها از مینیاتورهای قبلی در باز تاب زمینه های چمنی و ساختمانها و باسیدانها یکه در آن شخصیت‌هایی حضور داشته باشند، تفاوت زیادی دارد.

دوازده مینیاتور در منظومه «سداسکندری» گنجانده شده است. بخش زیادی از اینها در انحراف از مضامین عنعنوی و سنتی و یابی نظمی که دارد، قابل توجه می‌باشد. بعضی از آنها با محتوای متن مطابقت‌ندارد. مینیاتور «حاکم کشمیر و خواهرش مهرناز» (برگ ۳۷۰ ب)، و «سکندر و روشنک» (برگ ۳۹۰ ب، ۳۱۱ آ)، «جنگ باردبیلان» (برگ ۳۰۰ ب)، «سکندر دیو در بند کشیده را رهنمایی میکند» (برگ ۳۰۹ آ) در سایر نسخ دیده نشده است.

مقایسهٔ مینیاتورهای خوقند «خمسه» نوای بانسخ مصور قرن نوزدهم (مجموعه نسخ اتحاد شوروی) ما را به نتیجهٔ حیرت‌آوری میرساند و آن اینست که عناصر هندی در مینیاتورهای آسیای میانه قرن نوزدهم ظاهر می گردد. وطوریکه شهرت دارد، پیوندهای فرهنگی میان هندوستان و آسیای میانه در قرن های هفدهم و هیجدهم میلادی نیز و مندتر میگردد، و رفت و آمد هنرمندان و خطاطان صورت میگیرد، که در نتیجه تشابهات نزدیک در شیوهٔ تصویر مینیاتورهایکه در قرن هیجدهم و نوزدهم در هندوستان (بویژه در کشمیر) و بخارا مصور

می‌شوند، بوجود می‌آید. این تشابهات را به پیمانهٔ زیاد در میان میناتورهای نسخهٔ (یوسف و زلیخا)ی جامی مصور کشمیر در سال ۱۲۲۸ هـ ۱۸۱۳ م (محفوظ در انستیتوت شرقشناسی اکادمی علوم ازبکستان، شمارهٔ ۷۹۱) و (دیوان) عاشق، کتابت در بخارا در سال ۱۲۲۱ هـ ۱۸۰۶ هـ ۱۸۰۶ م - ۱۸۰۷ م (محفوظ در انستیتوت شرقشناسی، اکادمی علوم ازبکستان شمارهٔ ۳۴۵۲) می‌توان به وضاحت مشاهده کرد.

تشابهات کاملی در ترکیب و رنگ‌آمیزی در تصاویر انسانی، لباسها، واقعهٔ پرواز سلیمان پیغمبر در حالت استقرار بر تخت شاهی، و (معراج) در میناتورهایکه مضامین (یوسف و زلیخا)ی جامی را بازتاب داده است و در هندوستان در قرن هیجدهم مصور شده است و در انستیتوت شرقشناسی، اکادمی علوم ازبکستان به شماره ۷۹۱ قید است، و (دیوان) حافظ شیرازی که در سال (۱۱۹۴ هـ ۱۷۸۰ م) در هندوستان کتابت شده و در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم ازبکستان به شماره ۳۲۰۰ قید است و (خمسه) (شمارهٔ جدید ۳۲)، به چشم می‌خورد. در دو اثر اخیر الذکر میناتورهای زیادی در هندوستان گنجانده شده است. در هر دو نوع میناتور، تخت سلیمان پیامبر با احتیاط توسط دیوهای سپید، سیاه و نصواری در حالیکه دو پری پکه بدست، پیامبر را پکه می‌کنند، حمل می‌گردد. در متن ابیات صرفاً به «پری» اشاره شده است. در معراج چنانکه در میناتورهای هر دو نسخه دیده میشود، تصویری از پیامبر اسلام سوار بر «براق» افسانوی گنجانده نشده است. ترکیب و تصویر فرشته های مشعل بدست در میناتورها از کیفیت عالی برخوردار است.

موجود بالدار افسانوی باسر انسان در برگ ۳ب در میان فرشته ها به پرواز در آمده است. همانندی این نسخ چنان زیاد است که انسان فکر می‌کند هر دو نسخه مصور را یك هنرمند کار کرده باشد. همچنان زمینه هایی موجود است که انسان فرض کند که میناتورهای (لسان الطیر) خمسه را که در ملکیت انستیتوت نسخ خطی است در سالهای بعدی به این نسخه وصل کرده. هیچیك از نسخ مصوَّر بر آثار علی شیر نوای، نظامی، امیر خسرو دهلوی، و جامی کتابت در قرنهای پانزدهم و شانزدهم میلادی نمی‌توانند، از نظر داشتن پارچه های میناتوری با نسخهٔ خوقند همسری کند. (خمسهٔ) نظامی که در بخارا در سال ۱۶۴۸ م استنساخ شده دارای ۱۶ میناتور میباشد که در کتابخانه عامهٔ دولتی لنین‌گراد مجموعهٔ شماره جدید پارسی (۶۶) محفوظ است.

معهذا، کیفیت هنری سیناتو رهای نسخه خوقند نسبت به سیناتو رهای که در سمرقند، هرات، تبریز قزوین و مشهد و شاهرخیه و بخارا در قرنهای پانزدهم تا هفدهم میلادی درست شده، درسطح نازلتری قرار دارد. سیناتو رهای نسخه اول الذکر در رنگ آمیزی و تصویر ابعاد چمن زارها، نظم و ترتیب و ترسیم قیافه های انسانی و خیالی ضعیف تر و نازل تر مینماید.

با همه این سیناتورها به خاطری ارزشمند پنداشته میشود که آثار نویسندگان و انسانگرایان بزرگی را در زمانی مصور ساخته است که مقارن بوده است با کنشش شدید نیروهای ارتجاعی و عصر یکه تعبد و تشدد مذهبی قانون سرتاسری بوده است سیناتورها و نقاشیها یکه بر آثار علیشیر نوائی کشیده شده، نمونه های ظریف و زیبای هنر کتاب سازی در قرون وسطایی شرق و در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی را نشان میدهد که بوسیلهٔ هنرمندان بسیار لایق و زبردست هرات، بخارا، شاهرخیه و تبریز خلق شده است.

واقعگرایی و ریالیسم که سبنای اصول و شیوهٔ ابداعی نوایی را تشکیل میداد در سیناتورهائیکه برای آثار او اختصاص یافته، نیز بازتاب یافته است. هماهنگی و صداقت در بازتاب اکثر وقایع و مناظر و شخصیت هایکه حاسل پیا سهای انسانی و اندیشه های والای آزادی و رهبری بوده اند، بیانگر این واقعیت است که همکاری نزدیک میان خطاطان و هنرمندان و مصوران وجود داشته است. هماهنگی دقیق محتوای ستن باآنچه مصورشده پیوند سیناتورهارا باستن کامل نسخه سینمایاند، و مشخص می سازد. بااین هم، در قرون بعدی این نظم مقبول بصورت کامل دنبال نشده است. برای تثبیت این مدعا به مجموعهٔ اشعار در انستیتوت نسخ خطی، اکادمی علوم ازبکستان شماره های جدید ۲۲۳ و ۲۶۳۰ سراجعه شود.

چنانچه واضحست اشعار (خمسه) نوایی بر شیوهٔ ادبی معمول نظامی و امیرخسرو دهلوی سروده شده است و مضامینیکه میان این آثار مشترک بوده، در آثار هنری آنها نیز بازتاب یافته است. همچنان تقرب مضامین آثار منظوم این سه شاعر بزرگ شرق به ایجاد سیناتورهایی انجامید که درمضمون و ترکیب باهم شباهت داشت. چون پارچهٔ سینا توری «فرهاد در حال کندن جوی در کوه» و «حمام کردن شیرین»، «اسکندر در حال جاندادن در دریا»، «شاه و دانشمند در حمام» عناصر مرکبهٔ این صحنه های مصور، چون شکار، بازی گوی، تیر اندازی باتیر و کمان، ضیافت و بزم، تفریح، مناظر شعرا که به عنوان رسم و عنعنه معمول در آمده بود انتشاری قابل سلاحظه یافت.

تا اینجا برگردان مطالبی بود که در دیباچه یا مقدمه انگلیسی البوم میناتورهایی بر آثار امیر علیشیر نوایی توسط حمید سلیمان و فاضله سلیما نووا، دو تن از دانش پژوهان ازبکستان شوروی نگارش یافته بود. اینک نسخه هایی که در این البوم گنجانده شده و نمونه هایی را که از این نسخه ها آورده شده، بطور مختصر معرفی می کنیم.

در این البوم در مجموع ۲۸ اثر نوائی در هیجده بخش جداگانه معرفی شده که در آنها ۲۸۵ پارچهٔ تزئینی و مصوّر و ۳ میناتوری وجود داشته است. در بخش نخست «ایلك دیوان» (نخستین دیوان) درج است که ظاهراً در هرات درسال ۸۷۰ه ۱۴۶۵-۱۴۶۶م به دست سلطان علی مشهدی، کتابت یافته و اندازهٔ آن ۲۳×۳۳ سانتی متراست که در کتابخانه عامه لیننگراد، دورن: ۵۶۴ قیداست. از این اثر ۱۳ نمونه بدین ترتیب آورده شده، یك مقوا، دو لوحه، دو صفحهٔ مصور، هشت صفحهٔ تزئینی از متن.

اثر دیگر نوادر النهایه است که درسال های ۸۸۰ و ۸۸۵ هـ برابر با ۱۴۷۵ م و ۱۴۸۰ در هرات به دست سلطان علی مشهدی کتابت شده و نسخه آن در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم ازبکسان، شماره: ۱۹۹۵، تاشکند موجود است که اندازهٔ آن ۲۰×۱۷ سانتی متر است. از این اثر ۹ نمونه آورده شده که شامل یك مقوا، و مقوای صفحه ماقبل آخر جلد ضخیم، دو لوحه یك پارچه مصور که شاعر را درحال قرائت اشعارش نشان میدهد، پارچهٔ مصور دیگری که شاعر را درحال قرائت اشعار برای محبوبه اش نشان میدهد، پارچهٔ مصور قرائت کتاب، پارچهٔ مصور صرف غذا در هوای آزاد درچمن زار، پارچهٔ مصور انجمن داوران اشعار، می گردد.

به همین ترتیب از نسخه (خمسه) که در هرات درسال ۸۹۰ هـ ۱۴۸۵ م کتابت شده و در کتابخانه بودلیان، الیوت، شماره، ۳۳۹ و ۳۱۷، ۴۰۸ و ۲۸۷، بخش نسخ خطی ترك، ۳، اندازه ۲۷×۱۹ سانتی متر، موجود است شش نمونه آورده شده است و نسخهٔ دیگر خمسه که باز هم در هرات درسال ۸۸۹ ق ۱۴۸۴ م بدست عبد الجمیل کاتب، کتابت شده و در تاشکند، در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم ازبکستان، به شماره ۵۰۱۸، قیداست و اندازه آن ۱۹×۲۷/۵ سانتی متر میباشد، معرفی شده است. نسخهٔ دیگر به عنوان دیوان در البوم یاد شده در هرات درسال ۸۹۸=۱۴۹۲-۱۴۹۳ م بدست سلطان علی مشهدی کتابت شده که در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم ازبکستان شماره، ۷۹۰، اندازه ۳۴×۲۲/۵ سانتی متر، قیداست

از این دیوان نسخهٔ دیگری هم موجود است که شمارهٔ آن ۳۹۸۸ و اندازهٔ آن ۱۹/۵×۲۸/۵ سانتی متر میباشد. از این دو نسخه ۸ نمونه تزئینی آورده شده است .

نسخه دیگر (خمسه) که از آن در البوم نمونه هایی درج شده است ، نسخه یی است که در هرات در سال ۸۹۸ ق-۱۴۹۲-۱۴۹۳ م بدست سلطان علی مشهدی کتابت شده و مصور آن مولانا یاری و مجلد آن سلطان علی هروی بوده است. این اثر در لیننگراد در کتابخانهٔ عامه دولتی ، دورن ۴۵۰ ، اندازهٔ ۱۷×۲۴/۵ سانتی متر قید است . از این اثر ۱۵ نمونهٔ زیبا و دل انگیز در البوم گنجانده شده است . از نسخهٔ خمسه شاهرخیه ، سال ۹۲۸=۱۵۲۱-۱۵۲۲ م لیننگراد کتابخانهٔ عامه دولتی ، دورن: ۴۵۹ ، اندازه: ۲۲×۳۲ سانتی متر هیجده نمونه آورده شده است ، و از نسخه (خمسه) ی هرات به سال ۸۹۷ ق-۱۴۹۲-۱۴۹۱ م به خط سلطان علی مشهدی ، محفوظ در وپندسور ، کتابخانهٔ سلطنتی ، نسخ خطی ، ۶۵ ، اندازه: ۲۴×۳۵/۵ سانتی متر ، ۲ نمونه درج البوم مانحن فیه گردیده است .

نسخه خطی دیگری باز هم بنام (دیوان) نامیده شده که در هرات مقارن قرن پانزدهم میلادی بدست سلطان علی مشهدی کتابت شده و در وپندسور ، کتابخانهٔ سلطنتی ، بخش نسخ خطی بخارا ، با اندازهٔ ۲۲×۳۰ سانتی متر قید است . همچنین از همین (دیوان) هرات ، مقارن قرن پانزدهم میلادی به خط سلطان علی مشهدی نسخهٔ دیگری در کتابخانهٔ بودلیان ، الئوت ۹ ، اندازهٔ ۱۸/۵×۲۶ سانتی متر موجود است که از این دو نسخه دو نمونه در البوم گنجانده شده است .

در بخش نهم البوم مورد نظر ، از دو «دیوان» شانزده نمونه آورده شده است یک نسخهٔ «دیوان» به گمان اغلب مربوط به هرات که مقارن قرن پانزدهم میلادی کتابت شده است و در تاشکند ، انستیتوت نسخ خطی ، اکادمی علوم ازبکستان ، شماره: ۲۶ اندازه: ۱۶×۲۳ سانتی متر موجود است و دیگری نسخه «دیوان» هرات ، قرن شانزدهم میلادی است که خطاط آن سلطان محمدنور میباشد. این نسخه در لیننگراد ، کتابخانه عامه دولتی ، دورن: ۴۶۳ ، اندازه: ۱۸×۲۷ سانتی ، محفوظ است ، در بخش دهم از نسخه خطی «دیوان» که در تبریز در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده دو نمونه آورده شده است این نسخه در کتابخانه ملی ، پاریس ، بخش ۹۹۱ Suppl. Turc اندازه: ۱۷×۲۶/۵ سانتی متر محفوظ است .

از نسخه خطی (کلیات) قرن شانزدهم میلادی ، محفوظ در انجمن سلطنتی مستشرقان انگلیس

(٣٧ ٥٢)اندازه :٣٣×٦ ٢سانتی‌متر ونسخه خطی «دیوان» که احتمالا به تبریز در نیمه اول قرن شانزدهم میلادی تعلق داشته و در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم ازبکستان، شماره ٧٣٦٣ اندازه ٥/٢٧×٥/١٦سانتی‌متر محفوظ است، هفده نمونه آورده شده است.

نسخه خطی «دیوان» متعلق به تبریز را در سال ٩٣٤ق ١٥٢٧-١٥٢٨م شخصی بنام چلبی کتابت کرده است که در لیننگراد، کتابخانهٔ عامهٔ دولتی، شماره جدیدتر کی، ٥٦، اندازه ٥/٢٧× ٥/١٥سانتی‌متر، محفوظ است. و نسخه خطی «دیوان» احتمالا متعلق به هرات در سال ٩٣٥ق- ١٥٢٨-١٥٢٩م بدست سلطان محمد خندان کتابت شده، که آنهم در لیننگراد، کتابخانه عامهٔ دولتی، شماره جدیدتر کی، ٥٧، اندازه، ٢٥×١٦سانتی‌متر نگهداری میشود. از این دو نسخه ٢٢نمونه در البوم گنجانده شده است.

در بخش سیزدهم سه نسخه از (لسان الطیر) بدین ترتیب معرفی شده است لسان الطیر متعلق به شیر از باتاریخ ٩٠٧هق- ١٥٠٣-١٥٠١م، خطاط آن حاجی محمدعلی تبریزی، محفوظ در کتابخانه بودلیان، ١٩٥:٥٧، اندازه :١٨×١٣سانتی‌متر.

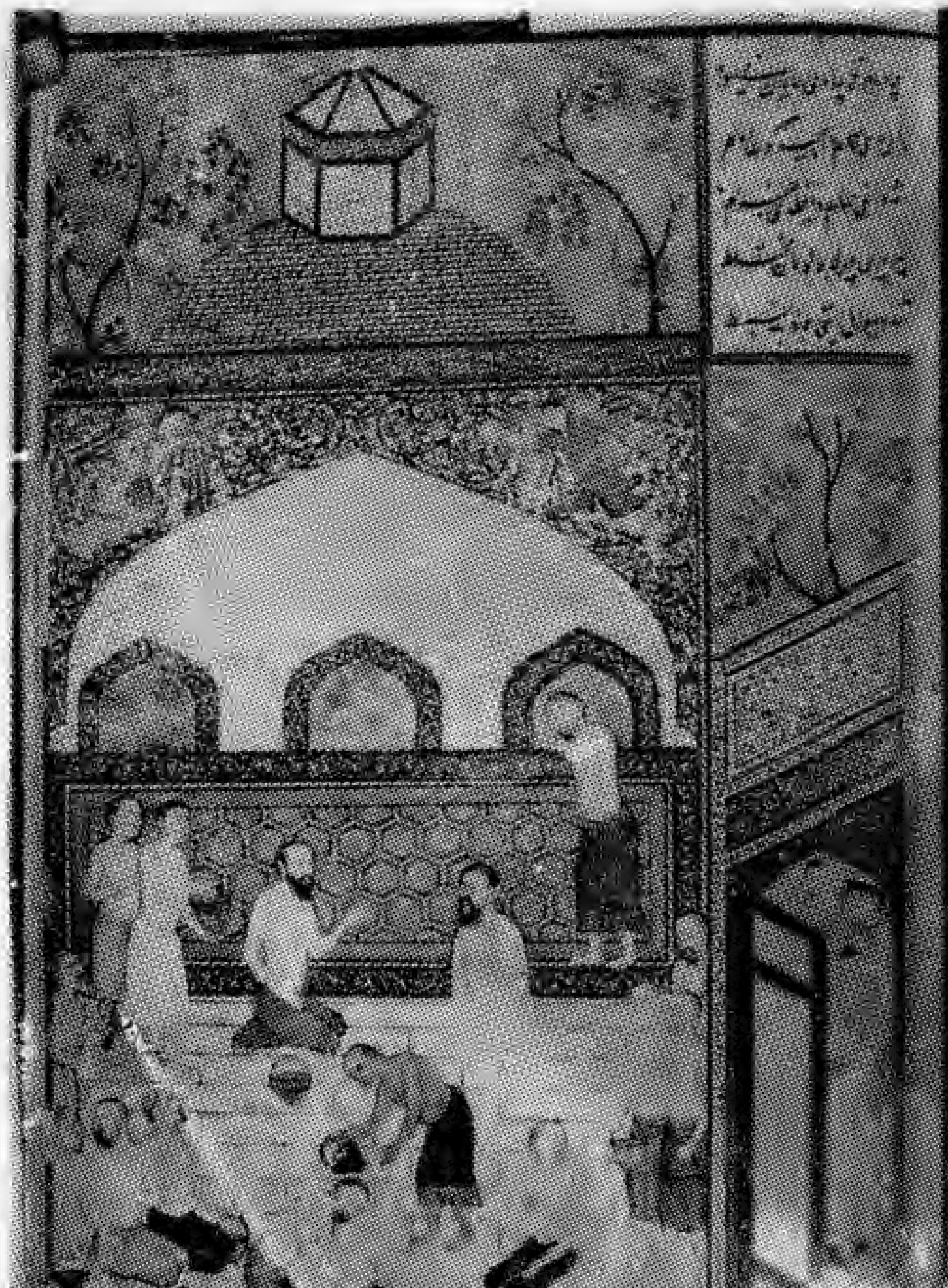
لسان الطیر، متعلق به بخارا باتاریخ ٩٦٠ق= ١٥٥٣م محفوظ در ببلیوتیک فاسیتونال پاریس، Suppl. Turc ٩٩٦، اندازه :٢٩×٢١سانتی‌متر لسان الطیر دیگری که احتمالا مسکن اصلی آن قزوین بوده است که در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده و در کتابخانه ملی، پاریس Suppl. Turc ٩٧٨، اندازه ٢٩×٢١سانتی‌متر محفوظ است. از این سه نسخه، نوزده نمونه در البوم درج شده است.

در بخش چهاردهم نسخه «دیوان» که احتمالا متعلق به تبریز بوده که در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده در موزیم بریتانیا به شماره ١٣٧٣ ٥، اندازه :٢٣×١٨سانتی‌متر قید است. از این نسخه هفت نمونه تزئینی و نقاشی آورده شده است. از نسخه خطی «دیوان» که احتمالاً به مشهد تعلق داشته و در سال ٩٧٢ق- ٦٣ ٥ او٦٥ ١٥م کتابت شده که در بلیوتیک ناسیونال، پاریس، Suppl. Turc ٧٦٢، اندازه :٢٥×١٨ سانتی‌متر قید است. از این نسخه هفده نمونه در البوم درج شده است.

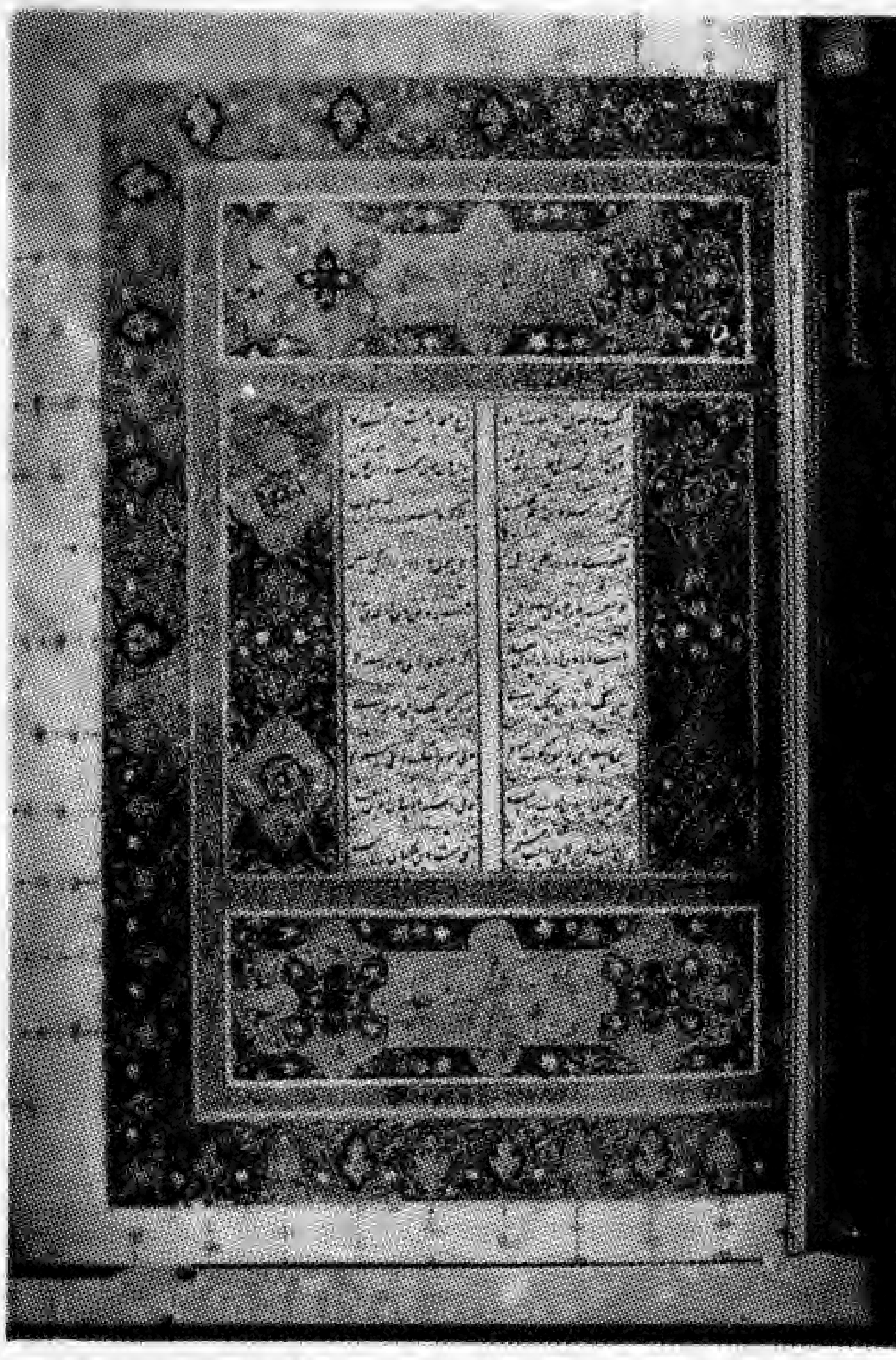
در بخش شانزدهم نسخه خطی (کلیات) و (حیرت الابرار) چنین معرفی شده است. نسخهٔ کلیات به قزل آغاچ (آذربایجان) تعلق داشته که در سال ١٠٠٣-١٠٠١ ه ق برابر باسال



۱ـ نمونهٔ کامل از مقوایا جلد کتاب «خمسه» هـــرات ، ۸۸۹ هـ ق ـ ۱٤۸٤ م خطاط ، عبدالجمیل کاتب، تاشکند ، انستیتوت شرق‌شناسی ، اکادمی علوم از بکستان شوروی ، شماره : ٥٠٦۸ .



۲- تابلوی‌میناتوری((خوارزم‌شاه وفخررازی‌درحمام)) از حیرت‌الابـــرار خمسه ، هـرات ۸۹۷ ق مساوی ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲م ، خطـاط سلطان علی مشهدی ، ویندسور کتابخـانـه سلطنتی نسخ خطی (۶۵) این تابلو به عنوان‌صحبت شاه با امام در حمام کار بهزاد، هرات ۸۹۷ق-۱۴۹۲م - نیز معرفی‌شده است . رك . مکتب بهزاد ، بنوال پوهنتون ۱۳۵۱.



۳ـ لوحه یاصفحهٔ اول مصور که به‌اصطلاح امروزی بنام قطعه‌هم یاد میشود، ازحیرةالابرار خمسه ، هرات ، ۸۹۸ق مساوی ۱۴۹۲ ـ۱۴۹۳م ، خطاط سلطان علی مشهدی، مصور، مولانایاری ، صحاف و مجلد، سلطان‌علی‌مروی، لیننگراد ، کتابخانهٔ عامهٔ دولتی ، دورن ۵۶ .



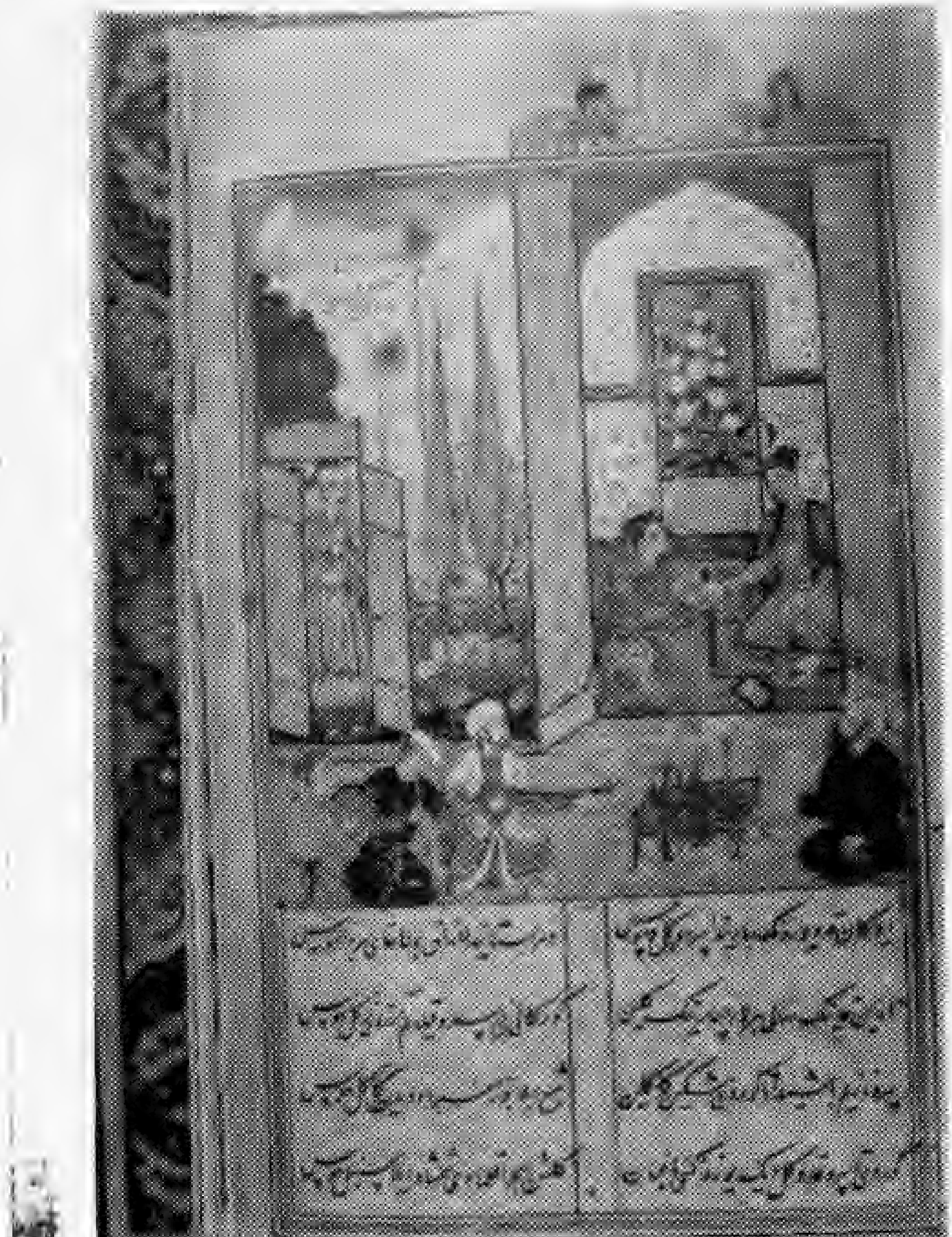
٤- تابلو میناتوری از بزم سلطان حسین.(حیرةالابرار) خمسه ، هرات ۸۹۷ ق مساوی ۱۴۹۱-۱۴۹۲م ، خطاط سلطان علی مشهدی ویندسور ، کتابخانهٔ سلطنتی بخش نسخ‌خطی (۶۵) .



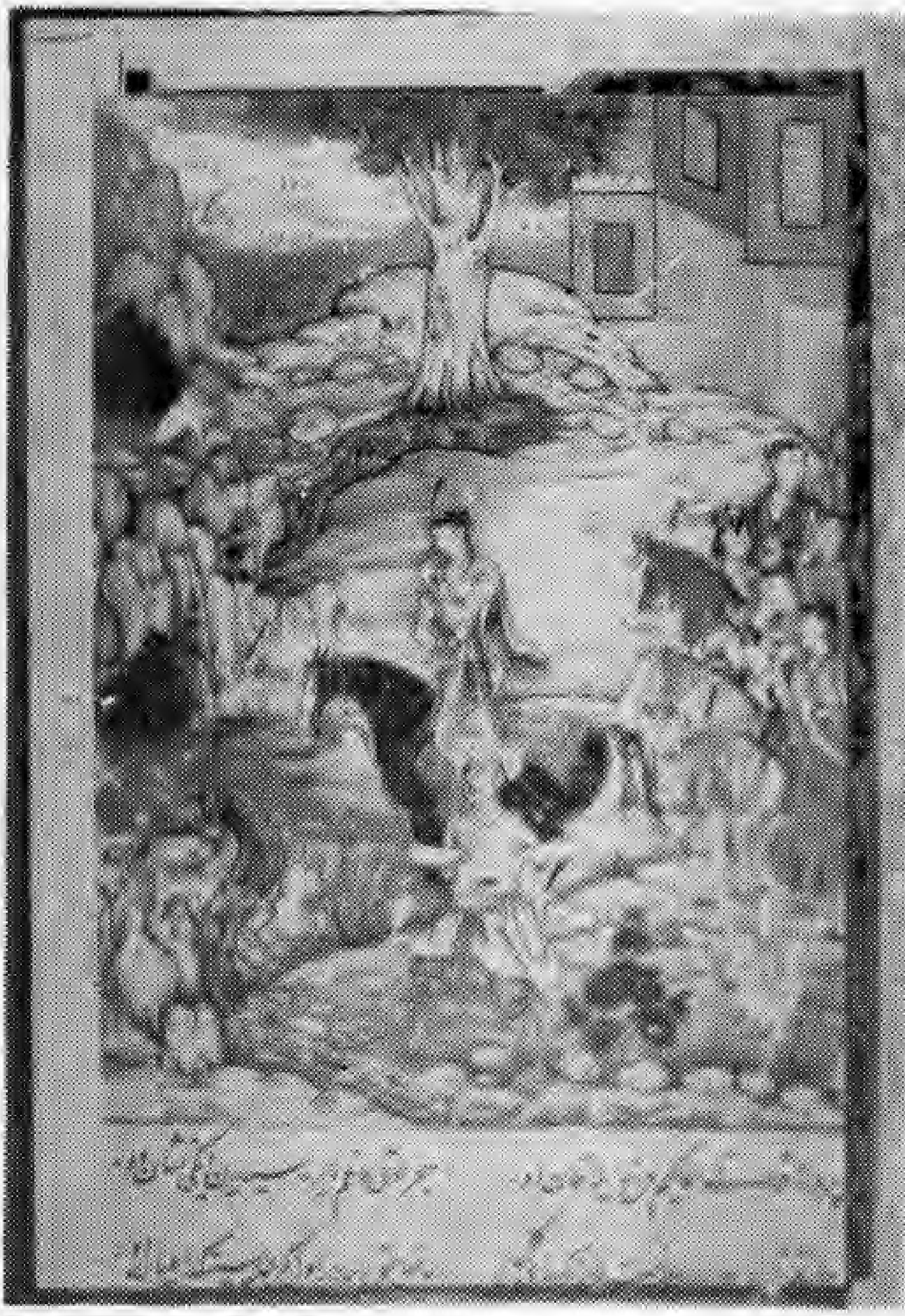
۵ـ تابلوی میناتوری از مجلس مهمانان دراطراف حوض درباغ ، حیرةالابرار خمسه‌هرات، ۸۹۷ق مساوی۱۴۹۱ـ۱۴۹۲م،خطاط سلطان‌علی‌مشهدی ، ویند سور ، کتابخانهٔ سلطنتی ، بخش نسخ خطی ، (۶۵) .



٦ـ تابلوی میناتوری از تعقیب حیوانات وحشی، از ((دیوان)) هرات مقارن قرن پانزدهم میلادی ، خطاط ، سلطان علی مشهدی، ویندسور، کتابخانه سلطنتی نسخ خطی بخارا .



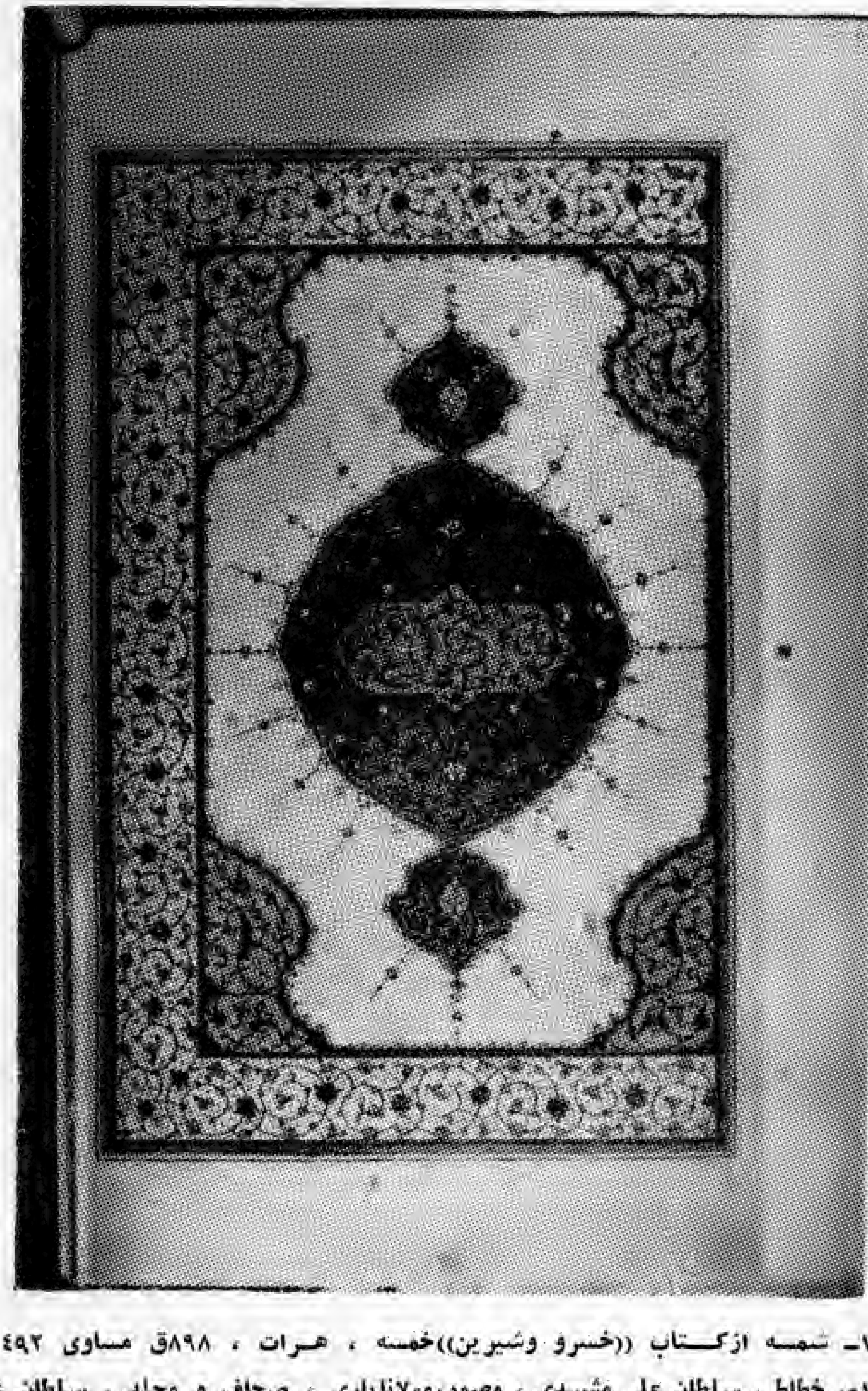
۷- تابلوی میناتوری از ((سازنده‌ها دربزم‌ضیافت)) دیوان، هرات، مقارن قرن پانزدهم میلادی، خطاط ، سلطان‌علی‌مشهدی، ویندسور، کتابخانه سلطنتی نسخ خطی بخارا .



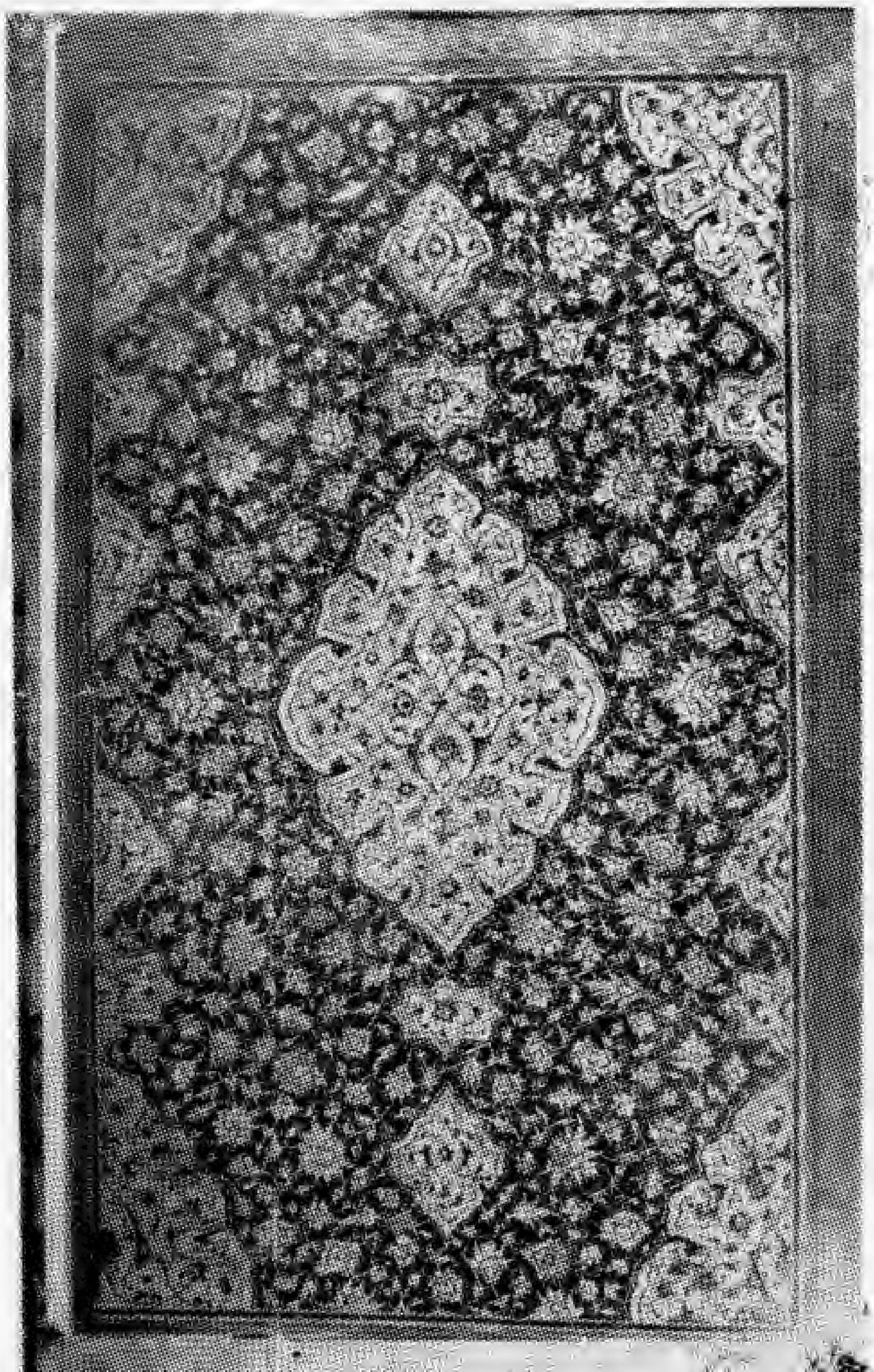
۸- تابلوی میناتوری از ((پشت‌گردن فرهاد شیرین‌را)) از ((دیوان)) هرات ، مقارن قرن پانزدهم میلادی ، خطاط ، سلطان علی‌مشهدی ، ویندسور ، کتابخانهٔ سلطنتی نسخ خطی بخارا .



۹ـ تابلوی میناتوری از ((سازنده‌ها دربزم‌ضیافت)) دیوان ، هرات ، مقارن قرن‌پانزدهم
میـــلادی ، خطاط ، سلطان عـلی مشـهـدی ، ویندسور ، کتابخانهٔ سلطنتی نسخ خطی‌بخارا.



۱۰ـ شمسه ازکتاب ((خسرو وشیرین))خمسه ، هرات ، ۸۹۸ق مساوی ۱۴۹۲ - ۱۴۹۳م، خطاط ، سلطان علی مشهدی ، مصور،مولانایاری ، صحاف و مجلد ، سلطان علی مروی لیننگراد ، کتابخانهٔ عامهٔ دولتی، دورن، ۵۶۰ .



۱۱ـ((مقوا)) یـا پشتی جلد ، ازکتاب((خمسه)) هرات ، ۸۹۰ق مساوی ۱٤۸٥م ، کتابخانه بودلیان ، الیوت ، ۲۸۷ ، ٤۰۸ ، ۳۱۷ ، ۳۳۹ ، بخش نسخ خطی ترک، ۳ ، اندازه ۲۷ × ۱۹ سانتی متر .



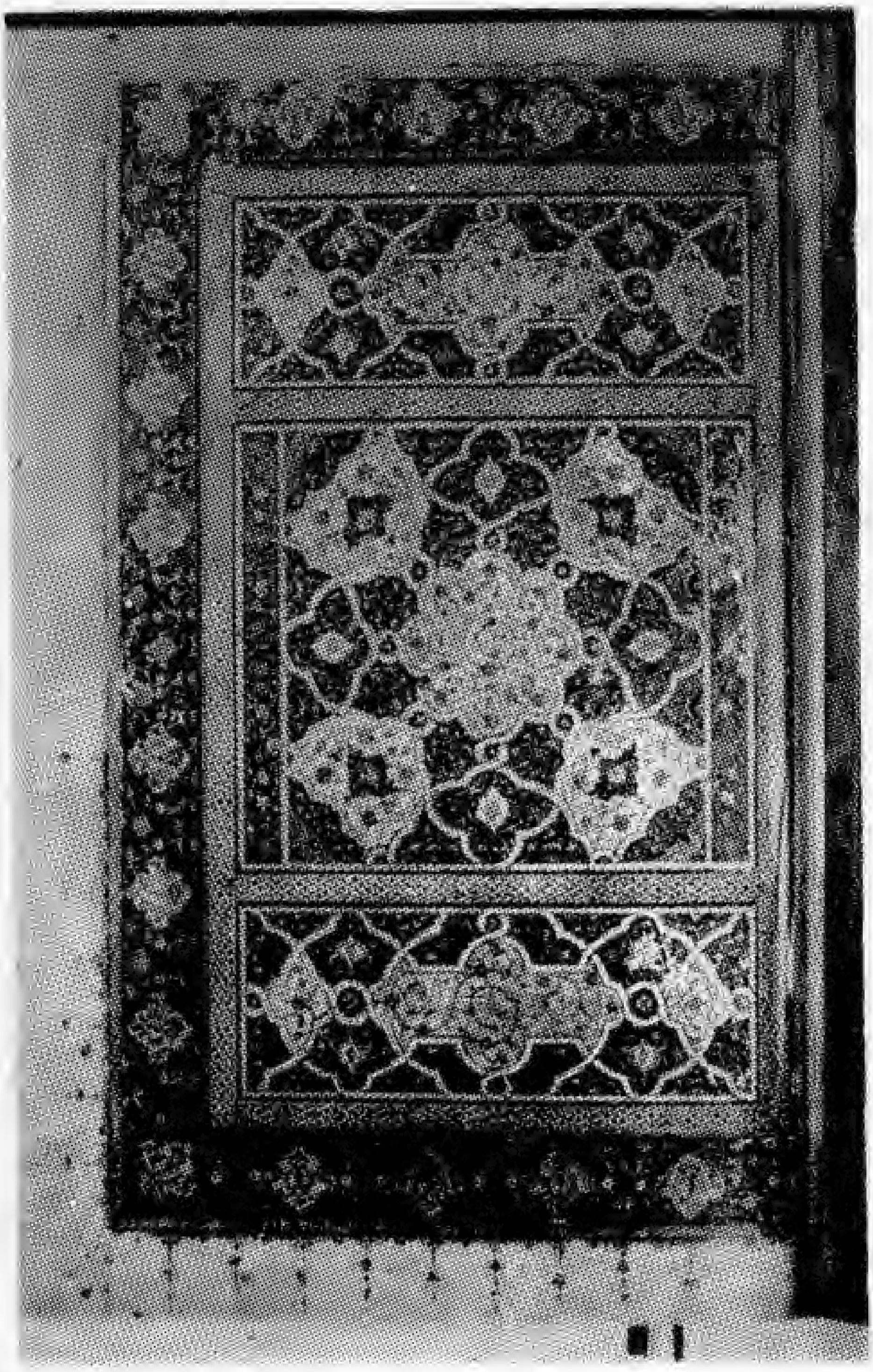
۱۲ـ تابلوی میناتوری ((شاعر در حـــال قـــرائت اشعـــار بـــرای محبوبه اش)) ((نوادرالنهایه)) هرات ۸۸۵ـ۸۸۰ق مساوی۱٤۸۰ـ۱٤۷۵ ، خطاط ، سلطان علی مشهدی تاشکند ، انستیتوت شرق شناسی ، اکادمی‌علوم ازبکستان شماره : ۱۹۹۵ ، اندازه : ۲۵ × ۱۷ سانتی متر .



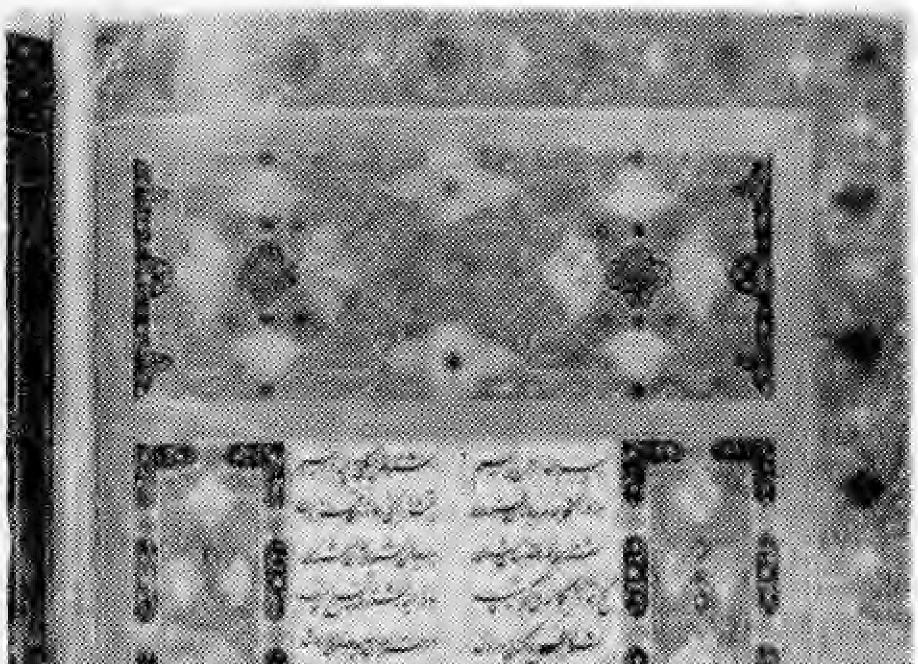
۱۳ـ دونمونه از عنوان یاسرلوحه ، عنوان‌بالایی از ((سبعه سیاره)) وعنوان پائینی از ((سد اسکندری)) خمسه، هرات، ۸۹۰ق‌مساوی۱۴۸۵م کتابخانهٔ بودلیان ، الیوت ۲۸۷،۳۱۷، ۳۳۹، بخش نسخ خطی ، رل، ۳ .



۱٤ـ تابلوی میناتوری ((مقوای صفحهٔماقبل‌آخر جلد ضخیم)) ((نوادرالنهایه)) ، هرات، ۸۸۵ـ۸۸۰ ﻫ ق مساوی ۱٤۷۵ـ ۱٤۸۰ م ،خطاط ، سلطان‌علی‌مشهدی ، تاشکنداستیتوت شرق شناسی ، اکادمی علوم از بکستان ،شماره : ۱۹۹۵ ، اندازه : ۲۵ر۱۷ سانتی‌متر.



۱۵ـ صحیفه مصور مرکب از شمسه ولوحه،از خمسه، هرات ۸۹۸ق مساوی ۱۴۹۲-۱۴۹۳م
خطاط سلطان علی مشهدی ، مصور، مولانا یاری ، صحاف ومجلد ، سلطان علی مروی ،
لیننگراد ، کتابخانه عامه دولتی ، دورن، ۵۶۰.



۱۶ـلوحه یا به اصطلاح امروزی (قطعه) خمسه، هرات ، ۸۹۷ق مساوی ۱۴۹۱ـ ۱۴۹۲ م خطاط ،
سلطان علی مشهدی ، ویندسور، کتابخانهٔ سلطنتی ، بخش نسخ خطی شماره (۶۵) .

١٥٩٦-١٥٩٢ و بدست ناظر علی فیضی کتابت شده‌است. این نسخه در لیننگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن ٥٥٨، اندازه ٣٩×٢٣ سانتی‌متر، محفوظ است، و نسخه (حیرت‌الابرار) درآسیای میانه بسال ١٠٠٧ ق = ١٥٩٩-١٥٩٨ م کتابت شده که درموزیم بریتانیا، شماره ٧٩٠٩، اندازه: ١٨×١٣ سانتی متر قیداست. ازدونسخهٔ مذکور چهارده نمونه درالبوم گنجانده شده است. دربخش دیگر البوم سه‌دیوان خطی به‌ترتیب زیر معرفی گردیده‌است. نسخه خطی «دیوان» تبریز، قرن شانزدهم سیلادی، محفوظ‌درلیننگراد، کتابخانه‌دولتی، شماره جدید ترکی، ٥٨، اندازه: ٢٥×١٧ سانتی متر.

نسخه خطی «دیوان» خوقند، نیمه‌اول قرن شانزدهم سیلادی، محفوظ درتاشکند انستیتوت شرق‌شناسی، اکادمی‌علوم ازبکستان، شماره ٢٢٢٣، اندازه: ٢٧×٨٢٨ سانتی متر و نسخهٔ «دیوان» کتابت‌مقارن قرن پانزدهم واوایل قرن‌شانزدهم میلادی‌محفوظ‌در تاشکند انستیتوت شرق‌شناسی، اکادمی‌علوم ازبکستان، شماره ١٩٧٣، اندازه، ٢٣/٥ × ١٥ سانتی متر.

ازنسخهٔ‌های مذکور، شانزده نمونه درالبوم درج‌شده است.

دربخش هیجدهم بخش‌وآخرین البوم سانحن‌فیه، نسخه خطی (خمسه) متعلق به‌خوقند، ١٢٣٠ ق-١٨٢٣ م به خط‌ملاروزی کاتب وبه‌نقاشی محمد پاسانی میباشد که درتاشکند، انستیتوت نسخ‌خطی اکادمی علوم ازبکستان ٢٣، اندازه: ٣٠/٥×١٨ سانتی متر، محفوظ است ازاین نسخه ٢٠نمونه زیباودل انگیز درالبوم گنجانده شده است.

(ختم)

محمد علم غواص

مسجد خواجه نور
یا
مسجد گنبد

قرنها قبل از اسلام کشور کهنسال ما افغانستان به آریانا موسوم و معروف بود آریائیها مردمی بودند بادیانت، پرستنده، معتقد، نجیب، شریف، بامروت، جوانمرد، مهمانواز، وطندوست، رشید، دلیر و جنگجو که تمام این صفات نیکو از نجابت آنها منبع گرفته است.

بقول بطلیموس (۱) جغرافیه دان شهیر یونانی در داخل آریانا هفت ولایت بزرگ

---

(۱) بطلیموس: منجم و جغرافیادان مشهور یونانی در قرن دوم میلادی.

وی در بطولموس واقع قسمت علیای مصر تولد یافته و در اسکندریه رشد ونمو و تحصیل کرده و زندگی داشته است که بالاخره در کانوپ نزدیک اسکندریه چشم از جهان پوشیده درحالیکه در ستاره شناسی و جغرافیا تالیفات مهمی از خود بجاگذاشته است.

بطلیموس در فرهنگ و تمدن اسلام نیز مقام رفیع و مرتبت عظیم دارد زیرا که ستاره شناسان اسلام همه درین فن از و پیروی کردند. از تالیفات او در نجوم کتاب المجسطی است دو دیگر کتاب الجغرافیافی المعمورة من الارض و سه دیگر کتاب الاربعه در احکام نجوم و نیز کتاب المواليد كتاب المرض و شرب الدواء و . . . .

موقعیت داشته که عبارت بوده است :

(۱) آریا (ولایت هرات و مرکز خراسان)

(۲) مارجیانا (حوزهٔ مرغاب)

(۳) بکتریانا (بلخ و بدخشان)

(۴) پاروپامیزوس (هزارجات و کابل تا سواحل اندوس بانورستان و دارستان)

(۵) اراکوزیا (غزنی و سلسله کوه سلیمان تااندوس)

(۶) درانجیانا (سیستان و قندهار)

(۷) جدوزیا (کج و مکران یا بلوچستان)

آریانام باستانی هرات از ولایت مهم سرزمین آریانا بوده . بتدریج و درسیر قرنها بهاری، هری و بالاخره هرات تبدیل نام یافته است .

[آریائی های ساکن شهر هرات این مرکز ولایت دینی و مدنی در تاریخ آریانای کبیر معابدی داشتند که در انها جمع شده مراسم دینی و عقیدتی و یکتا پرستی را انجام میدادند ازآنجمله مسجد جامع هرات ومسجد گنبد (خواجه نور) است که درقلب شهر هرات ومرکز تجمع نفوس آنزمان قرار داشته است.

تحولات مسجدجامع هرات که درقرن اول هجری وصدراسلام ازمعبد بهمسجد تبدیل یافته وسیر معماری و هنری ونقش ونگارآن درشمارههای گذشته مجله هرات باستان شرح داده شده دراینجا یکی دیگر ازین عبادتگاههای باستانی مرکز ولایت آریا شناسانده میشود .

مسجد گنبد اکنون بنام مسجد خواجهنور معروف است. اینمسجد درمحله قپچاق «قطبیچاقحالیه» درناحیه اولشهرقدیم هرات واقع است .درشرق مسجدمزاری است مشهور بنام خواجه نور که بنا باعتقاد اهالی صاحب این قبر از شخصیت های صالح امم پیغمبران قبل ازاسلام بوده و بعضی اورا از حواریون حضرت عیسی علیهالسلام می پندارند.

ازشهرت آن بمزار خواجه نورنیز برمیآید که ازمو بدین صا ازاسلال مخواهد حلرقة بود . درقرون گذشته اینمزار درقسمت شرقی مسجد ومتصل به صحن آن قرارداشته کهظاهراً درقرن اخیر باطرح واحداث کوچه ورهگذری درشمال وشرق صحن مسجد

مزار مذکور به‌شرق کوچه جدا افتاده است. صورت قبر بزرگ است از قطعات سنگ مرمر پوشیده شده ابالوح و کتیبه‌ای ندارد و تنها یك درخت‌شاه توت کهنسال بر بالای قبر سایه افگنده است.

در کتاب مقصد الاقبال تالیف امیر سید عبدالله حسینی معروف به‌اصیل الدین و اعظ هروی متوفی درسال ۸۹۳ هجری قمری درباره این مسجد چنین نگاشته شده است.

«در نواحی خای (چشمه وچاه و یاضبط دیگری از چاه) مسجدی است که او را مسجد گنبد میخوانند وپهلوی آن مسجدمزاریاست که به خواجه نورشهرت گرفته و شبهای جمعه شمع و نذر به‌آنجا میبرند.

در روز چارشنبه دو رکعت نماز حاجات دران مسجد گزاردن مراد طلبیدن وبه‌مقصود رسیدن ازمجربات است.

میگویند ازاول بنای آن مسجد الی یومنا هذا (قرن نهم هجری) چهارهزارسال گذشته است و پیوسته در هرقرنی ازقرون ماضیه معبد اهل هرات میبود.

شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الملة والدین محمد خوافی قدس‌الله‌تعالی سره العزیز (۲) (متوفی درسال ۸۳۸ هق) بسیاربه‌مسجدمذکورمیرفتند وهی فرمودندکه (ساکنان هرات) درین موضع به‌شرایع المختلفه و ادیان متنوعه طاعات وعبادات به‌تقدیم رسانیده اند. درآنجافیض

---

(۲) شیخ الاسلام زین الملة والشرقیه والدین ابوبکر محمد الخوافی ازاکابر اهل ارشاد و دارای تصانیف مهم عرفانی است. اکثر اوقات در روستای بزرگ زیارتگاه هرات و نواحی آن وگاهی هم درشهر بسر میبرد وی علاوه برخراسان و هرات در بلاد مصر وشام وروم و فارس وتوران مریدان و مخلصان بسیار داشته است.

شیخ درسال ۸۳۸ هق وفات کرده ودرخیابان دفن شده وخواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی وزیر شاهرخ میرزا ایوان وگنبدی بزرگ وعالی درغرب صفهٔ مزارشیخ بنا کرده وباغی مشجر و استخری درشمال مزارش احداث موده ولوحی بلندمرمرین برتربتش نصب نموده، که تاحال موجوداست ازتالفات شیخ کتابی بنام اسرارالتوحید که درسال ۸۳۰ بقلم خود شیخ نوشته‌شده چندسال‌قبل در یك کتاب‌خانه شخصی درهرات دیده شده بود که مطالب مهم عقیدتی و عرفانی داشت

تمام وحضور عام بخواص وعوام واصل میگردد ودر بعضی اساس گنبدشد کور خلوتها ساخته‌اند. آن خلوت که بر یسار محراب واقع‌شده منزلی بس تبرک و مهیب است وتنها بودن درآن موضع کار هر کس نیست وفی‌الواقع بسیاری از حاجتمندان درین منزل بسر برده اند وبمقصود ومراد رسیده.

مشهوراست که هر مستمندی که سه چهارشنبه چاشتگاه در ان مسجد دو رکعت نماز حاجت بگزارد البته کامروا گردد.»

این بود نظریات ومعلومات مولف مقصد الاقبال.

مولانا صیل الدین واعظ هروی قسمت بیشتر عصر سلطنت تیموریان هرات: شاهرخ بن امیر تیمور کورگان (۸۰۷-۸۵۰ ه ق) ابولقاسم بابر بن بایسنقر بن شاهرخ (۸۵۲-۸۶۱)سلطان ابوسعید کورگان بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور (۸۵۳-۸۷۲) وقسمتی ازدوران فرمانروایی سلطان حسین میرزا بن امیر غیاث الدین منصور بن بایقرا بن عمرشیخ بن تیمور (۸۷۵-۹۱۲)رادریافته‌است.و ازینکه درزمان حیات مولف این مسجد بنام مسجد گنبد معروف بوده پیداست که بنای موجود مسجد قبل از روزگار سلطنت ابوسعید که مولف کتاب خودرا بنام اوودرعصر اونگاشته معمور بوده وگنبد های پخته واستوارآن خیلی پیش ازآن عصر وجود داشته که در عصر سلطان ابوسعید ترمیمات وتزئیناتی درآن صورت گرفته و تاعصر مانیز این شبستانها وگنبدها محفوظ مانده‌است.

این مسجد دو صحن دارد. باب مسجد درشرق آن در تقاطع سه‌راهی مقابل مزارخواجه نور واقع است درصحن کوچک اول که ازطریق یک‌تاق شمالی به‌صحن دوم وساحهٔ اصلی مسجد میپیوندد چاهی تاریخی وجوددارد که‌آب آن فراون وخوشگوار است وبنا بعقیدهٔ عوام وفولکلور ملی حضرت‌خضر علیه‌السلام آنرا گشوده است.

وآن حکایتی‌است که هنگامیکه اسکندر میخواست شهر هرات را بنیان نهد حضرت‌خضر دستور داد درین محل چاهی بکنند وخاک آنرا دوباره بچاه ریزند اگر خاک کم آمد اینجاشهرنسازندوهرگاه‌خاک کنده شده چاه راپر کرد وزیاد شدشهر رادرین موضع عمارت کنند پس بدستور اسکندر این‌چاه را حفر کردند ووقتی به‌آب رسیدخاک آنرا دوباره بچاه ریختند چاه پرشد ومقدار خاک هم اضافه ماند.پس خضرگفت اینجا را شهرسازند که‌ساکنان

آن سیر چشم و مهمان نواز بارآیند و هیچگاه استعه و مواد غذائی درینجا کمی نکند مگر بندرت و آنهم بخواست الهی.

همچنین بعضی عوام عقیده دارند که درآخرالزمان ازین چاه چندان آب بجوشد که هرات را ویران کند.

صحن دوم که صحن اصلی مسجداست ازغرب بشرق بشکل سریع مستطیل قرارگرفته که درقسمت غربی آب صفهٔ محل اداینماز ومحراب تابستانی واقع است ودرشرق آن با غچه گلهای رنگین پتونی و اطاقهای مخصوص امام و خدام مسجد ومدرسه و درشمال آن ساختمان وضوخانهٔ مجهزی قراردارد که به کمک واهتمام اهل محل ـطرح وآباد گردیده است.

درسمت جنوب این صحن ـشبستانی استعالی ومسجد اصلی بخشت پخته دارای سه گنبد بزرگ برفراز کمانها که درهر جناح نیزسه رواق کمانی دارد و ذریعه سه گنبد بهسبک قدیم پوشانیده وگچ کاری شده. طول این مسجد دوازده متر وعرض آن باتاق‌ها دهمتر وارتفاع گنبدها پنج مترمیبا شد درطرف قبله وغرب ـمحرابی شکوهمند ومنقش ورنگین دارای سقرنس و کتیبه‌هایبه خطوط رنگین اثر طرح وخامه توانای عبدالعلی نقاش ـمعروف هرات درصد سال قبل ـ قرارگرفته است.

درفرازنقوش محراب کلمه لا الا الله محمدرسول الله بخطثلث جلی وآیهٔ مبارکه فنادته الملائکة وهوقائم یصلی فی المحراب بشکل ترنیج بخط ثلث طغرابی نگاشته است ودردو جناح طاق محراباین بیت:

چراغ مسجد ومحراب ومنبر ابوبکر وعمر، عثمان وحیدر

بخط نستعلیق سفید درزمینهٔ لاجوردی منقوش است.

ازرواق وسطی ویسارمحراب بسمت جنوب بابی گشوده است که به گنبد های خلوت «چله‌خانه‌ها»می‌پیوندد وظاهراً ازشبستان مسجد قدامت بیشتری دارد وازجنوب آن باب کوچکی بهخلوت گنبدی دیگری گشوده است که دران صورت دوقبر گچ اندود هم بنظرمیرسد ظاهراً عارفان روزگاران قدیم دران مدفونند.

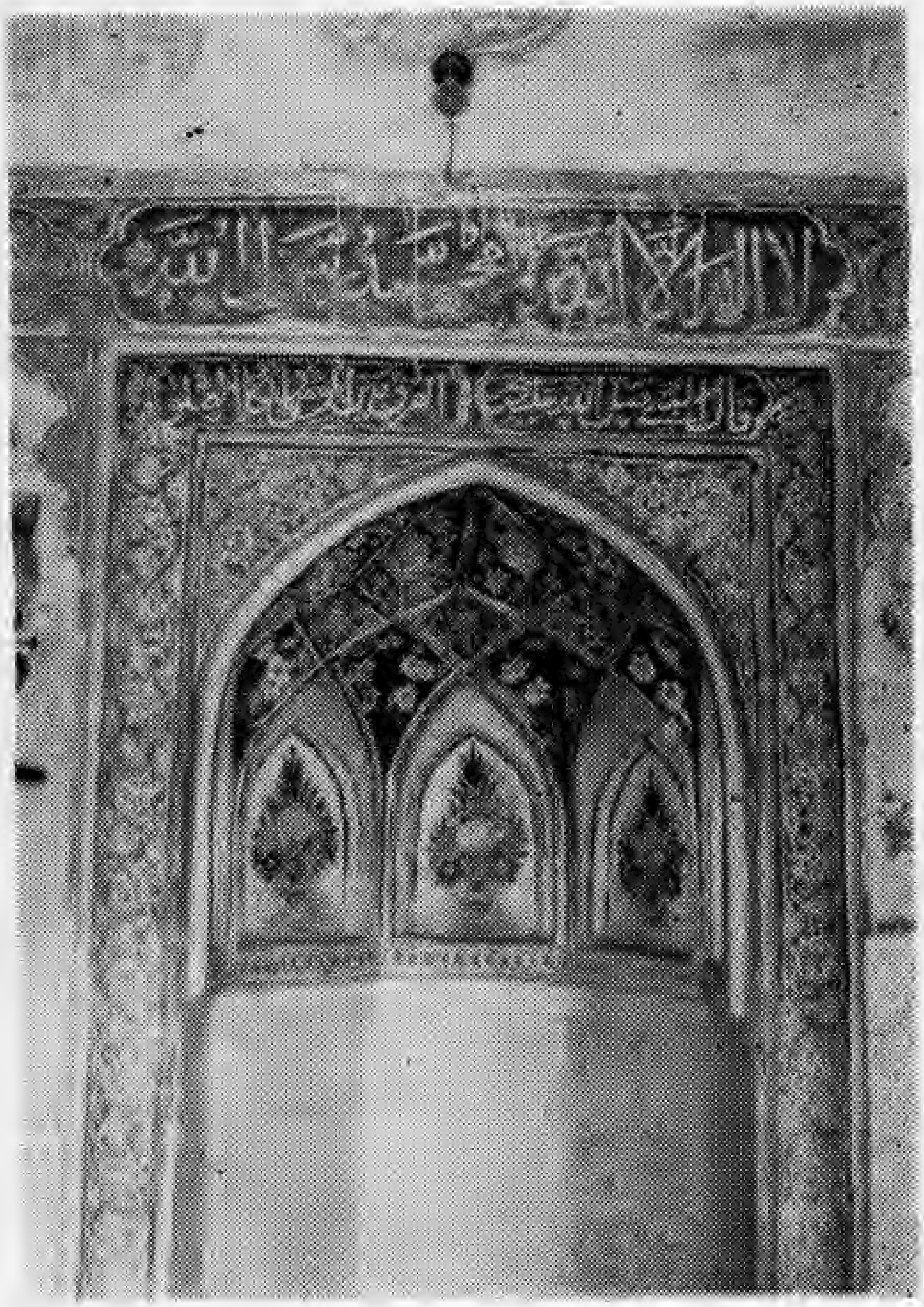
درگوشه جنوب شرقی شبستان مسجد ـچله خانهٔ گنبد دیگری نیز قراردارد که توسط درب یك پله‌ای کوچکی بهمسجد میپیوند د ومعتکفان وچله نشینان دران بهعبادت



دروازۀ عمومی ومدخل مسجد خواجه‌نور
که فراز رواق‌آن اخیراً توسط پروژۀ بین‌المللی
هرات بخطوط ثلث‌عالی، کاشی‌کاری وتزئین
گردیده است .



محراب صفه تابستانی مسجد خواجه‌نور که
اخیراً باکتیبه های ثلث عالی وکاشی معرق
تزئین یافته است .



محراب شبستان مسجد خواجه نور کـه
نقوش و کتیبه های رنگین وعالی آن قـدامت
تاریخی دارد .

و ریاضت بسر میبرند. هر سه چله خانه پاک ونظیف و بعضاً مثل شبستان مسجد مفروش است.

مسجد باصحن ها و تعمیرات باستانی آن درحال موجود ساحهٔ بیش از چارصد متر مربع زمین را فراگرفته که مجموعاً بصورت بیست متر عرض و بیست متر طول واقع شده است.

در اخیر سال ۱۳٦۰ش صفهٔ تا بستانی مسجد توسعه یافته و محراب آن توسط پروژه بین المللی آبدات تاریخی هرات بسبک هنری قدیم با کتیبه های خطوط ثلث عالی ـ کاشی کاری شده و دو جناح فراز محراب هم بانقوش گلبرگهای ظریف و رنگین کاشی معرق تزئین یافته است که نه تنها بر نفاست و زیبائی تعمیر این مسجد باستانی افزوده بلکه برای گنجایش تعداد بیشتر نماز گزاران آماده گردیده است. دروازهٔ عمومی مسجد هم باستونهای مدور و رواق دارای کتیبهٔ خطوط عالی ثلث کاشی ـ زینت یافته است.

مأخذ:

(۱) آریانا دایرة المعارف جلد اول طبع سال ۱۳۲۸ش و جلد چارم طبع سال ۱۳۴۱ش مطبعه دولتی کابل.

(۲) تاریخ مختصر افغانستان از پوهاند حبیبی طبع سال ۱۳۴۹ش مطبعه دولتی کابل.

(۳) مقصد الاقبال تالیف مولانا اصیل الدین واعظ. مطبعه دانش هرات.

(۴) تعلیقات فکری سلجوقی بر رساله مزارات هرات طبع سال ۱۳۴۰ش مطبعه دولتی کابل.

نگارنده: ن. نارقلوف
گزارنده : نامق

زندگی و آثار استاد کمال الدین بهزاد

استاد کمال الدین بهزاد یکی ازچهره های درخشان هنر نقاشی و میناتوری است. که درغرب او را، رافایل شرق و درشرق مانی ثانی لقب داده اند. این لقب از جانب سلطان حسین میرزا بایقرا به وی داده شده است. چنانچه زین الدین محمود واصفی هروی یکی از شخصیتهای ادبی معاصرش دربدایع الوقایع دراین مورد چنین مینگارد:

«پادشاهی ..... (سلطان حسین میرزا بایقرا) ازمیان هنرمندان این صنعت (نقاشی) و سحر آفرینان این حرفت استاد بهزاد نقاش را که مصوران هفت اقلیم سر تسلیم پیش او فرود آورده بودند وصورت دعوی مسلمی را علی العموم بدو سپرده بودند، اختیار

فرموده بود ، او رامانی ثانی لقب نموده ......» .

همچنان به‌قول آی یک‌یکی از نویسنده‌گان معروف‌معاصر او زیبک آثار وی‌از غنایم پرارج کتابخانه های‌معتبر آسیا، اروپا و امریکا به‌شارمیرود . درحقیقت بهزاد از همان چهره‌های نادر و تابناک تاریخ هنر است که نظام الدین امیرعیلشیر نوایی فانی ، وزیر دانشمند وشاعر سلطان حسین میرزا بایقرا در پرورش وکشف استعدادخلاق وی نقش ارزنده وبه سزایی راایفاء نموده است .

استاد کمال الدین بهزاد درسال (۱۴۵۵م مطابق ۸۷۰ ه ق) در یک خانوادهٔ زحمتکش هرات پابه جهان هستی گذاشت بهزاد از کودکی به هنر نقاشی ومیناتوری ذوق و اشتیاق بی‌حدوحصر داشت. امیرعلیشیر نوایی فانی، این وزیر هنردوست وانسانپرور که‌زنده‌گی خویشرا درراه پرورش فقرا ، مساکین وایتام وعمران وآبادی مملکت وقف نموده‌است ابتدأ بهزاد را درپناه خویش جای‌دادوسپس درنزد مولانا میرک نقاش(امیرروح‌الله معروف به کتابدار سلطان حسین میرزا بایقرا) وبه‌قول دیگرنزد پیرسید احمد تبریزی به‌شاگردی گذاشت .بهرصورت بهزاد دردورهٔ امیرعلیشیر نوایی فانی به کمال رسید وبه زودی‌به‌صفت یك نقاش ماهر وچیره دست شهرت فراوان‌به‌دست آورد .

«گرچه استاد هم باشد دراصل شاگرد است»

این گفتهٔ قاموس نویس ومؤرخ مشهورمحمود بن ولی کتابدار در «بحر الاسرار» در بارهٔ مولانا میرک نقاش ، این مفهوم رامرسا ندکه بهزاد درهنر نقاشی ازاستادش هم پیشقدمتر بوده است واستادش دراصل ازجمله شاگردان، او باید باشد.

شعرا وفضلای که‌تحت رهنمایی امیر علیشیر نوایی فانی به کارهای علمی وهنری مبادرت داشتند دوانتخاب موضوع وطرز ایجاد ازنزدیک بااستاد بهزاد همکاری می‌نمودند وآثارویرا که اوبه وجود میاورد مورد نقدوبررسی قرار داده فکر خویشرا برای وی اظهارمیداشتند .

استاد کمال الدین بهزاد ابتدا درکتابخانهٔ امیر علیشیر نوایی فانی کارمیکرد . بهزاد دراینجا به تزئین ونقاشی کتابهای استنساخ شده‌مصروف بود . آثاریکه استاد بهزاد درمرحله جوانی آفریده است ،ازنظر ساختارهنری ـ پرشور، مرکب‌ودلچسپ‌میباشند.

در این آثار گرانبهاعشق وعلاقهٔ فراوان وسرشار او بهزنده‌گی ،به‌طبیعت ،به‌محیط زیست و به‌تغییر دلخواه آن ، کاملاً زنده و زیبا انعکاس یافته است. بهزاد طبیعت‌را به شکل زنده، جاندار، منظم و دلچسپ و دلکش ترسیم میدارد.

آثار ابتکاریرا که استاد بهزاد درکتابخانهٔ نظام الدین امیرعلی شیرنوایی فانی به‌اکمال رسانیده عبارت ازتصویر هایی است که‌در دستنویسهای کتاب «بوستان» و «گلستان»سعدی، «خمسه» نظامی و آثاری مانند «ظفر نامه» شرف الدین علی‌یزدی رسم کرده است. (١)

دانشمندانیکه درقسمت هنر عصر تیموری هرات آشنائی کامل دارند وکسانیکه‌در این باره صاحب نظر صائب اند،زیبایی و هنرمندانه بودن نقاشیهای مانند «بهار درویشان» و «سعدی وجوان قشقر» اورا تأکید کرده اند.

میناتورهای که‌استاد کمال الدین بهزاد درداستانهای امیرعلیشیر نوایی فانی کشیده است‌نماینده‌گی ازفکر عمیق و پیشآهنگ‌اومینماید، زیرا؛ همه‌اینهاباروح انساندوستی خلق‌شده است

هنرمندی وتبارز استعداد خلاق استاد کمال الدین بهزاد درهنر نقاشی ، سلطان حسین میرزا بایقرا رابه آن وداشت که او رابه‌حیث آمرکتابخانهٔ خویش تعیین نماید.میرخواند متن این فرمانرا در«نامهٔ نامی» خویش نیز آورده‌است (٢)

بهزادآثارابتکاری‌ومشهورخویشرا درکتابخانهٔ سلطان حسین میرزا بایقرا به وجود آورده است . درمورد هنرمندی وچیره دستی استاد کمال الدین بهزاد حامی واقعی ودلسوزوی امیرعلیشیرنوایی فانی همدرآثارخویش مانند«فرقنامه» وداستان

(١) نظربه‌شهرتی که‌استادبهزادداشت‌طی‌اضافه‌ترازپنج‌قرن‌اشخاص‌بسیاری‌ازکارهای‌وی‌تقلید کرده ونام‌اورابرتصاویربیشماری‌گذاشته‌اند.ازاین‌جهت‌سره‌کردن‌کارهای اصلی‌اوازکاردیگران مشکل به‌نظرمیرسدباآنهم‌صاحب نظران،تصویرهایی‌راکه در نسخه« بوستان »سعدی بامضای اصلی اونقش شده است از جملهٔ کارهای اصیل‌او به شمار می آورند.

(٢)متن‌این‌فرمان در«نامهٔ نامی»میرخواند‌درج‌است این‌اثرگرانبهاتاهنوزد رمطبوعات‌کشوربه زیورطبع‌آراسته نگردیده ونسخهٔ قلمی‌آن‌در آرشیف ملی‌موجود میباشد. متأسفانه موفق به‌دریافت آن نگردیدم .«گزارنده»

«لیلی و مجنون» به افتخار تام تأکید ورزیده‌است

فمارتین یکی از هنرشناسان سویدی، استاد کمال الدین بهزاد را در اتاق کارش یعنی جاییکه درچارباغ سلطان حسین میرزا بایقرا برایش ساخته بودند، چنین ترسیم میکند:

«آفتاب شرق حجرهٔ نشیمن بهزاد را غرق در نور کرده است، در ینجا بهزاد روی لوحه پستی نقاشیش خم شده درحال ایجاد تصویر میباشد، قطیچهٔ سامان کارش باتمام وسایل ضروری برای ایجاد شهکارهایش حاضر و آماده است. آثاریرا که بهزاد درآنعصر باوجود محدودیتهای که درساحه کارش وجود داشت، آفریده است، اگر درکارگاههای نقاشی همانعصر اروپا «قرن پانزدهم» وبه‌ویژه نقاشان ایتالیا و نیدرلند می‌آفریدند دور از امکان نبود. زیرا آن شرایط و امکانات مساعدیکه در همانعصر برای نقاشان اروپا درساحهٔ کارشان از هرنگاه میسر گردیده بود ، برای بهزاد مهیا نبود حجرهٔ کاروی بسیارساده دیوارهای اطراف حجرهٔ نشیمن آن بامرمر سفید پوش شده‌و باخطاطیهای خطاطان چیره‌دست وماهر مشرقزمین مزین گردیده بود. صحن اتاق کارش بوریافرش‌شده وروی گلیمی که دریک گوشهٔ اتاقش هموارگردیده بود چند بالشت و لحافچه برای مهمانان وعزیزانش گذاشته‌شده بود. دراطراف اطاقش باغی بوده و در بین آن‌حوض پراز آب زلال. ودورتر از آن درختها وگلها وشفتالوهای پخته شده و بته‌های تاک باخوشه های آویزان مروارید رنگ انگوردربین برگهای سبز دیده میشد. درگرداگرد حجره، گلهای عطر آگین و رنگارنگی جابه جاشده بود که به‌هزاران نوع به نظر میرسید بهزاد درچنین یک محیطی‌نشسته قلم مو به دست گرفته نقاشی میکرد. قلم موی نازک را نه سابق ونه‌هم بعدها هیچ یکی از نقاشان به‌هنرمندی وچیره دستی بهزاد، نتوانسته است به‌کاربیند ازد و به‌کارهم انداخته نمی تواند.»

بزرگترین شهکار استاد کمال‌الدین بهزاد عبارت است از نقاشی‌های که درنسخه «بوستان» سعدی رسم کرده‌است. این نسخه درحال حاضر درموزیم اسلامی «قاهره» مخزون میباشد. اثر مزبور برای سلطان حسین میرزا بایقرا ازطرف سلطان علي کاتب «مشهدي» درسال (۱۴۸۸م مطابق ۹۰۸ هق) استنساخ شده است.

درسال (۱۹۰۰م مطابق ۱۳۷۹ هق)، «کتاب تصاویر مکتب بهزاد» تألیف داکتر محمود مصطفی «مدیر موزیم هنراسلامی مصر» دربارهٔ نسخهٔ دستنویس «بوستان» سعدی به‌نشر رسید. دراین کتاب نمونه های ازنسخه های رنگین تصاویر نیزعلاوه‌گردیده است. از جملهٔ شش تصویری که به‌قلم استاد بهزاد منسوب شده، دو قطعه آن با مضمون «بوستان‌سعدی» هما هنگ نبوده مربوط است به حیات شخصی سلطان حسین میرزابا یقرا، یعنی اولی‌آن باضیافتی که درباغ سلطان حسین میرزا با یقرا ترتیب شده ودومی بابزم موسیقی که‌در حضور وی دایر گردیده است ارتباط پیدا میکنند. ازاین موضوع معلوم میگردد که‌بهزاد پورتریت علیحدهٔ سلطان حسین میرزا بایقرا را هم ترسیم کرده‌است. در تصویری که دردستنویس کتاب «بوستان» سعدی جاداده شده است، صورت وی باپورتریت‌مشابهت تام بهم میرساند.

استاد کمال الدین بهزاد پورتریتهای امیر علیشیر نوایی فانی، شیبانی‌خان، مولانا عبدالرحمن جامی وعبد الله هاتفی وشاه اسمعیل صفوی‌را هم رسم کرده است. قرار معلوم بهزاد درمیناتورها ونقاشیها وخلاصه درهریک ازآثارگرانبهایش سیمای معاصرانش را انعکاس میداده است. این موضوع ازطرف بسیاری ازهنرشناسان وبه ویژه مورخان هم عصرش نیز ضبط گردیده است.

تصاویر دیگر دستنویس «بوستان» سعدی منظره‌های «دارا وگله بانان»، «مسجد ودرسخانه‌فقه ها» وقصهٔ «عشق یوسف وزلیخا» راباز گومیکنند تصویر ملاقات «داراباگله بانان» درتاریخ هنر نقاشی شرق یگانه تصویر زنده یی‌است که‌از حیات زحمتکشان شرق درآنعصر به‌دست مارسیده‌است. دراین تصویر، دارا به‌شکار می برآید، در اثنای شکار راه را گم میکند، دراین موقع یکی ازگله بانان را می‌بیند که به‌طرف اومی‌آید دارا میخواهد اورا باسلاح دست داشته خویش هدف قرارداده ازبین بردارد. بهزاد این صحنه را باگیرایی استادانه و هنرمندانه رسم کرده است. درمرکز این تصویر سیمای گله‌بان تجربه کار وورزیده قامت رسا وموزون نسبت به شکوه وجلال پادشاه جوان باهیبت وصلابت به شکل معنی دار رسم‌شده است. ترسیم مناظر به شیوهٔ شاعرانه، انتخاب سوژه ومضمون وشرح مناسب هر تصویر ازشیوه‌های به‌خصوص استادانه‌و هنرمندانهٔ‌بهزاد است ودرآثار هنری

ماقبل او دیده نمی‌شود . بهزاد دراین اثر خویش انسان یعنی این موجود گرانبهای طبیعت را با تیغه های کوه ها، ارچه زارها ،مرغزارهای سرسبز ،جویبارهای دارای آب زلال ،اسپان‌سره‌وخوش‌نسل بصورت‌زنده‌و برجسته و زیبا و دلکش رسم کرده است .

تصویر طبیعت با مناظر زیبای آن ازنظر منظره نگاری که‌بی کم وکاست به‌شیوه عالی بدیعی به‌قلم استاد بهزاد ترسیم شده است، دلیل‌روشنیست بر هنرمندی بهزاد در سبک ریالیزم .

درمنظرهٔ « مسجد ودرسخانه فقه‌ها »بهزاد جوانب هنرمعماری عصرخویشرا به‌صورت ماهرانه ،استادانه و هنرمندانه نشان داده است. پیشتاقهای جداکنندهٔ مسجد و صحن‌آن بانقشهای بس‌عجیب وزیباتزئین‌شده‌است،اطراف‌پیشتاقهابدون‌اینکه قطع‌شوددربین‌حاشیه‌های‌دراز بانقاشیهای کتاب برگشتانده،مزین شده‌است .خطاطی این کتاب‌باامضای هنرمند به‌پایان میرسد ! (عبدعمل بهزاد فی سنته ثمانیه اربعه وتسعمائه۸۹۴هق مطابق ۱۴۷۸م).

ازاین تاریخ معلوم میشود که تصاویر دستنویس مزبورپس ازگذشت یکسال‌از استنساخ‌آن به‌وجود آمده است، صفحاتی‌راکه دراین دستنویس خطاطان به‌صورت سفید باقی گذاشته بودند رسام پسانها به‌رسمهای مناسب و زیبا پرکرده‌است.

دراین تصاویر انسان با هنرهای زیبای آن به‌صورت زنده و برجسته نشان داده‌شده است که‌به‌کار بهزاد اعتباری خاص میبخشد .دربین مسجد دوعالم درحال مذاکره‌دیده میشوند، مقابل ایشان کتابهای آنان گذاشته شده است .دربین تصویر، درخت پرشگوفه‌و باغیکه با انواع گلها مزین شده است به‌ملاحظه میرسد. درصحن باغ،شیخ 'پیری قرارگرفته درپهلوی آن کتابهایش دیده‌میشود .درتصویر مذکور، اسلوب معماری به‌طرزعالی، بادیوارها و پیشتاقهای کاشی کاری شده و نقشها وگلهای زیبا به‌صورت جذاب وجاندار انعکاس یافته‌است.

ازجملهٔ شاهکارهای دیگر استاد کمال الدین بهزاد میتوان ازنسخه‌های دستنویس «خمسه» نظامی که‌دربین سنوات (۱۴۴۲م مطابق ۸۶۲هق)و (۱۴۹۴مطابق ۹۱۴هق) استنساخ شده است ودرحال حاضر درموزیم لندن مخزون میباشد، نام برد.

تصاویر ملاقات «خسرو وشیرین» ، «بهرام گورواژدها» ،«سکندرو هفت دزد»

مربوط به‌دستنویسهای مزبور، سزاوار دقت خاصی میباشد. این تصاویر ازاستعداد خلاق وسرشار بهزاد وفکر رسا وموشگاف وکشاف آن حکایت میکند.

دانشمندان و هنرشناسان اروپا تصاویری را که‌استاد کمال الدین بهزاد درظفرنامهٔ شرف الدین علی یزدی (وفات ۱۴۵۴ م مطابق ۸۷۴ هق) رسم کرده حاوی ارزش‌هنری زیادی میدانند. دستنویس مذکور را درسال (۱۴۶۷م‌مطابق ۸۸۷ هق)شیرعلی خطاط معروف هرات استنساخ کرده است. استاد بهزاد وشاگردانش برای خزانهٔ سلطان حسین میرزا بایقراء دوازده تصویر زیبا آفریده اند. ودرصفحهٔ (٦۹) این دستنویس دستخط یاامضای نورالدین محمد جهانگیر امپراطور مغول هندوستان دیده میشود. جهانگیر درآن یادگار زیر را نگاشته‌است:

«مانند این هشت تصویر به‌قلم استاد بهزاد رسم شده است، کتاب از بابایم همایون به‌من میراث مانده است. روزیکه به تخت نشستم این‌را تحریر نمودم جهانگیر بن‌اکبر» این نسخهٔ «ظفرنامه» درحال حاضر درکتابخانه دانشگاه خاپکین بلیتمار مخزون است.

دانشمندامریکایی ر-ایتس گراوزین درمقاله‌یی که درکتاب «قاموس اسلام »خویش نگاشته است، ازبه وجود آمدن تمام تصاویر نسخه مذکور به‌قلم بهزاد وایجاد آن در مراحل اول زنده‌گی هنرمندیادآور میشود.

درسال (۱۹۳۰م‌مطابق ۱۳۰۵هق) توماس‌آرنولدعالم هنرشناس انگلیسی تصاویری‌را که‌در دستنویس «ظفرنامه» جاداده شده بود، به‌صورت کتاب علیحده به‌زیور طبع پوشانید. دراین کتاب عالم مزبور درمورد تصاویری که به‌قلم بهزاد درکتاب مذکور کارشده است دادسخن داده براستادی و هنرمندی استاد بهزاد درترسیم مناظر طبیعی‌به صورت زنده وجاندار وبرتری وچیره دستی آن نسبت به‌سایر نقاشان معاصرش ،اعتراف میکند. خواهرزادهٔ نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معاصر استاد بهزاد ودوستش عبدالله هاتفی که‌ازجمله شعرای معروف آنعصر به‌شمارمیرود (وفات ۱۵۲۱ م مطابق ۹۲۷ هق) نیز وقتی که «ظفرنامه» را به‌نظم میکشیده است ازتصاویری که‌به‌قلم استاد بهزاد کارشده بودبه شور وهیجان آمده باغرور تام چنین میگوید:

نگارنده نقاش بهزاد ست.

سر پرسخن را چنین نقش‌بست

تصاویر این دستنویس به‌وقایع مختلف تاریخی ، صحنه های جنگ ، مراسم عروسی وعروج هنر وصنعت معماری در سمرقند اختصاص یافته است.

در این تصاویر اقشار مختلف اجتماع ، معماران ،جنگجویان، باغبانان ، اربابان هنر وصنعت باعشق وعلاقه ومحبت بیشتر ترسیم گردیده اند.

اگر آفریده های هنری اوایل قرن شانزدهم میلادی مطابق قرن دهم هجری قمری استاد بهزاد را مورد تحلیل وبررسی قرار دهیم دراین عصر ، مایوسی روحی درون گرایی عمیق وغلبهٔ فلسفه گرایی را درافکار بهزاد می‌توانیم به صورت آشکار مشاهده نماییم .

جنگ وجدلهای خانوادهٔ تیموریان هرات درمیان خویش ، بروضع خراسان تأثیر سوء نموده وضع زندگی مردم روز به‌روز به‌وخامت گرایید . پس ازوفات امیر علیشیر نوایی‌فانی‌رونق‌بازار مملکت‌سلطان حسین‌میرزا بایقرا رخت‌بربست‌واعتبار اهل هنر وفرهنگ ازبین رفت .

ظهیرالدین محمد بابر که درسالهای (١٥٠٥ م-١٥٠٦ م مطابق ٩٢٥ هق - ٩٢٦ هق) اوضاع هرات را ازنزدیک مشاهده کرده است ، دراین باره در« تزک» بابری خویش چنین یادآورمیشود :

«پسران وجمیع سپاهی وشهری او (سلطان حسین میرزا بایقرا)را این حال بود ، افراط عیش وفسق میکردند .....»

این حوادث ووقایع بر زندگی زحمتکشان وهنر ،هنرمند همنفس باحوادث زمان- تأثیر زیاد گذاشت درآثاربهزاد کاربردرنگ زعفران نسبت به دیگر رنگها بیشتر شد.در تصویر چمنزارهای سرسبز وخرم وگلهادوبته‌های رنگارنگ وزیبا ومناظر دلکش طبیعت،جای خویشرا به‌تصویر درختهای خزان زده بابرگهای زرد ومتمایل به‌سرخ داده وترسیم سیماهای مأیوس وغمدیده جاگزین چهره‌های شاد وخندان گردیدو این کار رفته رفته درکارش اساس قرارگرفت ، به ویژه تصویر «لیلی ومجنون درخانه» که‌از جمله میناتورهای کارشده درنسخه داستان «لیلی ومجنون » امیرخسرو دهلوی ودرحال حاضر درکتابخانهٔ دولتی لنین گراد مخزون میباشد ،گواه روشنیست بر این‌ادعا.

درسال (۱۵۰۷م مطابق ۹۲۷ هق) که خراسان زمین بدست خاندان سیستانی می‌افتد بهزاد هم به بخارا سفر میکند. پس از آنکه درسال (۱۵۱۰م مطابق ۹۳۰ هق) هرات از دست خاندان شیبانی توسط شاه اسمعیل اول صفوی شاه ایران آزاد میگردد بهزاد به تبریز برده میشود ـ بسیاری از علمای هنرشناس روی عقیده فوق پافشاری مینمودند لیکن ایج تحقیقهای علمی سالهای پسان ک. کریموف دانشمند آذربایجانی و ارنست گروبی دانشمند انگلیسی عقیدهٔ مزبور را تا اندازهٔ روشن ساخت. از جملهٔ ارنست گروبی در یک اثر خویش که به‌نام «اسلوب کلاسیک در هنر اسلامی» یادمیشود ،نمونه‌های از هنر نقاشی (اوایل قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی مطابق قرن نهم و دهم هجری قمری) بخارا، سمرقند و هرات راازنظر علمی تحلیل نموده است و قضیهٔ بودن بهزاد را تاسال (۱۵۲۲ م مطابق ۹۴۲ هق) در بخارا تایید میدارد.

از جمله کارهای هنری که بهزاد در بخارا انجام داده است صرف پورتریت شیبانی خان که در بین سالهای (۱۵۱۰-۱۵۲۰ مطابق ۹۳۰ هق و ۹۴۰ هق) کارشده و تصاویری که در «بوستان» سعدی رسم کرده است به‌دسترس ماقرار دارد.

درسال (۱۵۲۲ م مطابق ۹۴۲ هق) بهزاد به ریاست کتابخانهٔ سلطنتی شاه اسماعیل اول صفوی منصوب میگردد البته یگانه چیزی که در بردن بهزاد به تبریز گواهی میدهد پورتریت عبدالله هاتفی هروی دوست وی است که در لباس صفوی رسم شده است .قرارمعلوم بهزاد در تبریز مصؤن وآرام نبوده است.

درسال (۱۵۲۵ میلادی) بهزاد منظرهٔ «دوشتر درحال جنگ» رادرفصل بهار باکار برد رنگهای مرکب (گرم) وتصویر «مرد مسن وجوان» رابه وجود می‌آورد. این دو اثر بهزاد بافلسفهٔ نهایت عمیق و مضمون عالی و بکر به‌صورت ماهرانه ترسیم شده است

ازقرارمعلوم بهزاد بعضی اوقات رسمهای مضحک هجوی ،طنزی و کاریکاتور هم میکشیده است. دراین قسمت زین الدین محمود و اصفی در بدایع الوقایع خویش چنین میاورد:

«...هرگاه که این پادشاه عالیجاه (سلطان حسین میرزا بایقرا) را غمی یاالمی پیرامون خاطرگردیدی وغبار قبض بر مرآت ضمیرمنیر رسیدی،استاد مشارالیه صورتی براقلیمی یرا نگیختی و پیکری برآمیختی که بمجرد نگاه کردن حضرت پادشاه دروی ، آیینهٔ طبعش اززنگ کدورت و صفحهٔ خاطرش ازنقوش کلفت في الحال متجلي گشتي و جناب استاد ما هر الاصناف، همواره

صورت مختلفه ونقوش متنوعه باخود همراه داشتی که بوقت حاجت به کار بردی ...

درحال حاضر، هنرشناسان نزدیک به‌صد اثر دستنویس والبوم وسایرانواع آثاریرا که استاد بهزاد به‌طرز هایی دیگر به قلم توانا وسحر آمیزش آفریده است واضح و روشن کرده‌اند.

نظر به معلومات معاصرینش استاد بهزاد (۹۴۲ هق مطابق ۱۵۳۶م) در هرات دعوت اجل را لبیک گفته است. دراین باب مصرع «نظرافگن به خاک قبر بهزاد» که شاعری به‌نام دوست‌ها شمی سروده‌است، نیز موجود می‌باشد.

آفریده های هنری بهزاد وآثار نایاب آن دارای اهمیت بزرگ علمی واستیتیک است شاگردان مکتب بهزاد میراث گرانبهای اورا درممالک مختلفه آسیای میانه و هندوستان وبه ویژه‌در میهن گرامیش دنبال نموده مکاتب مستقل هنر نقاشی ومیناتورکاریرا به‌وجود آورده‌اند .

چنانچه مشعل های‌دیرپاوجاویداین هنرنفیس وانسانی را تا امروزاستاد مشعل هروی‌درهرات‌داستان فروزان‌نگهداشته‌وشاگردان زیادیرا دراین فن تربیه‌نموده‌وبه خدمت‌جامعه گماشته‌است.

مآخذ:

بابر، ظهرالدین محمد .بابرنامه ، ترجمه بیرم خان خانخان،چاپ بمبیی بکوشش میرزا محمدشیرازی ، ۱۳۰۸ ص ۱۰۳، ۱۰۹ و ۱۱۵

دهخدا ، علی اکبر «لغت نامه» جلد۹ زیرنظر داکترمحمد معین و داکتر سید جعفر شهیدی ،دیماه ، ۱۳۵۰ هش، چاپخانه سازمان چاپ دانشگاه تهران ص ص ۳۲۳ و ۳۲۴ .

فن وتورسوش (مجلهٔ دانش و زنده‌گی) نشریهٔ ماهانهٔ اکادمی علوم اوزبکستان شوروی شمارهٔ هشت سال ۱۹۸۱ ص۸و۹و۳۳. مصاحب ،غلام محسن. دایرةالمعارف فارسی ص ص ۳۷۸، ۳۷۹/ میرخواند ،محمدبن خاوندشاه بن‌محمود. تاریخ حبیب السیر ،جلد چهارم ،زیرنظر داکترمحمد دبیرسیاقی از انتشارات کتابفروشی خیام ص ۳۶۲.

واصفی ،زین الدین محمود .بدایع لوقایع ،جلد دوم ،تصحیح الکساندر بلدروف ،بنیاد فرهنگ ایران ،ص ۳۵۴و ۳۱۹و ۱۳۵۰ .

لیکونکی: ارنست گروپ
ژباړونکی : عتیق زوی

په مرکزي آسیاکښې د تیموریانو د عصر تزئیني (ښکلي) هنر

=۳-

د ډیر بیارزښته فلزات او قیمتي شئي ديری :

دتیمو ريانو دعصر جو اهر ات او کاني دنو رو دو رو باا رزښته **اصلي او حقيقي جو اهر اتي** په ډلی څخه شمیر ل شویدی **مګر** په دی عصر کښې یو شمیر زیات طلايي، نقره یي **قیمتي او نیمه قیمتي** ډبرو څخه ډیر ښکلي باارزښته او راز، راز آثار هم جوړ شو یدی چه تر او سه ددی آثارو ساري نه دی لیدل شوی داځکه چه د تیمو ريانو دعصر هنر دپخوانی او و روستني دو رو دهنر په پر تله خو را ډیر ښکلي او پرمخ تللی هنر بلل شو يدی په حقيقت کښې هغه آثار لکه پطنوسو نه پيالي، صراحی دشر ابو او داو بو بوتلو، رسمو نه یاانځو رګری چه دتیمو ريانو دعصر د هنر په خير او سبک رنګ کړی شوي باید وویل شي چه دغه رنګه آمیزی دنو موړی آثار و پرمخ په طلایي رنګ ښکلي کړی شوی. ځینی دغه آثار له قیمتي فلز اتو لکه طلا او نقره څخه

جوړ شو یدی او هم امکان لري چه ددغو آثار و ځینی نمو نی او ډو لو نه دتیمو ر یانو په عصر کښې جوړ شوی وی چه دا حقیقت د هغو تا ر یخی لیکنو له مخی ثابت او تاییدشو یدی چه دتیمو ریانو د د ر بار یا نو له خوا ایکل شوی او لاس ته را غلی دی . مگر یو ازی یو متی آثار چه تر او سه ز مو ږ لاس ته را غلی او هغه ښه پیژ ندل شوی او څیړ ل شو یدی چه د هغو په مر سته به مو ږ و کړای شو ددی دوری د هنر په هکله ستر معلو مات تر لا سه کړ و . او یو ازی په او سنی و خت کښې ددی امکان شته چه نور آثار هم ښه و پیژ نو چه هغه آثار مه تر اشل شوی قیمتی ډبر و څخه جوړ شو یدی دغه د قیمتی ډبر و آثار هم دتیمو ر یانو د عصر د هنر نمو نی او خو ر ا ښکلی جو ړ و نی دی (د پندر و پلسن ایکنه).

همدار نگه دتیمو ر یا نو دو خت دوه کو چنی نقره ای یاد سپینو ز ر و بنگړ ی (چوړی) لاس ته ر اغلی دی چه نوسو ړی ښکلی با ا ر ز ښته بنگړی د نیو یا رک د تیرو بولیتن د آ رت او هنر په موزیم کښې مو جو ددی ، دغه ښکلی بنگړی چه د تیمو ر یانو دعصر یو ه ښکلی او با ا ر زښته هنری اثر دی خو له بده مر غه دغه اثر ز مو ژ په لاس کښې نشته چه دسیمه ا یز ه خلکو له خوا خورا په ډیر تیټه بیه خرخ شو یدی او له بلی خو ا دغه دوه نقره ا ی بنگړی دو سره ښکلی جوړ شوی چه دتیمو ر یانو دعصر دنو ر و آثار و په پر تله دمقا یسی وړ نه دی او د جو ړ و نی دسبک له پلوه ساری نه لری دغه بنگړی بیضوی شکل لری او د بنگړ و سر و نه نه دی نښلو ل شوی او د هغو دسر و پای دښاما ر انو په څیر جو ړ شوی دی .

په همدی شان ددی بنگړو په بهر نی خو ا کښې یو مستطیل چو کاټ لیدل کیږی چه ددی چو کاټ په مینځ کښې یو ه کتیبه کیندل شوی او په همدی ډ و ل دنو سو ړی بنگړ و په یو ه اړ خ کښې دخر ما یاد سر و دو نی شکل لیدل کیږی .

د کتیبی ، ښاما ر انو او دسر و شکلو مینځ یو ه کو چنی بیضوی نښان یاسد ال ته ځای و ر کړ شوی چه دغه مدال دخر ما یاد سر و په دوه و نو با ندی ښکلی کړی شوی او د خر ما و نی دچاپیا په څیر یو دبل په سر ښو دل شو یدی . په دی بنگړ و کښې دښا ما ر انو سر و نه دو مره ښکلی په مهارت او خو ر ا ښه سبک جو ړ شوی چه دښا ما ر انو غو لو نکی غو چی یاژ و ری ستر گی ، بر جسته غا ښو نه په خلا صه خو له کښې ، لو ړ پر یکړی شوی و ر ږ (یال) سر ه چه دجو ړ و نکی ذو ق او د

هنر خاص سبک ښئی شو دل شو یدی‌چه داهو ل آثار بی ساری بلل شو یدی. دښاما ر دسر څخه دتیمو ر یانو دعصر پەځینو باار زښته آثار و کښې زیاته استفاده و رڅخه‌شو یده. همدارنگه‌د طلا پەیوه گو ته چه‌اوس نو موړی گو ته دنیو یار ک دهنر پە مو ز یم کښې مو جو دده د (گ و ب‌لیکنه۹۶مخ ۶۱۰شکل)پەځینی قیمتی ډبر و لکه جک ،پیالو او څو کو چنی‌بر و نز ی صر احی گانو چه ددی مقالی پەدو همه بر خه کښې یادو نه شو یده ،پەدی آثار و کښې دښاما ر انو او نو ر و شیانو څخه دلاښکلا لپاره و رڅخه استفاد ه شو یده . پە ځینی دغو تر اشل شوی‌قیمی ډبر ین آثا ر وکښې دالغ بیگ نو م او دهغه لقب گو ر گانی ایکل شویدی‌چەنو موړی شهز اده پە۱۷م کال کښې پەپو رتنی نوم اولقب یاد شو یدی او هغه دانو م‌ځانته‌تیا کلی وه‌چه پەهمدی و خت کښې سو ږ دهغه دقدرت تار یخ تیا کلی شو چەا لغ بیگ‌پە ۱۴۴۹ کال کښې سر شو.دقیمتی ډبر و دآثار و لەډلی څخه ډ یرښکلی او باارزښته اثر دسپینی ډبری یو صر احی دی چه هغه دگل بنگیا ن پە کلکسیو ن کښې د(گر و ب لیکنه۱۳۵مخ ۷۵ شکل) ایښو دل شوی .پەهمدی شان یوشمیر نو ر کو چنی ډبر ین آثار لکه دقیمتی ډبر و څخه بیضوی شکله کاسی،جامو نه او ځینی داو بو جگو نه‌لاس‌ته‌را غلی دی چه‌ددغو لو ښو لاستی‌دښاما ر انو پەڅیر و ښکلی شوی‌چه‌هغه دالغ‌بیگ له جگ سرەو رته و الی لری‌کوم چه هغه جگ‌اوس‌د پر تگال دلز بن پەسو ز یم کښې ایښو دل‌شو یدی، همدا رنگه داو بو یو کو چنی شین رنگه صر احی چەدهغه خاوند ساته نەپیژ ندونکی دی د(بر لنگتن مجله‌در یمه‌گڼه۱۹۲۸ کال ۱۹مخ) داوبو نو سوړی صر احی د شکل دجو ړو نی لەکبله او همد ارنگه دصر احی‌دلاستی پای دښاما ر دشکل پەڅیرجو ړشو یدی.د لز بن دالغ بیگ او فلزی کو چینی صر احی چەدسلطان حسین بایقر اپه عصر کښې جو ړشوی وی پو ره و رته وا لی او شباهت لری.نو سو ړی شین دبرین صراحی کتیبه او تز یین نه لری. همدار نگه دوه تیاره شنی قیمتی‌ډبر ینی پیالی‌چه‌یوه یي پەلند ن کښې او بله یي پە تهر ان کښې مو جو ددی نو مو ړی دو اړه پیالی دصر احی‌پەشان کتیبه او تز یین نەلری مگر ددی پیالو لاستی یو ازی دښامار انو پەسر و ښکلی شو یدی‌د دی پیالو دجو ړو نی دسبک څخەداسی معلومیږی چەداپیالی هم‌ددی دو ری جو ړو نی دی.

یو بل کو چنی شي‌یاپه بل عبارت یه کو چنی خنجر لاس ته‌ر اغلی وی چه نو سوړی‌خنجر پەیوەشنه قیمتی ډبره باندی تر اشل شوی چه داخنجر ډ یرښکلی جو ړشو یدی‌چه ددی‌خنجر

لاستی هم دښامار پهسرسزین اوسینگارشویدی داانږ سوژته هغه آثار را په یا دوی کوم چه هغه آثار اوس زموږ پهلاس کښی نشته او هغه دنیویا رک په مرکزی سوزیم کښی دښودنی لپاره ایښودل شویدی دنیو یارک د نوموږی آثارو دلاستی پایدښامارانو پهسرو باندی ښکلی کړی شویدی چهدغه آثار دجوړونی دسبک اوسینگار له پلوه دخنجر سرهنږدی ورتهوالی او شباهت لری .یوازی دځینی اړخونوله پلوه یو بل سره تو پیرنهلری چه هغه اړخونه ډیر دبحث او یادونی وړنه ده.

همدا رنګه څو کټ ستړ آثارچه دنورو آثار ولهډلی څخه مشخص او خاص شکل لری چه دهغو پهکلهپخوایادونه همشویده او دااثر خورا ډیر ښکلی او ناب اثر بلل شوی چه هغه نقره یي بنگړیدیچه پهدی بنگړ و کښی دښامار دسرخیری لیدل کیږیاو دغه بنگړی دشکل او جوړونیلهپلوه دنیو یارک دموزیم دهمدی دوری دطلایی کوتی سره یوشان دی.

کهڅههم دغه ډول تیول آثار دجوړونی طرز او دهنر سبک لهپلوه جوته شوهچه داډول آثار دتیموریانو دعصر آثاردی ، داته داسی سوال پیدا کیږیچهآیانوموړی ښکلی آثارد تیموریانو دعصر داغ بیک ددوری خاص آثار دی او که دتیموریانو دعصرد کومبلپاچا ددوری آثاردی؟چهله بده مرغه دیسوال ته تر اوسه ځواب نهدی ورکړشوی مگر یوازی دومره باید اضافه شیچه دغه ډول جوړونی دالغ بیکدپلچا هی دهنر په خیر دی ځکهد تیموریانو دعصرهنر دالغ بیک دپاچاییپهوخت کښی خورا ښه پرمختتک اوده کړی وه.

هغه سلیقه ،ذوق او ښکلا چه د شنی قیمتی ډبری پهترا شلو او نورډول قیمتی ډبرو کښی پهکاروړلشوی وی دتیموریانو دوروستنی عصر دهنر نمونی دی یعنی دقیمتی ډبرو څخه راز، رازاستفاده پهتیموریانو دوروستنی عصر کښی کا، ور څخه اخیستل شوی چهددغه ډبرو دجوړونی، ډول ډول یوشمیر نمونی چه هغه دشنی ډبری او نیمه قیمتی ډبروڅخهد لاس تهرا غلی او په ځینی دغو آثا رو کښی د بهبود کلمه 'یکل شوی دی ، یوله دغوتوتو څخه دعقیق یو کوچنی جام دی چهپهد یجام کښی دسلطان حسین بایقرا نوم لیکل شوی او د جوړونی کال یي ۸۷۶ هجری کال چه دعیسوی کال له ۱۴۷۱- ۱۴۷۲ سره سمون خوری ، نوموړیجام نیمه کروی شکل لری ا و همدا رنګه دهغه لاستی دښامار څیره نهلری. غه جام یوباارزښته اثر دی ځکه چهد یوی دوری ددود او دستور څخه نمایندگی کوی .

دیوه ډله لرغون پوهانو له خوا بهبود د کلمې په هکله داسې نظر ورکړ شوی چه بهبود دسلطان حسین بایقرا د دربار دیوه نومیالي درباري نوم وه چه هغه ابوطالب بهبود نومیده ځکه ابوطالب بهبود دسلطان حسین بایقرا نومیالي درباري وه . دنومیالي ، ګران او منلي درباري نوم لیکلی په یوه باارزښته لوښي باندې تقلیدي بڼه لري ځکه په یوه سپین او شنه چینایي نخې توکر باندې چه هغه دار دابل دزیارت دنورو آثارو په ډله کښې ایښود ل شوی په دې نخې توکر باندې دبهرامي پیشوا نوم لیکلی شویدی چه سلطان حسین بایقرا دخپل منلي درباري نوم لیکل په جام باندې دار دابل دزیارت دتوکر له مخې تقلید کړیدی. ورو سته د ملا یاد پیشوا دنوم لیکنه په نخي توکر باندې ډیر اهمیت پیدا کړ ځکه نو داپیشوا دوخت پاچاته ډیر منلی سړی وه په دوه نورو لوښو باندې چه هغه هم دشین رنګي ډبرې څخه جوړ شوي وه دهغه نوم لیکل شویدی چه یو یې کوچنی بیضوي شکله پیاله یاجام ده چه دشنه روښانه ډبرې څخه جوړ شوې دده لوښي لاستی د پړانګ شکل لري او بل دشنه دبرې څخه مدوره پیاله ده چه داپیاله دوه خواته لاسته لري او لاستی یې د پړانګ یاښامار څیره باندې ښکلي شوي. چه دغه دواړه . ښکلي لوښي چه دبهرامي نوم لري او د تهران په موزیم کښې موجود دي .

چه دواړه دتیموریانو دعصر جوړوني دي چه هغه دچینا یي ډبرینو لوښو له مخې سمبال شوي دي او ځینې ددغه دوه لوښو په هکله داسې نظر لري چه دغه دوه لوښي اصلاً چینایي لوښي دي چه دبهبود له خوا راټول شوي دي . په دې هکله باید وویل شي چه په پنځلسمه پیړۍ دقیمتي ډبرو چینایي لوښو تولو نه او دهغه له مخې دلوښو کاپي ګول پیل شول، چه دا کار دلمړي ځل لپاره دتیموریانو دهنر مندانو او انځورګرانو له خوا په همدې دول ډبرو باندې ترسره شو، همدا رنګه په دې ارتباط به ژړه پوره ده وو ایم چه دلته یو ښکلی جام لاس ته راغلی په دې سینګار شوي جام کښې دالغ بیګ نوم او لقب لیکل شوي چه دا جام او س دبرتانیې په موزیم کښې موجود دی (پند رو یلسن او داتسن لیکنه) دالوښي دتیموریانو دعصر جوړونه ده امکان لري دغه کتیبه لرونکي جام دچینایي دشنې ډبرې جام له مخې چه دبهبود له خوا راټول شوی ده جوړ شوی دی .

یو بل ښکلی لوښی چه هغه دسلطان حسین بایقرا دوخت برنجي صراحي ده چه لاستی یې د ښامار په څیره ښکلی شوی. ددې کوچینی لوښي برنجي صراحي په هکله زیات معلومات لیکل شوي

او د سینګار په هکله و یل شوی چه ددغه صراحی شااوخوا دخرماپه و نوسینګار شوی چه ددی صراحی محینی ګرښی په طلاکار شو یدی. هغه زیات تشا بهات او ورته والی چه دطلایی بنګړ و دښاما را نو سرونه او دصراحی دلاستی دښاما رانودسر نمونی لری.

دواړه دسلطان حسین بایقرا برنجی صراحی او دالغ بیک له هغه دول آثارسره لکه شغه قیمتی د برین آثارچه لاستی یې دښامارانو سرونه لری یوشان دی . په هرصورت نوموړی آثاروور وستنی تاریخ تاکنه په هغه آثار وپوری اړه لری کوم دښامارانوسرونه لری اودهغو څخه پخوایادونه وشوه.

په محینی نوموړی آثاروباندی پرمخ تللی اونوی ګرښی معلوسیږی چه یوله دی ډلی څخه الغ بیک دعصر لوړ، دښکلا ژورسینګارلرونی صراحی دی چه دغه صراحی اوس دلزبن په موزیم ، یوه پیاله دبرتانیې په موزیم او د بنکی یوښکلی غشی چه دغشی سر یې دطلا څخه جوړ شوی چه اوس دنیویارک په موزیم کښی موجودی .همدارنګه یوه پیاله چه ددی پیالی دیزاین اوښکلا دنورو پورتنی آثارو په پرتله لږ ده په دی پیاله کښی دبهرامی نوم لیکل شوی چه د تهران په موزیم کښی ساتل شویده . همدارنګه دشنی قیمتی ډبری یو جګ د هغه خاوند چه کوم پاچا په وخت کښی جوړ شوی او هم تاریخ یې نه دی روښانه ، شوی لاس ته راغلی، او دغه دقیمتی شین رنګ ډبری جګ امکان لری چه په ناڅاپی ډول جوړشوی وی ځکه دغه ډول برنجی اثر دلوښو سینځ یو ډول توپیر راوستی دی چې د مودل یانمونی په څیر جوړ شوی دنوموړی جګ لاستی دښامار په څیره ښکلی ګړی شویدی . په همدی شان ددی عصر صراحی دشکل او تناسب دجوړونی له کبله دګلبنکیان دصراحی سره توپیر لری .

دنوموړی محدوداولږ آثاراو شواهدو له مخی چه پورته ورڅخه په جلاجلاډول یادونه وشوه.معلومیږی چه نقره یی بنګړی او طلایی ګوتی دالغ بیک او سلطان حسین بایقرا دپاچاهی مینځ کښی جوړشو یدی. دالغ بیګ دښنه قیمتی د برین لوښی د۱۴۱۷ او ۱۴۴۹ کلو مینځ کښی او د سلطا ن حسین بایقرا (بهبود) آثار تقریباً به ۱۴۹۰ کال کښی جوړشویدی.او موږ د ۱۴۶۰ نه تر ۱۴۸۰ کلو پوری طلایي ګوتی چه دنیویارک په موزیم کښی موجود دی.او نقره یی بنګړی ددجوړونی تاریخ په تخمینی ډول اټکل ګولی شو.

څلورم د غالۍ او نساجۍ ټکرانو صنعت

دتیموریانو دعصر څخه غالۍ اوسوتق ، اطمینان او حقیقي ټوکران لاس ته نه دي راغلي چه دهغو په سرسته سوږ خپل تحقیق او څیړنې ترسره کړي وای مګر سوږ په عمومي توګه ددغه ډول آثارو هغو نمونو ته اړتیا لرو چه هغه دتیموریانو دعصر په ښوونځي کښې په مختلف توګه رنګ کړي شویدي . څرنګه چه په وار، وار سرمیناتورۍ یاوارې وارې نقاشي لرونکي غالۍ لیدل شویدي او سوږ ددې ډول مخصوص هنر په هکله ډیر ښه پوهیږو او هغه په باره کښې خوراښه معلومات لرو څرنګه چه ددغو غالیو دهنر ډول او ښکلا په هکله سپړنې اسي برګس ژوري څیړنې کړیدي چه د هغې دڅیړنې او د مطالعې نتیجه هم څرګنده شویده .سوږ کولای شو د نوسوړي میرمنې دلیدنې کتنې او تشریحاتو باندې لږ څه اضافه وواېو هغه داچه هغې په افغانستان کښې دغالیو ډول ،داو بدلو ځایونه او رازراز غالۍ یې له نژدې لیدلي دي چه په حقیقت کښې هغې جامع ،ښپړ او صحیح څیړنې کړیدي. دتیموریانو دعصر غالۍ کله چه دجوړونې ډول او دیزاین له نقطې نظره ترتجربې لاندې ونیول شول په پای کښې جوته شوه .چه په دې عصر کښې رازراز غالۍ جوړیدلې دتیموریانو دوخت یوه او ژده غالۍ چه هندسي ډول ښکلا لري په ډیر ښه ښکلي ډول جوړ شویدي. دنوموړي عصر دغالیو ګلان مربع شکل اته ګوښه یي ،شپږګوښه یي دستوري شکلونه او په نورو ډولو او بدل شویدي او یو په بل کښې ننوتي دي او یا هندسي او نیمه هندسي او ځینې غالۍ دګلانو او دنباتاتو په پانو ښکلي کړي شویدي، یوازې څو محدود غالۍ په مینا توري ډول اوبدل شوي څه نوسوړي مینا توري غالۍ بهزاد ته نسبت ورکړ شویدي په میناتوري شوي غالیو کښې او ربسک شکلونه هم کارشوي دي غالیو دڅنډو دکوفیک کتیبو څخه اخیستل شوي د(برګس لیکنه ۴۲ مخ).

دپنځلسمې پیړۍ په وروستي پړاو کښې دنوموړي هندسي ډوله غالیو جوړونې پرځای یو نوی سبک او دیزاین رواج شوي هغه داچه په پنځلسمه پیړۍ کښې په غالیو باندې دګلانو او دونو په پانو ښکلي کړي شویدي.لنده داچه د پنځلسمې پیړۍ ترنیمایي پورې غالۍ په هندسي شکل ښکلي شوي او وروسته یعني دپنځلسمې پیړۍ په پای کښې دغالیو اوبدل او ښکلا بدلون وموند او غالۍ دګلانو ، ونو او اربسک په شکل ښکلي شویدي. او ددې ډول دغالۍ جوړونې

سبک ترکوم وخت پوری دوام وکړ تر اوسه جوته شوی نه ده مگر داوسنی پیری غالی د
گلانو او دونو پاڼی په څیر نه دی جوړ وی شوی او دغا لیو جوړولی په څو برخو ویشل
شو یدی. که چیری دغالیو دجوړونی تاریخی ته نظر وا چو ولیدل کیږی چه دلمړ نی غالی
او د عادی غا لیو هند سی شکلا د پنځلسمی پیری دو روستی پر اوگل لرونکی دیز این غالیو
مینځ کښی ډیر توپیر لیدل کیږی او دلته داسوال پیدا کیږی چه دبهزاد میناتور شوی غالیو
دیز این او شکلا دپورتنی دورو دغا لیو په پرتله ډیر ژور توپیر لری او خورا ډیری
شکلی غالی دی چه تر اوسه جوړه او ساری نه لری.

دتیمور یانو په عصر کښی راز راز غالی او بدل شوی چه رنگ او اندازی یی متفاوت
دی که چیری سوژ دتیمور یانو دعصر دلمړ نی غالیو او بدلو صنعت دوروستنی دوری غالیو سره
مقایسه شی لیدل کیږی چه دوروستی دوری غالی وبدلو کښی وده او پرمختگ لیدل شو یدی.
په حقیقت کښی دتیمور یانو دعصر لمړ نی غا لی دترکیی داوتمان دغالیو دول سره یو شان
دی، دترکی اوتمان غالی دهولبین غالیو په نامه یادیږی چه دادول غالی دتیمور یانو
دعصر دشپاړسمی او اولسمی پیری هندسی دوله دغالی و بدلو صنعت حقیقی شکل را په یادوی

دپنځلسمی پیری دوروستی پیر اوهغه غالی چه په گلا نو او دار بسک گلانو باندی شکلی
شوی په حقیقت کښی هغه شکلی او اصلی غالی دی، نو له دی نقطی نظره جوته شوی چه هغه
غالی ډیر پر مخ تللی نه دی بلکه هغه ډیری عادی او معمولی غالی بلل شو یدی. خو له بده
مرغه دغه دول غالی دښه جنسیت نه لر لو له کبله دغالی او بدو نکو له خوا پر یښو دل شو
او دجوړونی څخه یی لاس وا خست او هغه دول غالی رواج شوی کوم چه گلان یی په
هندسی شکل جوړ یدل څکه له یوی خوا دی دول غالیو ډیر مشوق او بازار دولو داو له بلی
خوا دغالیو سپنسی هم بدلون په دی ومو ند په دی مفهوم چه دپنځلسمی پیری څخه وروسته
دغالیو او بدلو دول رنگ او سپنسی یی بدلون وکړ او غالی جوړونکو په دی لاره خورا
ډیری تجربی تر لاسه کړ یدی نو څکه دغا لیو او بدلو صنعت ډیر ښه پر مختگ وکړ چه دغه
غالی دپنځلسمی پیری څخه پخوا غالیو سره هیڅ دول اړیکی نه لری، څکه پخوا او پنځلسمی
پیری څخه دغالیو دول ښه نه وه جوړ شوی، سپنسی یی ډیر کلک نه وه غالیو تل خپل رنگ
دلاسه ورکاوه د(توماس ارنو لدلیکنه) . د نظامی وخت لاس لیکنی یاد ۱۹۲۶

کال نهم او لسم لمبر هندسی ډوله غالی او ۲۲ نمبر ګلان لرونکی غالی چه‌اوس د انګلستان دبرتانیی په‌موزیم کښی ایښودل شویدی . نوموړی پورتنی اثر چه‌اوس دهیواد څخه ایستل شوی او د بهرینو هیوادو په‌موزیمو کښی موجوددی ډیر باارزښته او د اهمیت وړ او نامتو آثار بلل شویدی ، نه‌یوازی د تیموریانو دعصر د هنر خوښوونکو هلی ځلی وی بلکه دهنر مندانو عالی ذوق وه چه دغالیو او بدلو صنعت ته‌یي پراختیاورکړه چه دغالیوډول ډول نمونی یي سینځ ته‌راوړی دی ،حتی اوس غالی او بدونکی دنوموړی غالیو له‌مخی غالی او بدل کیږي، دهیواد په‌لویدیځه سیمه کښی وغالیو او بدلو صنعت به‌بشپړه توګه په‌ایران کښی دغالیو اوبدلو صنعت پیل ګڼل شویدی: ګاه‌چه موږ دایران دغالیو او بدلو تاریخ په‌ژوره توګه وڅیړو داسی نتیجه اخلو چه‌په افغانستان کښی دغالیو او بدلو دصنعت تاریخ دایران دغالی اوبدلو تاریخ څخه مخ کښی دی .

همدارنګه دتکرانو په‌برخه کښی باید وویل‌شی چه زرین خامک دوزی اوګل دوزی دتیموریانو په‌وخت کښی خورا ښه پرمختګ کړی وه زیاتره خامک دوزی دبا ارزښته او وریښمین تکرانو په‌مخ باندی کارشوید ی‌په دی تکرانو باندی په زرینو تارود ګلاڼو ماڼاره ویو دسرغانو اوښاماړانو او دغرخو ځیری ایستل شوی ، زیاتره بالاپوښونه دنارینه چپنی او د ښځو او ژده کمیسونه چه دتیموریانو په عصر کښی جوړشوی داډول تول تکران په‌خامک دوزی باندی ښکلی او تزین شویدی.معمولاً خامک دوزی په‌تکرینو کالیو باندی، دغاړی چارچاپیر دکمیس او ژی او د تکرانو ژی ترپای پوری طلایي خامک دوزی شویدی چه‌دهغو ځینی نمونی لکه ددروازو پردی ، دآس دزین پوښونه ،کمپلی او د بالښتو پوښونه چه دزرینو تارو په سرسته خامک دوزی شویدی .البته خامک دوزی څوډوله دی چه دلته دخامک دوزی دډولو څخه یادونه نه‌ده شوی.په هرحال په‌تکرانو باندی دژووواوسرغانو دڅیرو خامک دوزی دتیموریانو په عصرکښی ترسره‌شوه‌په همدی شان په ځینو اوژدو تکرانو باندی دطبیعی مناظرو ښکلی منظری له ښاروبو او حتی دانسانانو ځیری په‌ښه ښکلی ډول .اوماهرانه شکل خامک دوزی شویدی لکه دخواجه کرمانی ښکلي

منظره چه ډیر باارزښته اثر دی چه دلندن دموزیم ۱۸۱۳ نمبر اثر دی .نوموړی خامك دوزی دتیموریانو دعصر یو ښکلی او بااارزښته اثر بلل شویدی چه نوموړی اثر دوریښمین ټوکر دپاسه خامك دوزی شوی له نوموړی بااارزښته خامك دوزی څخه دپخوانی و ختو خامك دوزی درسم شوی سودل او نمونی په شکل په ځینو البوم کښی ساتل شویدی لکه دتوپ کاپی سرای دکتا بتون په البوم (اپسیر وگلو لیکنه)داستا نبول البوم ۲۱۲۳،۲۱۲۰، ۲۱۲۶ او ۲۱۲۹ شکلونه دی ، همدارنگه زرین خامك دوزی نمونی په راز رازتکرانو باندی داستانبول درنگ آسپزی البوم ته دی مراجعه وشی چه د (اسلانایا، لوهراواتنگوسین)ختیځ پیژندونکو لهخوا خپاره شویدی ۱۹۵۴ م کال ۷۹-۳۰،۱ مخونه ۷، ۲،۲۱۳،۹،۳ او ۸،۵ شکلونه.

پنځم دکتابو صحافی : دکتابو دکلکسیون صحافی هنر دتیموریانو په عصر کښی ډیر مختگ کړی وه دتیموریانو دعصر دکتابو صحافی کول مختلف او راز، راز تخنیک کار شوی چه ځینی دپخوانی دود او دستور (عنعنوی) په شکل او زیات شمیر یی په عمومی توگه په نوی سبك او دیزاین سره صحافی شویدی یا همدارنگه هغه پخوانی بااارزښته کتابونه، ځینی لیکل شوی نسخی چه پاڼی یی لهسینځه تللی وی بیاد تکره لیکونکو، میناتورکارانو او نو سیالی انځورگرانو له خوا ژوندی شول او ټول په یوه جلااو ښکلی دصحافی پوښ کښی ځای په ځای شویدی . چه دنوموړی صحافی پوښ دکلك او سخت او زارو څخه جوړ شویدی اود نوموړی صحافی پوښ ډیر ښکلی دیزاین لری چه دډیرو نقش ونگار لری او ددغه نقش ونگار زیاتره زرین نقش ونگار لری اوحتی ځینی ځایونه یی په ورېښمین توکر باندی خامك دوزی شویدی چه خورا ډیر ښکلی شکل لری و سوی دکتاب دپوښ ځینی برخی طلایي مرصع کاری لری لنډه داچه په دغه پوښ باندی ډیر زحمت ایستل شوی او ډیر بااارزښته هنری اثر بلل شویدی چه تر اوسه ساری نه لری .

پخوا دتیموریانو څخه دکتابو صحافی ډیر ساده شکل درلود او په هغو کښی اتز ئینات خامك دوزی، زرین کاری نه دی لیدل شوی په عمومی توگه یوازی هندسی تزئیات و دگلانو سینگار په ساده او عادی شکل لیدل شوی چه نوموړی ښکلا والی دکتابو په پوښ باندی یوازی کوچنی اودوهم عنصر بلل شوی . د تیموریانو دعصر دصحافي ددیزاین

جوړنکی لمړی په هرات او خاصتاً دایران په شیراز کښی دکتاب د ښدا زی ښخه بی پوښ اود پوښ دلاندنی برخی دیزاین لری جوړاو چه دکتاب پرمخ و لیږل شو لا نانی برخه یود بل ښخه جلا جوړیدل او وروسته یوځای کیده او پوښ ورښخه جوړیده، په هر حال کتاب دپوښ سره یوځای ایښودل کیده او وروسته پوښ جوړیده او هغه پوښ دصحاف په فرمایش ښه تکړه انځورگرته دنقاشی او سینگار لپاره ورکوی کیده ،انځور دصحاف دفرمایش او غوښتنی سره سم یاد انځورگر د خپلی هیلی سره سم دکتاب پوښ ته ښکلا او سینگار ورکاوه داسینگار البته رنگارنگ سینگار وه چه په دی پوښو کښی خورا ډیر پرمختگ لیدل کیده .په دی برخه په هرات کښی هنری تخصص ښوونځی دبایسنغر میرزا تر لارښوونی سوجود وه چه دکتابو دصحافی په پوښو کښی راز، راز تصویرونه دلاسی سیمه ایزه ماشینو او زارو په مرسته جوړشوی وه ،په هر صورت په مجموعی ډول د تیموریانو دعصر دصحافی کاروتول ښوونځی دننه دکتابونو صحافی بی په ډیر سادهشکل کار کړیدی حتی دکتابو او لیکل شوی نسخو دننه ډیر زیات نفیس ،لطیف او ښکلی ډوله هنر کارشوی او دکتابو ښندی یاحاشیی او کنجونه درنگ پرځای د زرو ښخه کاراخیستل شو یدی ،او داشعارو په کتابو کښی چه پەلاس لیکل شو یدی دکتاب سینځ کښی هغه شاعران دښه شعرو یلو لە کبله دوخت دپاچاله خوا دمدالو پەاخیستلو بریالی شوی وه

دمدالو ډول دتکړه او نوسیالی انځورگرله خوا رسم شو یدی، دکتابو دبهرنی اړخ یاد کتابو پوښونه د تکړه انځورگرانو او هنرمندانو له خوا د مرغانو حیواناتو او طبیعی مناظرو راز، راز اشکالو باندی سینگار شوی او د ځینی کتابو پوښونه داسی صحافی شو یدی چه پوښونه داوژدو فلزی مهرو په واسطه فشار پا تکو لو په مرسته ښکلی شو یدی چه دمهر وسخ تەوتلی او نوری برخی دکتابو دپوښ دپاسه دتکړه انځورگرانو له خوا په ډیر وقت او زیارسره دزرو په مرسته ښکلی کړی شوی ،معمولاً دکتابو پوښونه دیری ، ښامارانغرڅی، زمریان مرغان او دانسانانو منظری لری چه دغه ډول ښکلی آثار چه راز، راز منظری او ځیری لری لاس پەلاس نسل پەنسل تراوسه صحیح پاتی شو یدی چه دغه ډول آثار دهرات نقاشی شوی آثارو سره وړته والی لری او دغه شان ورته والی دهرات نقاشی

شوی آثار و سره پوره شباهت لری او یو شان دی (دگروب «گری او فست گرفت لیکنه) حقیقتاً داسی معلومیږی چه هرات ددغه ډول کتابو د پوښ جوړولو له پلوه لوی مرکز بلل شویدی (اگا-او گلو). په هرصورت حقیقت داده چه بایسنغر میرزا دکتاب د پوښ جوړولو په برخه کښی دتبریز په ښار کښی ډیر تکړه او پوه استاد درلود چه هغه استاد قوام الدین نومیده او بایسنغرنوموړی استادو کتاب دپوښولو لپاره هرات ته راوباله ترڅو دهرات په ښار کښی دکتاب پوښولو کارخانه پرانیزی او دکتابو دپوښولو هنر، تخنیک او انځورګری ددی هنر خوښونکو ته زده کړه ورکړی، دپورتنی بحث څخه معلومیږی چه استاد قوام الدین دتبریز په ښار کښی دکتاب پوښولو او انځورګری لوپه کارخانه درلوده چه له بده مرغه موږ ددی کارخانی دخصوصیاتو په هکله هیڅ نه پوهیږو له بلی خوا دمقایسی له پلوه موږ د شیراز دښار دکتاب پوښولو دکارخانی او دهغه دانځورګری په هکله خورا ښه معلومات لرو څرنګه چه د شیراز د ښار انځور ګرانو دکتاب د پوښ ښکلی او ښایسته نمونی زموږ لاس ته راغلی چه دغه ښکلی پوښ دځینی لاس لیکنو پوښونه دی چی د پوښ اصلی نمونی (ساکیسیان) څخه پیداشویدی. له دی څخه داسی معلومیږی چه له پخوانیو زمانو څخه دایران دشیراز دښار صحافان دکتابو په صحافی کښی زیاتره د اربسک دسبک او نمونو څخه کار اخیستل شویدی، دایران دشیراز دښار دصحافی د هغه قالبونمونی چه لاس ته راغلی دی څرګنده شوی چه دشیراز د صحافی کار او تخنیک د پخوانی صحافانو دصحافی کار او ډول څخه لږڅه پرمخ تللی صحافی ده چه البته دشیراز دصحافی دکار تاریخ دپنځلسمی پیړی په جریان کښی وه. ددغه عصر دصحافی نمونو څخه څرګنده شوه چه دکتابو پوښونه زیاتره دسرغانو او مدالو په نمونو ښکلی کړی شویدی چه البته دکتابو دپوښونوموړی سینګار په ژور ډول زرکوب شویدی چه خورا ډیر ښکلی شکل لری. دکتابو دپوښ نوموړی نمونی د تیموریانو دعصر لمړنی انځورګرانو له خوا پراختیا ورکړ شویده او وروسته دی ډول سبک ته دهغو انځورګرانو له خوا بدلون ورکړ شو ګوم چه هغو دتر ګمن په ښار کښی دهمدی پیړی په وروستی پړاو کښی کار کاوه.

دهرات د صحافی ډول او تخنیک د څیړلو وړده داکار ډیر مغلق او له ستونځو څخه

ډک ده. ځکه څرنګه چه په زیاتره صحافیو کښې ډول ډول تخنیک چه تر اوسه پېژندل شوی کارشویدی .چه دهغو څخه یوازی دوه ډول دصحافی نمونی چه ډېر په مهارت او هنری شکل زیار ایستل شوی چه دکتابو دپو ښ دغه د وه ډول نمونی ډیر ښایسته او با ارزښته دي‌چه‌بايدله‌هرپلوه‌وځیړل شي چه له بده سرد غه صحافی نوسوړی نمونی د ترکی په‌موزیم اوداستانبول‌داسلامی‌هنر په سوزیم کښې ایښودل شویدی‌چه یوله‌دغو نمونوڅخه ځینې يي لاس لیکنې لری چه‌دشاهرخ لپاره په۸۳۸، کال کښې لیکل شوی(اګااوګلو لیکنه ۱۱۱ مخ).او دصحافی۱۳۳نمونه هم لاس لیکنې لري چه ددې صحافي لاس لیکنې دسلطان‌حسین بایقرا لپاره په ۸۳۸، کال کښې لیکل شویدی د(اګااوګلو لیکنه نهم او دولسم فصل) .

دنوسوړی کتابو دپوښو دصحافی کارا وسبک دورته والی له‌پلوه بایدوڅیړل‌شی او دغه دوه‌نمونی‌دغاړو یو په منظرو په طلایی‌یازرین‌تخنیک سره ښکلی کړی‌شویدی چه دصحافی دواړه ډونونه ډیر حیرانونکی ګاردی لیدونکی ددې کاردنمونوپه لیدلوسره د اسی فکر کوی چه دغاړو یو اومرغانو اصلی شکل دی چه یوله دی نمونوڅخه د هیلی هغه‌څیره‌ده‌چی‌دو ریځ دپاسه‌الوتنه‌کوی‌یادبیزو څیره چه په ګلانو کښې‌ګرځی‌اوداسی‌نوری ښکلی څیری چه‌په خاص شکل د انځورګری‌په تخنیک‌او مهارت‌سره کارشوی چه په‌رښتیاسره ددی عصر دانځورګری مهارت او استادی څرګندوی . دهرات دهنری ښوونځی‌دوروستی کارونوسبک‌اصلی‌تخنیک‌دی‌چه‌تر هغه‌وخت‌پوری کارشوی‌چه‌دنوسوړی‌ښوونځی‌وروستی‌آثار خورا باارزښته او ښکلی آثارد ی‌چه‌تر اوسه‌سوژمیراث پاتی دی چه‌هغه آثاردکلا سیک آثارو له‌ډلی څخه شمیرل ګیږی چه‌دهرات دښوونځی دهغه عصردوروستی پیری‌محصول دی ، همدارنګه دهرات دهنری ښوونځی د لمړی وختوځینی اصلی آثارچه تقریباًنوی پاتی دی موندل شویدی. د ځینی کتابو دپوښونوبهرنی یاپیرونی مخونه په‌طلایی‌رنګ دتورو رنګ دپاسه ښکلی کړی‌شوی‌دی‌په‌دی مفهوم‌چه‌دکتابوپوښونه‌توررنګ‌شوی اودتور رنګ‌په‌زرین‌رنګ سینګارشویدی چه ډیر ښه شکل يي غوره کړیدی چه دغه ډول تخنیک او سبک دتیمو ریانو دهنری ښوونځی دلمړ نی پیړ ی محصول بلل شویدی ددی ډول تخنیک‌څخه‌نه یوازی‌دکتابو په پوښ‌کښې‌استفا دمشویده‌بلکه‌په‌نورو هنری کارو کښې په‌هرات او داسلام په‌نړی‌کښې مروج اومعمول وه کارشویدی.ددغه ډول‌دکتابو پوښ جوړونه دسلطان حسین بایقراته نسبت ورکړ شویدی ځکه هغه دډیر وښکلی‌آثارو دجوړونی مشوق وه ، چه‌په‌دی هکله دچاپ له‌خوا په۱۹۳۹، او ۱۹۶۹، کال د برلنګتون

دمجلې په ۹ مخ کښې ځواب و رکړ شو يدی .سر بيره ،په‌دی با ر ه کښې ددا تين هو سمين ليکنه) همدار نگه‌دهر ات د کتابو د پو ښ‌په هکله(آگاا و گلو)ليکنې کړيدی‌چه‌دا ليکنی‌دا مريکايي دانستيتوت په‌مجله کښې چه‌دفا رسی هنرا ولرغو ن پيژ ندنې لپا ر ه اختصاص و رکړ شوی‌خپره‌شو يده‌خلو ر مه‌گڼه ۱۹۳۵ کال ۱٦٦–۱٦۷ مخو نه.په‌همدی شان ددايمنډليکنه چه امر يکايي‌دهنر په مجله کښې په ۱۹۳۵ کال ۷٦٦ مخ کښې خپره شو يده، چه‌په‌دی‌هکل حو را ښه رڼا ا چوی .

يو ه بله په زړه پوري او با ارزښته تبصره ديوه اثر په‌هکله ده‌چه داډو ل‌اثردجوړونی، ديز اين او تخنيک له‌پلوه ساری نه‌لري او داډو ل اثر ترا وسه نده ليدل شوی هغه داچه په‌پوه و ر ينبمين تو کر باندی زرين خامک د و زی شو يدی او په يو ه ښکلی کڅو ړه يا يو ښ کښې اچو ل شوی دی دا تو کر ځينې‌ليکنې‌لري‌اوله‌بده مر غه‌په‌دی تو کړ باندی دهغه دجوړ و نې‌تار يخ نه‌دی ليکل شوی موږ دجوړونی او تخنيک له پلوه ويلی شو چه‌نوموړی‌باارزښته‌و ر يښمين‌تو کر دهرات دهنری ښو ونځی‌محصول‌دی چه‌تقر يباً‌تار يخ‌ يي ۱۵۰۰ کال‌ته‌ رسيږي ويلی شو .

دهرات د دی عصر دهغو آثار و له‌منځی چه‌لاس ته‌ر اغلی‌دی‌دهغوځخه داسی‌نتيجه‌اخلکو چه له‌يوی خوا هغه ډول آ ثار چه‌دانسان ،حيو ا ن او دمر غانو څيری‌لري‌ډير دی که‌اېر-دابايدووايو چه‌داډو ل آثار په‌هرات کښې پخوا هم ډير وه او له‌بلی خوا د دی پېري‌ځانگړی اوخاص هنری آثار چه‌په‌دی سيمه کښې جوړ شو يدی ډير ښکلی ديز اين لري . دکتابو هغه ښکلی پوښو نه چه دا يران دشيراز په‌ښار کښې جوړشو يدی دهغو ديز اين ا و ښکلا د يزاين اوخلاصه‌دی.يعنې‌ډير ښکلا او ښايست نه‌لري يو ازی ساده گلان لري او په‌ځينو لڅو پوښونو کښې کله، کله لږ څيری ليدل کيږی.مگر يو ازی داير ان دولاياتو په ځينو مر کز و دکتا بو په پو ښ کښې گډديزاين ليدل کيږی. دتخنيک له پلوه‌دتيمو ر يانو دعصر صحافی د پخوانيو دو رو دصحافی په‌پر تله ډير پر مختگ کړی‌و ه،چه‌په‌عمو مي تو گه دتيمو ر يانو دعصر په‌صحافی کښې ځينې نوی تخنيک شته چه‌په‌و ر و ستنی مرحله کښې داډو ل‌تخنيک ا و سبک‌نه دی ليدل‌شوی دتيمو ر يانو دعصر هنر ز ياتره دصحافی په‌بر خه کښې ډير پر مختگ کړ يدی ځکه د تيمو ريانودعصر دهنر قالبونه،رنگونه اوډجوړ و نې موادډنو ړ و دو ر و

سوادو سره او دخپرو جوړونې، پر مختیا او زر کوب ډېر ژور تو پیر لري. دآثارو جوړونې هغه قالبونه چه دخرمنې څخه جوړ شوي په پنځلسمه پېړۍ کښې مینځ ته راغلي او موجوده وه يو ډله لرغون پوهان وايي چه دخرمنو قالبونه په دو لسمه پېړۍ کښې هم موجود وه.٤ پخواله دې چه دخرمنې قالب مینځ ته راشي ډېر برين قالبونه موجود وه چه دهغو څخه استفاده کېده. دآس دخرمنې زين چه دهغه وخت څخه پاتې شوي او لاس ته راغلي چه په ښه ښايسته شکل جوړ شوي چه اوس دبوستون په موزيم کښې ايښودل شوي دبالتيمور نندارتون دی وليدل شي. ۶ نمر اثر. چه نو ړموی اثر دپنځلسمې پېړۍ اثر او محصول دی دتيمور يانو دعصر خورا ښه آثار دی چه په ډېر زيار سره جوړ شوي دي، زرين او طلايي خامک دوزي چه په وريښمين توکر باندې ترسره شوي هغه يو لوړ با ارزښته هنر تخنيک او سبک بلل شويدي چه تر اوسه داډول اثرنه دی ليدل شوي او ساري نه لري دنوموړي زرين خامک دوزي په هکله دپو هانو له خوا ډېري څېړنې شويدي چه دهغو د څېړنو نتيجه په بيلو بيلو خپرونو کښې خپاره شويدي او دهغو څخه پورته يادونه وشوه. لنډه داچه دتيمورنو دعصر دآثارو نمونې په شپاړ سمه پېړۍ کښې داوتمن دصحافانو لپاره ښه الهام وه يعنې داچه داوتمن دعصر صحافانو په شپاړسمه پېړۍ کښې دتيمو ريانو دعصر دصحافيو څخه الهام اخيستی دی.

شپږم دلرگو آثار:

دتيمو ريانو دعصر هنري کارونه دلرگو پر مخ زياتره په معماري او تز ئيني کارو کښې ترسره شويدي. همدارنگه دتيمو ريانو په دوره کښې ديوه جوړ ښت په هغو سامانو چه دلرگيو څخه سمبال شوي لکه چوکۍ، الماري، ميز، دروازې او نوروشيانو باندې ښکلا او تزئينات ترسره شويدي. د تيمو ريانو دزمانې څخه موږ دجوړ ښت دلرگو ښکلي تزئيني آثار لاس ته نه دی راغلي او يوازې کوچينې ښکلي سينگار شوي آثار ډېر لږ لاس ته راغلي دي. ددې کوچنې آثارو له ډلې څخه يو کوچنی بکس، چه ډېر داهميت وړ او خورا ښکلي سينگار لري لاس ته راغلی، دنو موړي بکس مخ په ډول ډول گلانو په خاص مهارت او ظرافت سره هم ارسبک کار هم شويدی ليدل کيږي په دې بکس باندې دښامار خيره شته او دالغ بيک نوم هم په دې بکس کښې ايدل کيږي چه اوس نو موړی ښکلي اثر داستانبول

دتوپ کاپی سرای په موزیم کښې دښو نی لپاره اېښودل شوی چه له بده مرغه‌دی باارزښته‌اثر په هکله دلرغون پوهانو له‌خوا هیڅ دول څېړنی او څېړونی نه دی ترسره شوی، که‌چیری دلرگودغه کوچنی‌اثرچه ډیرظریف‌او ښکلی جوړشوی په‌ځیرسره ترژوری څېړنی لاندی و نیسوداسی جو ته گیری چه نوموړی اثر دجوړونی‌سبک‌او تخنیک‌له پلوه بی‌ساری دی دغه کوچنی اثرموږ ته‌داسی‌مفکوره‌را په برخه کوی چه‌نوموړی بکس د تیمور یا نو دفرهنگ ښخه نماینده‌گی‌کوی خوله‌بده مرغه‌د غه ښکلی او باارزښته‌اثر چه‌اوس زموږ په‌لاس کښی نشته او دایوه‌لویه ضایعه بلل کیږی. ددغه ښکلی اثرتراشل یاسینگارډیر په‌زړه پوری اثر بلل شوی‌اودجوړونی له پلوه د څېړنی او مقایسی وړده حال‌داچه دااثر دجوړونی دسبک، تخنیک او ایکنوگرافی‌له نقطی نظره دارزښت وړدی او دااثر دانځورگری او دیزاین له‌پلوه دهرات دپنځلسمی پیړی دلمړی و ختودصحافی له دیزاین سره ورته والی او شباهت لری.

دلرگیو هغه ښکلی او دارزښت وړآثارچه دپنځلسمی پیړی ښخه‌لاس ته را غلی دی‌دهغو په هکله زیاتی لیکنی او څېړونی‌شوی چه‌دهغوپه باره په‌یوه‌ام یکابی مجله کښی زیاتی‌څېړونی‌شوی ددی‌برخی لرغون پوهانو له خواترسره‌شویدی‌دهمدارنگه دلرگیو هغه سینگارشوی‌آثارچه تاریخ لری او دما یورهنر خوښونکی له خوا په یوه لست کښی لیکل شوی زیات دی.

مگر د نوموړی پوه لست شوی آثارو ښخه ډیرلږ آثار خپاره‌شو یدی. دنوموړی لست جوړولو هغه زیات شمیر لرغون پوهان مننه کوی ځکه نوئوړی لست د څېړونکو لپاره دیره مرسته کوی او دهغو لپاره‌مخورابښه مناسب او باارزښته‌اسناد بلل شوی او دنورو آثارو په هکله‌داسی‌لوی‌خدمت نه‌دی ترسره شوی او یا د هغه لپاره امکانات موجود نه‌وه یا غیرممکن کاروه. ددی دول آثارو او موادوټولونه او دهغوله‌ډلی ښخه دښکلی آثارو خپرونه چه ډیر باارزښته آثاردی :په دی نژدی راتلونکی و ختو کښی دتیموریانو دعصر دلرگي‌ښکلي آثارو له‌ډلي‌ښخه‌دی‌خپاره شي چه‌دا به‌د تیموریانو دعصر رتز ئبیي‌آثاروميراث‌وي .

هغه آثار چه تاریخ او ځینی نښی نښانی لری دتیمور یانود عصر دلمړنی پړاو څخه دشپاړسمی پیړی ترلمړی و ختو پوری یادداشت شو یدی ما ' په دی آثارو کښی زیات شمیر هغه آثار دی چه په یوه کارخانه کښی خودوله هنری آثار جوړ شویدی چه امکان لری دغه آثار دیوه یاز یاد هنرمندانو او انځورګرانو دلاسو محصول وی چه په او ژده مو ده کښی ترسره شوی چه له نیکه مرغه دغه دوله آثارله یوی مخصوصی ساتنی څخه لاس ته راغلی دی چه ددی هنر دشکل او دیز این دوام ښئی.

ددی دوری ډیر باارزښته او مهم آثار چه له ترکستان او سمرقند څخه موندل شویدی لکه دا حمدیسوی دجومات دروازی چه دهغو تاریخ ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ کلو مینځ کښی اتکل شو یدی ، دشاه زنده دجوماټ ښکلی سینګار شوی دروازی ، دخواجه عباس مسلم دقبردروازه، دتیموریانو دعصر دمسلم دجوماټ دروازی او دالغ بیګ دمدرسی دروازی او الماری چه تاریخ یې ۱۴۱۷ کال اتکل شو یدی. همدارنګه دلرګو ځینی هنری کارونه چه دایران څخه لاس ته راغلی دی دیاد ولوړ آثاردی .لکه دلرګو ښکلی سینګار شوی اونقش شوی دروازی او یو شمیر نور باارزښته آثار چه ددی عصر دی د(اصفهان، امام زاده اسماعیل، ۱۳۰۹ کال دبرلین موزیم ۱۳۲۳ ،سیکانبر ۱۳۳۱ څخه موندل شویدی. په همدی شان دلرګو زیات شمیر هنری آثارچه په ډیرخاص مهارت اوزیار سره جوړشوی چه دپنځلسمی پیړی له لمړی و ختو څخه او دشپاړسمی پیړی تر پیل پوری اټکل شوی اوددی و خت آثار په امام زاده ابراهیم ابوجواب او دهغه دګاونډی په یوه ودانی دهاشادیسارپه نامه (څودروازی او کتیبی چه دهغو تاریخ د ۱۴۳۷ ، ۱۴۵۴ ، ۱۴۸۸ ، ۱۴۹۹ نه تر ۱۵۰۰ او ۱۵۰۵ نه تر ۱۵۰۶ کلو مینځ کښی دی چه دمایر لهخوا ثبت او په نښه شو یدی).یو له نوموړی آثارو څخه ډیر ښکلی او باارزښته اثر دی چه په نوموړی عصر پوری اړه لری هغه دتاج ملک الدین قاسم چه دامام موسی الکاظم زوی دی په ۱۴۷۳ دمازندران په ښار کښی جوړ شو یدی. یو شمیر زیات سیمه ایز ښکله آثارچه په مقایسوی ډول دهغو نمونی ساتل شوی دهغو څخه یو ازی په بخارا کښی دسیف الدین بخارزی دګمنام سر باز لوی قبر دی چه دهغی دروازی او الماری دی چه دهغه تاریخ دخوارلسمی پیړی وروستی پړاو اټکل شو یدی د(نیک لیکنه نهم او یوولسم شکل) .

هغه آثار چه‌تر اوسه خپاره شوی‌یا هغه آثار چه تر اوسه زما لاس ته را غلی په مجموع کښی دتیمور یانو دعصر څخه دلرگو په مخ کیندل شوی آثار یوازی دوه ډوله ثابت شو یدی. لمړی د لرگو هغه ډول آثار دی چه دآثارو مخ ډیرمغلق پیچلی‌شکلی سینگار لری دا باید هم له‌یاده ونه‌باسو چه‌دغه ډول د لرگو آثار داربسک په سبک شکلی کړی‌شوی دلرگودآثارودلمړی‌ډول‌شکلی اوتزئینات‌په دی‌علت‌مغلق‌دی چه‌څوډول گلان یود بل په‌سرداسی کیندل شوی‌چه ځینی برخی یی روښانه اوځینی بر خی یی تیاره‌او نه پیژندو نکی ځکه‌جوړ شوی چه‌دآثا روځینی ځایونه ډیر ژور کیندل شوی . دغه ډول دلرگو آثار د جوړ ونی څخه داسی جو ته شوه دلرگو دآثارونو سوړی ډول جوړ ونه خوارلسمی پیړی دلرگو دهنر څخه اخیستل‌شوی چه داډول آثار د نیو یارک دموزیم دلرگو آثارو په‌شا ن دی . دنیو یارک ۱۳۶۶ کال خپرو نه د لرگو نو سوړی آثار دیوه اصفها نی هنر مند له خوا په ۱۳۶۰ کال کښی جوړ شو یدی ، پر ته دشک څخه ددی ډو ل‌دآثار و پر مختگ ، و ده اوچه د سینگار و رته‌والی دپیر با کر ان‌دو دانی دپلستر مخ له‌آثا رو سره شبا هت لری (و لیږ،دایر ان‌داسلا می‌دوری دمعماری هنر پر نستون ۱۹۰۰ کا ل ۲۹-۳۰ شکلو نه)او د اشتراجان‌آثارچه‌دایران‌داسلامی دو ری دمعماری هنر ۱۹۰۰ کال ۵۹شکل دی چه دغه (دواړه‌پیر باکران او اشتر اجان) سیمی دایر ان داصفهان ښا رته نژدی دی ، چه‌له بده مر غه دلرگو لمړی ډول آثار ډیر اړلاس ته‌را غلی‌دی . دلمړی‌ډو ل آثارو دو همه درجه هغه آثار دی چه‌په خوار لسمه‌پیړی په‌تر کستان‌په‌شکلی‌شکل په‌لرگوباندی‌جوړشوی‌لکه‌نسیف‌الدین د قبرود رواړی‌تزئیناتا وکنده کاری چه‌دبخارا دبخارزی کښی جوړ شویدی (دنیک‌لیکنه نهم‌اویوولسم شکلونه) دغه‌سبک‌یعنی‌د لرگودلمړی‌ډو ل‌دو همه‌درجه آثار دډیر پخوا وختو راپدی خوا جوړ یدل چه دغه ډول آثار پخوا دتیمو ر یانو دعصر آثار بلل شوی(د شاه زنده د جو ما ت درو ازی هنراو سینگار ته دی مراجعه وشی چه ساری نه لری چه دا د تیمو ر یانو د عصر د هنر نمونه ده) د (دنیک لیکنه دولسم شکل) ، چه دغه ډول‌هنرجوړ ونه‌دهغه انځورگرانو او منو نکو له‌خوا دپنځلسمی پیړی تر نیمایی پو ری دوام د رلود اوو روسته له دی وخت څخه له سینځه ولاړ امکا ن لری چه د هغه انځور گر ن له سینځه تللی وی یا هغه ځای څخه کوم بل ځای ته لیږ دو لی وی .

دلرگودو هم دول دآثار و نمونی او سودل پخوا دتیمور یانو دعصر خخه هم موجود وو او ددغه دول دآثار و نمونی بەلرگو او دو د انیوپه پلستراونیو گچ کاری باندی ایستل شوی او کیندل شویدی چه مثال یی دایران دخا نید دیوولسم لمبر ودانی کبنی لیدلی شو (دبستم لیکنه ٣٧-٣٨شکلونه). پەعمومی توگه دتیموریانو دعصر ددوهم گروپ آثارو جوړونه دلمړی دول آثار وسره توپیرلری چه البته دهغه توپیر دلرگو دمخی تزئینات دی چه څینی یی دار بسک په سبک دی او د جوړونی دول یی لنه دی او څینی په نورو گلانو او دانځو رگرانو په ذوق او شوق سره یوشان جوړ شوی. دا آثاردا سی جوړ شوی چه خور اډیر ښکلی معلومیږی او څینی آثار دیوی لویی خلورگوښه یی لرگی دپاسه ډیر ښکلی تزئین شوی دی دلته دلرگود آثارو در نگ څخه داسی معلومیږی، او رنگ دآثار و پەمخ وروسته دکیندل او ترا شل کیدو څخه موشل شوی چه عادی رنگ دآثا رولمخی دزمانی په تیرید و یا داستعمال پەاثر له مینځه تللی دی په څینو آثار و باندی در نگ څینی نښی نښانی لیدل شویدی یو ازی څینو آثار و باندی یی رنگ دپوخ والی یاد رنگ داصل توب لەکبله تر اوسه پاتی شو یدی.

دلرگودوهم دول آثار په پوره او مکمل دول دتیموریانو دعصرپەلمړی وختو کښ ډیر پرمختگ کړی وه چه ددی وخت آثار او شواهد داحمد یسوی دجومات کړ کی، دروازی ښکلا او کنده کاری دیادولوو ړ دی (دنیک لیکنه ٣١ شکل) یادالغ بیگ دمدرسی دروازه (دنیک لیکنه ٣١ شکل). دنو موړی آثار و دجوړونی څخه معلومیږی چه ددی دوری دآثار و ذوق او سلیقی لەپلوه دار زښت وړ آثار دی او پەسیمه کښی تر اوسه ساری نەلری چه پەدی ښکلی ذوق سره جوړ شوی او دپخوا نیو خلکو څخه موژ ته میراث پاتی شوی چەدی دول دهنر روزونکی دستاینی وړ دی.

دلرگودریم دول آثار پەعمومی توگی ډیرزیات نەدی بلکه پەشمیر کښی لژ دی، ددی دول آثار و نمونی هم لژ دی یوازی څو دروازی او نور آثار لاس تەراغلی دی چه ددروازو سینگا راو جوړونه گڼه جوړونه ده او له دوه پخوانیو سبک او روش څخه استفاده کیده دنوموړی دروازو پەمخ باندی دښه ماهر او تکړه انځورگر له خوا ډیر کوچنی ښکلی کړی شوی چی ددی دروازو ښکلا دمدالو او خیرو پەشکل چەډیر ژور کیندل شوی چه په څینو

کښې يي دګلانو اشکال چه په ډېر مهارت سره دلرګو په مخ کيندل شوي ليدل کيږي د نو موړي دروازو څخه ديوى دروازى منځنى تخته هم وار ه دچه دهغه په مخ باندي دار بسک سبک کارشوي چه دهغه ښه مثال دافوشته دجومات دروازي چه ناتا نزګو دار ته نژدې دی او د ايران په اثار کښې موقعيت لري ليدل شوي دی ۱۹۳۶ کال ۱۰۲-۱۰۶ مخونه، چه دهغه دروازی دجوړونى تاريخ ۱۳۲۷-۱۳۲۸ کال اټکل شو يدی.

يوه اندازه کوچينى آثار چه په مخ باندی يي هندسي تزئينات ليدل شوي چه ډير کمياب او نازک دی په عمومى ډول دغه شان جوړونى دلرګودو هم ډول ګروپ پوري اړه لري او داشان آثار تراو سه ډيرښه ساتل شو يدی لکه دګمنا م سر تيرى تا ريخى ا وستر منا ر چه دهغه برجسته مثال دشوروي اتحاد په مرکزي آسيا کښې دګمنام سر تيرى ستر تاريخى منارد ی ۱۳۷۲ کال ا و هم ددروازو په برخه کښې و يلی شو چه ددی د و ری ځينى ښکلى دروازى چه په ۱۳۶۶ کال کښې جوړ شوي او س دنيو يارک په موزيم کښې ايښودل شوي (ددايمنډ لکنه ۱۹۳۶ کال ۹۷ مخ ۳۱ فصل.) دتيمو ريانو دزمانى په آثارو کښې ډير ښه ماهرد يزاين

او يو بڼک ليدل کيږي لکه د تيمو ريانو دزمانى دد روازو دچو کات منبځ کښې يوه او ږده تخته اودوه کوچيني مربع شکله تختي چه يوه د دروازي د منځنی لوي تختي دپاسه او بله لاندی جوړې شو يدی ، چه دادوه کوچينيي و يوه لويه دلرګو تخته په يوه کوچني نړ ی چوکاټ کښې کارشو يدی، معمولاً ددی دوری ددروازو په پاسيني تخته کښې تاريخی ليکې يا کتيبې لري چه دا کتيبې دښه پوه او تکړه هنرمند او انځورګر له خوا ليکل شو يد ی چه داآثار دنورآثارو په پرتله ډيرښکلي او باارزښته آثارګڼل شو يد ی، ددي دروازو د کتيبو ليکنى په يوه مجموعه کښې نقل شو يدی. په همدی وخت او عصر کښې داصلی او باارزښته دروازو چوکاټونه نه دی تزيين شوي او ياکه تزيين شوي هم دی په ډير ساده شکل ښکلې کړي شوي چه مثال او نمونه يي داحمديسوي دجومات دروازه ده (دنيکه ليکنه ۱۳ شکل او ددی ليکونکی ليکنه ۱۱ فصل ۲ شکل). همدا رنګه ددروازو منځنی او ږده مستطيل ډوله تخته دپورتنى او لاندی تختي څخه دنړۍ ښکلي لرګي په واسطه جلا شو يدی چه داډول جوړونه موږ دايران دافوشته دجومات په دروازه کښې ليدلی شو ۱۹۳۶ کال ۱۰۳ او ۱۰۵ مخونه. همدا رنګه دقاسم بن اباسين شاه زنده د قبر دروازه دچه خورا

دادروازەډیره ښکلی جوړه شویده د(پوګاچنیکو اواوریمپل لیکنه۷مخ). ددی زمانی د دروازو پەلاندل تخته کښې ځینی کوچنی تز ئینات لیدل شویدی.دتیموریانو دزمانی د ارګو دآثارو دوهم ډول سبک پەعمومی توګه دټولو دروازو مخ ډیرښکلی سینګار شوی دی . ددروازی منځنی برخه څرنګه چەولیدلشو ډیرژور کیندل شوی،حتیددروازو دمنځنی برخی تزئینات اوغیرتز ئیناتی برخوسره توپیرلری.دځینیدروازو چوکاټونو ساده دی او هغه چوکاټونەچه سینګارشوی ډیرعادیاوساده سینګا رلری، یوازی ددروازو چوکاټونەپەیوەژوره کرښه باندی ښکلی شویچەهندسی شکلونەلری، پەهرحالددروازو پاتی برخی پەمساوی ډول دار بسك پەساده اوعادی سبک ښکلی شویدیلکه د(قند دروازه چەاوس دنیو یارک پەموزیم کښې ایښودل شویده) .هغه ډول آثارچەدلرګو څخه جوړشوی زیاتره میز ،چوکی او الماری دی چه دتیموریانودزمانی دانځورګرانو . پەلار ښونه رنګ کړی شوی دنومونې آثارو درنګ آمیزیډولونه او نمونیپرتەدشک څخه ژورو څیړل شی نوځکه زموږ څیړنه پەدی برخه یاپه دی هنر کښیلوړ پوری زیاتره دتیموریانودزمانی، زمامدارلەخوا دپاچارسمچه پەتخت ناستدی او هغه وروسته دتحفی پەڅیر ورکړی شوه . دهغەدرنګآمیزی او هنرسبک د څیړلوور دهځکه نو مونږ تخت پەښکلی هندسی ګانوچەدلرګیاوعاج راز، راز رنګونه نریښکلی کړی شویدی (انا رلیکنەپە۳۸۳ ۱کالپەنیویارک کښې خپور شویدی) همدارنګه دهمدیلیکونکی لیکنه ۱۹۶۷ کال ۳۱۹ مخ دارنولدڅیړنه ۱۳۹۵ کال ۸۱ ۶لمبر اثراتممخ).

همدارنګه بلډول تخنیک پەیوه پرمخ تللی اثر کښیچەپەهمدیعصر کښیجوړشوی لیدل کیږی پەهرحال ددی مخ تللی سبکنمونەدګوامیر ددروازو تخنیکاوجوړونەده چەددی دروازوجوړونه پە۱۳۶۸-۱۳۶۹او۱۳۷۰کلوکښیترسرەشویدی . (پای)

برگی از تاریخ

هرات در متون تاریخی

تاریخ بیهقی کتاب معروفی است از خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود که نگارش آن در سال ۴۴۸ هق آغاز شده و وقایع چهل و دو سال را از ۴۰۹ تا ۴۵۱ در سی جلد ضبط کرده است. نثر عالی این کتاب که از متون معتبر تاریخ قرن پنجم بشمار میرود سبک واقعه نویسی و دبیری آن عصر را روشن میسازد. اینک برگی از آن را به ارمغان میگیریم:

«از خواجه عبدالله انصاری منقول است که: محمد سرگرف گفت که: دو سال پیش ازاین، سبکتگین پدر سلطان محمود بهرات آمده، یکی از لشکریان وی از شخصی روستایی خرواری کاهی

خریدو همه بهابدوداد و وی را بنواخت و گفت : چون گاه آوردی بسوی ما آور.

روستایی را پدری بود . نزد لشکری آمد و آغاز دوستی و صحبت کرد . اتفاقا عرفهٔ عید قربان بود . روستایی گفت: امروز چه خوش روزی است که حاجیان حج می‌گزارند کاشکی من نیز آنجا بودمی. لشکری گفت :خواهی که ترا بدان جابرم ؟ بشرط آنکه با کس نگویی . گفت : نگویم .آن روز وی را بعرفات برد و باز آورد . روستایی گفت:عجب دارم که باچنین حالی درمیان لشکریان میباشی .

گفت: اگر چون منی نباشد درین لشکر ،چون تو ضعیفی بیایدداد خواهد که در وی نگرد و دادوی بستاند؟ و اگر درغارت بزن جوانی رسند وی را ازدست ایشان که رهاند؟»
(تاریخ بیهقی، جلد دوم ،طبع سال ۱۳۴۲ تهران ص۶۶۴-۶۶۵)

*　　*　　*

تاریخ نامهٔ هرات تالیف سیف بن محمد بن یعقوب الهروی دراوایل قرن هفتم هجری ازمتون معروف تاریخی است. مولف این کتابرادر سالهای ۷۱۸ تا ۷۲۱ نگاشته و واقعات عصر ملوک کرت هرات را ازسال ۶۴۳ تا ۷۲۱ برشته تحریر درآورده است که درینجا چند سطری از آنرا بر میگزینیم :

«چون شهور سنه تسع و تسعین وستمائة (۶۹۹) درآمد درین سال ملک مرحوم فخرالدوله والدین طاب ثراه بفرمود تابرج وبارو وخاکریزوبند خندق شهرهرات راعمارت کردندو دیواربارو رابرابر و دو برج هارا مقدار چهارده گز برافراشتند و از میان دیواربارو ودیوار فصیل شش گز خاک بر داشت و بدان خاک خاکریز را تند گردانید و بر هر درب بندی بزرگ ببست وتمامت رعایای هراة و اسفزار وغور وغرجستان و ازاب و هراترود وفوشنج وخره و کوسویه و باخرزرا بعمارت برج و بارو و خندق ساسور گردانیدودرعهد دولت خودشهررا چنان استوارگرداند که هیچ پادشاهی و شهریاری را با لشکر های گران بمحاصره او چشم درندیدند چه از هیچ طرف غیر دروازه ها امکان درآمدن و مجال بیرون شدن نبود چنانک دقیقی گفته است درصفت بلندی و تندی او،شعر :

چنان تندبد برج و باروی او　　که پرنده را ره نبدسوی او

بعد از آن که بندو خندق معمور گشت و برج و بارو و فصیل و خاک ریز عمارت تمام گرفت و حصانت هرچه تمام تر یافت در پای حصار میدانی ساخت بس بزرگ و باسم عیدگاه دیواری گرداو در کشید و در پای حصار فیروزی خانقاه عالی منقش بر آورد و فرمود که مسافران و عزیزان و ابنای سبیل که برسند درین خانقاه نزول کنند و هر هفته یك بار بخانقاه آمدی و با درویشان صحبت داشتی و در باب ایشان احسان و تکریم بذل کردی و صحبت ایشانرا غنیمت بزرگ شمردی

جهان سلطنت درویش دارد   که از سلطان فراغت بیش دارد

و در پای حصار درا ندرون شهردو خندق عظیم بکند و فیل بندی بس بزرگ بساخت و عبدالله عامر را بحال معموری باز آورد و در مقابل درب براسان مسجدی که معرو فست به مسجد تره فروشان آبادان کرد و بازاری در پای حصار بساخت وهر ماه هزار دینار باسم صدقه بدرویشان داد و هر زمستان هزار جبه بجهت ایتام وضعفا و عورات درویش حال تعیین فرمود و بر حسب صدقة السر تطفی غضب الرب در رواح و صباح صدقهٔ سرو بر سخفی رارعایت واجب شمرد و هر روز هزار من نان و ده سر گوسفند در آتش بارخود مصروف گردانید و درمزارات و مقابر چون کازرگاه وخیادوان و مسرق و خواجه ابوالولید و خانچه باد و خواجه طاقی و خانقاه شیخ مجدالدین طالبه ختم قرآن فرمود و شب و روز فقر او مساکین درین زیارتگاهها و مقامهای بزرگوار نعمت او خوردندی و از صمیم دل و میان جان در دعا خیر ذات عالی صفات او گفتندی. (تاریخنامه هرات، طبع سال ۱۳۰۲ تهران، صفحه ۳۹۳ ۱۳۳)

گزارش کارهای پروژه بین المللی آبدات تاریخی هرات

درربع چارم سال ۱۳۶۱

کار های ترمیم، تزئین و باز سازی پروژه های داخل پلان سال ۱۳۶۱ آبدات تاریخی هرات در ربع چهارم سال گذشته نیز ادامه داشته ودرقلعهٔ باستانی اختیارالدین ودر آبدات نفیس مزارحضرت پیر هرات خواجه عبدالله انصاری (رح) ونیز در مسجد جامع معروف شهر هرات برهنمایی فنی حاجی جمعه گل مهندس پروژه بین لمللی هرات چنین اجراآتی به عمل آمده است.

پروژهٔ قلعه اختیارالدین

۱ - منزل اول ودوم تعمیرات تاریخی سمت شمال قلعهٔ پایانی اختیارالدین درسالهای

گذشته به‌اساس پلان فنی ترمیم و بازسازی شده بود اما درسه‌ماه اخیر سال پار، کار ساختمانی یك زینهٔ پختهٔ سی پله یی ازسطح منزل دوم مذکور شروع گردیده و به انجام رسانده شد. این زینه به‌ارتفاع هشت متر باخشت پخته ومخلوط ریگ وچونه وسمنت به جای زینهٔ خامهٔ قبلی بازسازی شده ودیوار دوجناح وسقف آن به طور زمایل و تراس‌ساخته وپوشیده شده‌است. بااستفاده ازاین زینه به‌سهولت میتوان ازبام‌منزل دوم،به منزل پنجم ارتفاعات قلعه‌و برج معروف تیموری برآمد.واز تماشای عظمت وشکوه این قلعهٔ تاریخی ومناظر زیبای شهر وجلگه هرات محظوظ شد.

۲ـ دیوار های رویکار عمارات سمت شمال قلعهٔ پایان‌در دو جناح‌مدخل زینهٔ فوق الذکر بطول پنجاه متر وارتفاع هفت متر باخشت پختهٔ کلان وریگ وچونه و سمنت به سبک اصلی تاریخی آن بازسازی وتکمیل گردیده که باانجام آن منظرهٔ تعمیرات شمال قلعه، باابهت خاصی جلوه گر شده است.

۳ـ تاق دروازهٔ اتاق بزرگ تاریخی واقع منزل سوم شمال قلعه که درغرب زینهٔ مذکور موقعیت دارد بگونه اصلی آن مطابق تاقهای قدیم باخشت پختهٔ کلان‌بازسازی گردیده است.

این اتاق باستانی که غالباً برای گدام ذخیرهٔ مواد ارزاقی‌چون نان‌خشك وخوشه گندم و دیگر احتیاجات عمومی ،درمواقع بحرانی ومحاصرهٔ طولانی شهر هرات بغرض تامین زندگی شهریان مورد استفاده‌قرار میگرفته دارای ده مترطول، شش متر عرض و چهار متر ارتفاع می‌باشد. سقف آن‌بطور کمانی ونیمه مدور پوشیده شده واز مهمترین آثار شگفت انگیز قلعهٔ پایانی به‌شمار میرود.

۴ـ دیوار خارجی سمت جنوبی وسمت غربی قلعه پایانی مقابل بازار وجادهٔ عمومی دروازه ملك باسه‌برج شاسخ وسرتفع آن که اصلاً ازدای (پخسه) وخامه بود بهمان‌سبك اصلی وقدیمی تعمیر وترمیم گردیده‌است. بدین ترتیب که‌اولاً تهداب آن حفر و به‌ارتفاع یك الی دو متر بامصالح مخلوط چونه وریگ وسمنت سنگ کاری شد.و بعداً خشت کاری وپایه کاری روی آن ادامه یافته وتیر کش های تدافعی آن هم بصورت اصلی وتاریخی ساباخشت پخته به‌ارتفاع دوازده متر وقسماً ده‌مترتکمیل شده است.

طول مجموعی این دیوار و برجها که کاپلاستر سیم و باز سازی گردیده دو صد و پنجاه متر و ضخایت پایه های آن یک متر و هشتاد سانتی الی پنجاه سانتی میباشد.

۰ تمام ساحات بازساخته شدهٔ زینه ها ودیوارهای رویکار عمارات شمالی قلعه و نیز قسمتی از دیوار خارجی سمت جنوبی قلعه پس از پخته کاری، هنگف نیز شده است.

معیار تخنیکی کار:

۱-	خشت کاری	۳۱۱	متر مکعب
۲-	سنگ کاری	۲۵	»
۳-	کنده کاری	۳۰۷	»
۴-	پرکاری	۱.۷۸	»
۵-	انتقال سوادفاضله و اضافی	۳۰.	»
۶-	خوازه بندی	۵۱۷	»
۷-	هنگف کاری	۵۳۸	متر مربع

فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳۶۱ (۲/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عمومی (۸۱) فیصد.

پروژهٔ گازرگاه شریف

۱- ایوان بزرگ شمالی داخل زیارت که تزئینات کاشی سقف و دو جناح آن افتاده و در ترمیمات قبلی بطور غیر فنی گچکاری شده بوده اینبار به سبک تزئینات اصلی دورهٔ تیموریان هرات کاشی کاری شده است. تمام ساحهٔ دو جناح شرقی و غربی ایوان مذکور بالغ بر سی متر میباشد. که کاشی کاری های قسمتی از آن ساحه در ربع اول سال ۱۳۶۲ نیز جریان دارد.

۲- جای کاشی های افتادهٔ رویکار ایوانهای بزرگ شمالی و جنوبی داخل زیارت در ترمیمات سال های گذشته باگچ پلاستر شده بود اما این پلاستر ها نیز بمرور زمان فرو پاشیده بود لذا در ربع اخیر سال پار، پلاستر های فرو ریختهٔ مذکور با مخلوط ریگ و چونه و سمنت

تجدید گردیده که بدینوسیله کاشی های باقیمانده و اصلی این ایوان نیز استحکام یافته است.
ضمناً قسمتی از تزئینات سنگی سرسرین و کاشی های لاجوردی تاریخی منصوب در پایز ارهٔ داخلی دو ایوان مذکور بمرور زمان فرو پاشیده و از بین رفته بود للذا دراین قسمت هانیزپلاستر کاری اساسی به عمل آمده است.

۳- کمان رفیع رو یکار ایوان بزرگ شمالی داخل زیارت که در ترمیم سالهای گذشته طور غیرفنی بسته شده و یک قسمت آن منهدم شده بود، درین ربع به سبک اصلی کمانهای دیگر ایوانهای بزرگ اطراف زیارت ، قالب گیری و باخشت تراش و کاشی مجدداً بسته وتعمیر و تزئین گردیده است.

۴- صفهٔ بزرگ قبور داخل ایوان شمالی که وضعی ناهموار و نامنظم داشت باخشت پختهٔ جدید بصورت سوج فرش گردیده وقبور و الواح قبور نیز بدرستی ترمیم ونصب شده است.

۵- خشت کاری های رواقها و دیوارهای خارجی ایوانهای جنوبی و شمالی زیارت که از عصر تیموریان و قرن نهم باقیمانده ولی هنگف نداشته درین ربع بصورت فنی هنگف کاری شده و باانجام آن تعمیرات مذکور استحکام و زیبایی خاصی یافته است.

۶- درباغ ساحهٔ جنوبی و بیرونی زیارت که سال گذشته احداث و نهالشانی شده بود دربرج حوت بیش از ۳۰۰ اصله نهال مثمرو غیرمثمرودرخت های زینتی چون ناجو و سرو و توت و بوته گلهای مختلف غرس گردیده است.

معیار تخنیکی کار:

۱- کاشی کاری	۱۰	متر مربع
۲- پلاستر کاری	۲۲۰	//
۳- هنگف کاری	۷۰۰	//
۴- ترمیم کاری خشت	۱۰	//
۵- تراش کاری سقف	۴۰	//
۶- پاک کاری	۱۰۰	//

۷- انتقال مواد فاضله و اضافی ۱۵ متر مکعب

فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳۶۱ (۲/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عمومی (۱۰۱) فیصد

پروژهٔ مسجد جامع شریف:

۱- کار خشت فرش، دو غاب ریزی و هنگف کاری تحت شبستانهای سمت جنوبی رواق بزرگ مقصورهٔ مسجد جامع بعد از پر کاری و برابر سازی سطح آن مطابق به سایر حصص مسجد، بپایان رسیده است.

۲- سقف رواق بزرگ و رفیع مقصوره که قدامت هشتصد ساله داشته و از عصر غوریان باقیمانده ولی گچ کاری آن بعضاً پاشیده و به اثر نفوذ رطوبت و بارندگی از بین رفته بود بصورت فنی تراش و مجدداً آبار یک و چونه و سمنت پلاستر شده است.

همچنان بعض قسمت های دیوار های دو جناح داخلی رواق مقصوره که درز و شکست گرده بود گچ آن تراشیده وطور اساسی پلاستر کاری گردیده. در حین تراش گچکاری بهم ریخته آن، قسمتی از نقوش و کتیبه های خطوط معقلی و کوفی کنگ و تزئینات اصلی عهد سلطان غیاث الدین غوری، بانی مسجد جامع (در سال ۵۹۷ ه ق)، کشوف گردید. این آثار نفیس و گرانبهای بی نظر که در همان محل بصورت اصلی واساسی محفوظ ساخته شده چنانکه صنعت تاریخی نقاشی و تزئینی جدارهای مسجد را نمایندگی میکند، قدامت هشتصد سالهٔ تعمیر رواق مقصوره را نیز مبرهن می‌سازد.

بدون شک این اکتشاف از نظر تاریخی ارزش والای داشته و درخور تحقیق همه جانبهٔ علمی است.

۳- سطح رواق بزرگ مقصوره که درسابق گچ کاری شده بود ولی بمرور زمان اکثر آن فرسوده و پاشیده شده بود درین ربع با خشت پختهٔ بزرگ بصورت فنی و موزون فرش و دو غاب ریزی و هنگف شده است. این رواق بزرگ و شکوهمند و باقدامت که تر میمات سقف و فرش آن تکمیل گردیده دارای سی متر طول، دوازده متر عرض، هژده متر ارتفاع می باشد.

۴- حصص گچ های پاشیدهٔ ایوان جناح شمالی رواق مقصوره نیز بصورت فنی پلاستر کاری شده است.

۵ - کتیبه های کاشی فرو ریخته حواشی ایوان شرقی مسجد جامع که محتوی قسمتی از مثنوی حدیقه الحقیقهٔ حکیم سنایی غزنوی بوده مجدداً بخط استاد محمدعلی عطار خطاط معروف پروژهٔ بین المللی هرات بر روی کاشی رنگین به سبک اصلی آن نگاشته و نصب گردیده است.

معیار تخنیکی کار:

۱- خشت فرش	۱۵۷۷	متر مربع
۲- هنگف کاری	٦۵	//
۳- ذوغاب ریزی	٦۰۰	//
۴- پلاستر کاری	۱۷۸	//
۵- آستر کاری	۸۰	//
٦- تراش کاری	۱۵۸	//
۷- کاشی معرق و هفت رنگی	۱۱	//
۸- ترمیم کاری	۵۰	//
۹- پر کاری	۱۱۸	متر مکعب
۱۰- خوازه بندی	۱۰۰۰	//

فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳٦۱ (۲/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عمومی (۹۳) فیصد.

درربع اول سال ۱۳٦۲

امور ترمیم و بازسازی پروژه های مربوط آبدات تاریخی هرات درداخل پلان سال ۱۳٦۲ در ربع اول سال آغاز گردیده این پروژه ها عبارت است از ادامهٔ کار بازسازی قلعهٔ باستانی اختیارالدین، ترمیم و تزئین مزار حضرت خواجه عبدالله انصاری پیر هرات مخصوصاً حوض سنگی در کازرگاه شریف، ترمیم حواشی مسجد جامع هرات و ترمیم حوض چارسوق شهر قدیم هرات.

حوض چارسوق که کار ترمیم آن پروژهٔ جدیدی را تشکیل میدهد و در پلان امسال گرفته شده از آثار ارزشمند و تاریخی شهر هرات است که قرنها این بنای بزرگ و عمیق و پهناور آب مشروب مورد احتیاج زندگی اهالی شهر هرات را عرضه داشته و حتی در

محاصره های طولانی شهر از طرف بیگانگان نیز شهریان را از قلت و کمبود آب رهانیده که به پیروزی مرزبانان و شکست دشمن انجامیده است.

بنای این حوض بزرگ که صدها متر مکعب آب را ذخیره داشت و همچنین سقف گنبدی آن از نظر هندسی، عمرانی بسیار مهم و شگفت آور است و بنابرهمین ملاحظات و اینکه ساحهٔ فعلی داخل حوض موزیم و نمایشگاه جالب صنعتی را تشکیل داده میتواند در پروژه ترمیمات آبدات باستانی گرفته شده و در پلان سال ۱۳۶۲ بااستفاده از تخصیصات پروژه های انکشافی دولت کار ترمیم آن آغاز گردیده است.

اکنون تفصیل اجراآت ترمیم و بازسازی آبدات مربوط ربع اول سال ۱۳۶۲ رامطالعه نمایید.

پروژه قلعه اختیار الدین

درسال ۱۳۶۲ بازسازی دیوار عریض و بلند جنوبی و غربی قلعه پایان با تعمیر یک سلسله اطاقهای بزرگ مطابق سبک اصلی عمرانی قلعه استحکام یافت و برجهای سه گانه این قسمت قلعه نیز تاحدی از داخل قلعه پخته کاری شد. امثال دیوارهای قسمت های جنوب و غرب قلعهٔ پایان که بشکل خامه و پخته ودای و بعضاً تیرکش های فوقانی آن کاملاً مکمل بود تحت بازسازی قرارگرفت و در ربع اول سال قسمت بیشتر این دیوارها با خشت پخته و فراز آن بااعمار تیرکش های پخته تحت بازسازی قرارگرفت و در ربع اول سال قسمت بیشتر این دیوارها باخشت پخته و فراز آن بااعمار تیرکش های پخته بازسازی گردیده که علاوه براستحکام و متانت دیوارها نمای خارجی قلعه نیز بسیار مرغوب و خوشنما و استوار گردیده که عظمت و شکوه این قلعه باستانی را مضاعف ساخته و برای صدهاسال دیگر از انهدام آن جلوگیری شده است درین سلسله قسمت غربی قلعه پایان هم بعداز حفر تهداب و کشف بنای دیوار اصلی از سطح تهداب به ارتفاع یک الی یکنیم متر سنگ کاری شده و بالای سنگ کاری مذکور خشت کاری آغاز و ادامه یافته قسمت های بیشتر دیوار قلعه پایان بارتفاع (۸) الی (۱۷) متر خشت کاری و هنگف و تکمیل شده که در ناحیه فراز دیوار به سبک اصلی و قدیم قلعه سوراخها و تیرکش های دفاعی نظامی بشکل منظم و پخته بازسازی گردیده است.

درقسمت غرب قلعه پایان وحد و سطی تعمیرات بازساخته شده ـ احداث یك دروازه بزرگ وکریاس هشت ضلعی بسبک قدیم و مشابه دروازه اصلی قلعه با لا ـ آغاز یافته است. زیرا هر چند ـ قلعهٔ پایان در زمانه های قدیم دروازهٔ جداگانه نداشته وسوادوحتی محمول حیوانات را از قبیل بار اسپ و اشتر و قاطر از طرین دروازهٔ عمومی ارگ ودر ازهبین دوقلعه بهقلعه پایان نقل میدادند ولی در ان قرنها که حمل ونقل حیوانی رواج داشت انتقالات ازهمان دروازه سهل بوده اکنون که عمارات بازسازی شده قلعهٔ پایان برای تاسیس و تنظیم انواع موزیم های تاریخی و اجتماعی ونظامی ـ اختصاص یافته بهطرح و احداث یک دروازه بزرگ موتررو در قسمت ساحهٔ قلعه پایان ضرورت احساس میشد که با این احساس نقشه ساختمان این دروازه و کریاس تنظیم و کار تعمیر آن رویدست گرفته شده.

معیار تخنیکی کارژ

-- خشت کاری	۷۵۳ متر مکعب
۲ــ سنگ کاری	۲۰ » »
۳۰ گندن کاری	۳۳۸ » »
۴ · پر کاری	۲۵ » »
۵ - خوازه بندی	۱۰۰۰ » »
۶ - هنگ کاری	۱۵۱۰ متر مربع
۷ · پاک کاری	۳۰۰ » »

فیصدی پیشرفت کار

الف))در ربع اول سال ۱۳۶۲ (۱/۵) فیصد .

ب) نظر به پلان عمومی (۸۲/۵) فیصد .

پروژه گازرگاه شریف

در ین ربع کار ایوان بزرگ شمالی تعمیرات عصرتیموری صحن اصلی زیارت که پوشش داخلی ایوان شکست کرده وا غلب تزئینات کاشی آن فرو ریخته بود پوشش گمانی داخلی تجدید و کاشی های رنگین گل بندی آن بطرز اصلی و تاریخی نصب و استحکام و انجام یافته است.

آغاز ترمیم حوض زمزم :

حوض سر پوشیده زمزم که در حاشیه شمالی صحن بیرونی غربی زیارت واقع واز بناهای عصر تیموریان و دورهٔ فرمانروایی شاهرخ « ۸۰۷-۸۵۰ هق) باقی مانده بروز

قرنهاشکست کرده و درمعرض انهدام قرار داشت درحالیکه بنای این حوض و ایوان کمانی مدخل و کتیبهٔ رنگین سرسرین آن یک‌آبده شکوهمند تاریخی را تشکیل میدهد.
بازسازی‌و ترمیم این‌حوض،در پلان کارسال ۱۳۶۲ پروژهٔ بین‌المللی‌هرات گرفته شده و درین ربع، سطح بام و دیوارهای فرو ریخته و مخروبهٔ آن پاک کاری و برای ترمیم فنی واساسی مساعدساخته‌شده‌و کارخشت کاری‌قسمت دوجناح داخلی‌ایوان‌پیشگاه‌حوض باحفظ‌اصالت‌معماری‌نفیس آن‌بصورت‌تراش آغاز یافته‌و جریان دارد که تاحدی‌پیش‌رفته‌است معیار تخنیکی کار

۱ - خشت کاری قسم تراش باملاط کاشی	۱۰ مترمکعب
۲ - کندن کاری	۷۰ » »
۳ - خاک برداری	۲۰ » »
۴ - پاک کاری	۷۰ » »
۵- کاشی کاری بانواع مختلف	۳۲ مترمربع
۶- هنگف کاری	۵۰ » »

فیصدی پیشرفت کار :
الف) در ربع اول‌سال ۱۳۶۲ (۱/۵) فیصد .
ب) نظر به پلان عمومی (۱۰۲/۵) فیصد .

پروژه مسجد جامع هرات

در پلان کارسالهای ۱۳۶۱ ۱۳۶۲ ترمیمات مسجد جامع یك امرعمده عبارت است از خشت فرش تحت ایوانها و شبستانهای سه‌سمت‌غربی وشرقی و جنوبی مسجد. زیراتحت‌این شبستانها و ایوانهای بزرگ دراmتداد سالها با لای خشت و پارچه های شکسته و کهنه بضخامت پنج‌الی دهسانتی‌باگچ پلاستر کاری‌شده وسطح ناهموار‌ودرشتی‌بوجود آورده بود که‌نه تنها بمقام تاریخی مسجد جامع تناسب نداشت بلکه برای نمازگزاران درجماعت‌پنجگانه شبانروزی و جمعه از حیث خاک و گرد و ناهمواری سطح مسجد - تکثیف و زحمت‌زیاد وارد میشود و تنظیف‌آن‌هم بسیارمشکل بود بهاساس این حقایق و مشکلات ، پلان خشت فرش و هنگف کاری درز خشت ها باسمنت طرح و رویدست گرفته شده که‌در سال ۱۳۶۱ قسمت‌زیاد ایوانهاو شبستانهای‌جنوبی و غربی مسجد خشت‌فرش‌و تکمیل گردید.

در ربع اول سال ۱۳۶۲ باقیمانده کار خشت فرش ایوان بزرگ مقصوره غربی وهنگف کاری درز های خشت فرش مذکور وقسمت باقیمانده شبستانهای جناح جنوب غرب آن تکمیل وانجام یافته و خشت فرش شبستانهای جناح جنوبی ایوان بزرگ شرقی مسجد جامع آغاز گردیده که بسرعت ادامه دارد.

پلان دیگر ترمیمات مسجد جامع عبارت است از نصب مجدد قسمتی از کتیبه های کاشی رنگی دیوارهای آن که قبلاً باگچ نصب شده و چون گچ در برابر رطوبت باران و برف مقاومت ندارد گاه و بیگاه خشت های کاشی کتیبه ها از جای خود بزمین می افتاد و تزئینات جداری مسجد برهم خورده نوشته ها ازمیان رفته و خوانده نمیشد. این نقیصه هم قسماً درسال ۱۳۶۱ رفع شده و خشت های افتاده و کمبود نوشته تکمیل و عموماً کنده پس از پاک کاری زمینه یی این کتیبه ها مجدداً به سبک اصلی باسمنت نصب گردیده است که دیگر خطر سقوط کتیبه هاو کاشی های مذکور بکلی رفع گردیده است.

در ربع اول سال ۱۳۶۲ کتیبه های خطنستعلیق کاشی رنگین رواقهای خارجی جناح جنوب شرقی ایوان بزرگ درواز ۀ عمومی شرقی مسجدجامع که عبارت از مقولات حضرت خواجه انصار و رباعیات واشعار عرفانی ودینی سخنسرایان عارف قرون ماضی کشوربود درین سلسله از جای آن کنده باقسمت های افتاده ومفقود شده مجدداً نوشته و کاشی شده تماماً درمواضع آن باسمنت نصب وتکمیل گردیده است ونیز پایه هاوروانی های این قسمت که خشتکاری آن درموقع هنگف کاری نشده وبعضاً هنگف آن پاشیده بود مجدداً هنگف کاری وپاک کاری شده برجلاوو نق منظر ۀ عمومی رویکاروراوق هاافزوده است.

معیار تخنیکی کار

۱- خشت فرش تحت ایوان غربی و شبستانهای جنوب شرقی مسجد	۵۰۰ متر مربع
۲- دوغاب ریزی	۲۷۲ » »
۳- هنگف کاری	۶۰ » »
۴- هموار کاری	۷۲ » »
۵- نصب مجدد کاشی کتیبه هاوخطاطی وگاشی سازی کتیبه های کمبود	۱۱۷ » »
۶ - پلاستر کاری	۱۷۰ » »

فیصدی پیشرفت کار :

الف) در ربع اول سال(۱/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عمومی (۹۴) فیصد .

پروژهٔ ترمیم حوض چارسوق:

این حوض ذخیره آب که وضع ساختمان و حجم تعمیر و عمق و وسعت حوض و پوشش شانزده ضلعی سقف آن یك آبدهٔ حیرت آور و ارزشمند هندسی و معماری را تشکیل داده و قرنها از جنبهٔ تهیه آب مشروب و مورد احتیاج شهریان هرات مخصوصاً در مواقع محاصره شهر از طرف مهاجمین خدمات حیاتی و دفاعی مهمی انجام داده است با تاسیس و توسعه آبرسانی عصری و تمدید نل آب مشروب صحی در نقاط شهر تخلیه شده ازچند سال باینطرف بدون استفاده افتاده که بنای آن رو بخرابی میرفت. برای اینکه چنین یك آبده مهم و بزرگ از میان نرود و از آن بحیث موزیم تاریخی و یا نمایشگاه و فروشگاه صنایع دستی محلی ولایت هرات استفاده شود پلان ترمیم آن طرح و از بودجه انکشافی دولت منظور گردیده در ربع اول سال ۱۳۶۲ کار ترمیم آن آغاز شده است.

این ترمیمات از رواق بزرگ شمالی مدخل حوض محاذی بازار خوش شروع گردیده پس از پاک کاری فنی - پایه های بهم پاشیده دوجناح رواق مذکور که موجودیت بنارا تهدید میکرد مجدداً از خشت تراش به سبک اصلی آن خشت کاری شده و طاقهای کوچک تزئینی دو جناح ایوان نیز تحت ترمیم و خشت کاری قرار گرفته که کار آن منظماً جریان دارد باید متذکر شد که حوض بزرگ ذخیره آب چارسوق شهر هرات اصلاً دو رواق بزرگ و زینه های وسیع در دو مدخل مقابل بازار قندهار و بازار خوش برای اخذ آب و استفاده مراجعین داشته و در رواق غربی کتیبه اشعار تاریخ تعمیر مجدد و اساسی حوض در سال ۱۰۳۰ هق بخط نستعلیق عالی حسن شاملو و شعر ناظم هروی منصوب بوده که تقریباً پنجاه سال قبل هنگام تخریب بازار های سرپوشیده کتیبه های مرمرین و رنگین مذکور برداشته شده و در گنبد گوهرشاد مصلای هرات محفوظ گذاشته شده است که بعد از افتتاح موزیم تاریخی هرات درقلعه اختیار الدین بمعرض تماشای علاقه مندان قرارداده و یا اینکه مجدداً ضمن ترمیمات رواقهای حوض در محل اصلی آن نصب خواهد شد.

معیار تخنیکی کار:

۱- کندن کاری	۱۵ متر مکعب
۲- دور نمودن مواد فاضله	۵۰ » »
۳ - خشت کاری تراش به سبک اصلی قدیم	۳۵ متر مربع

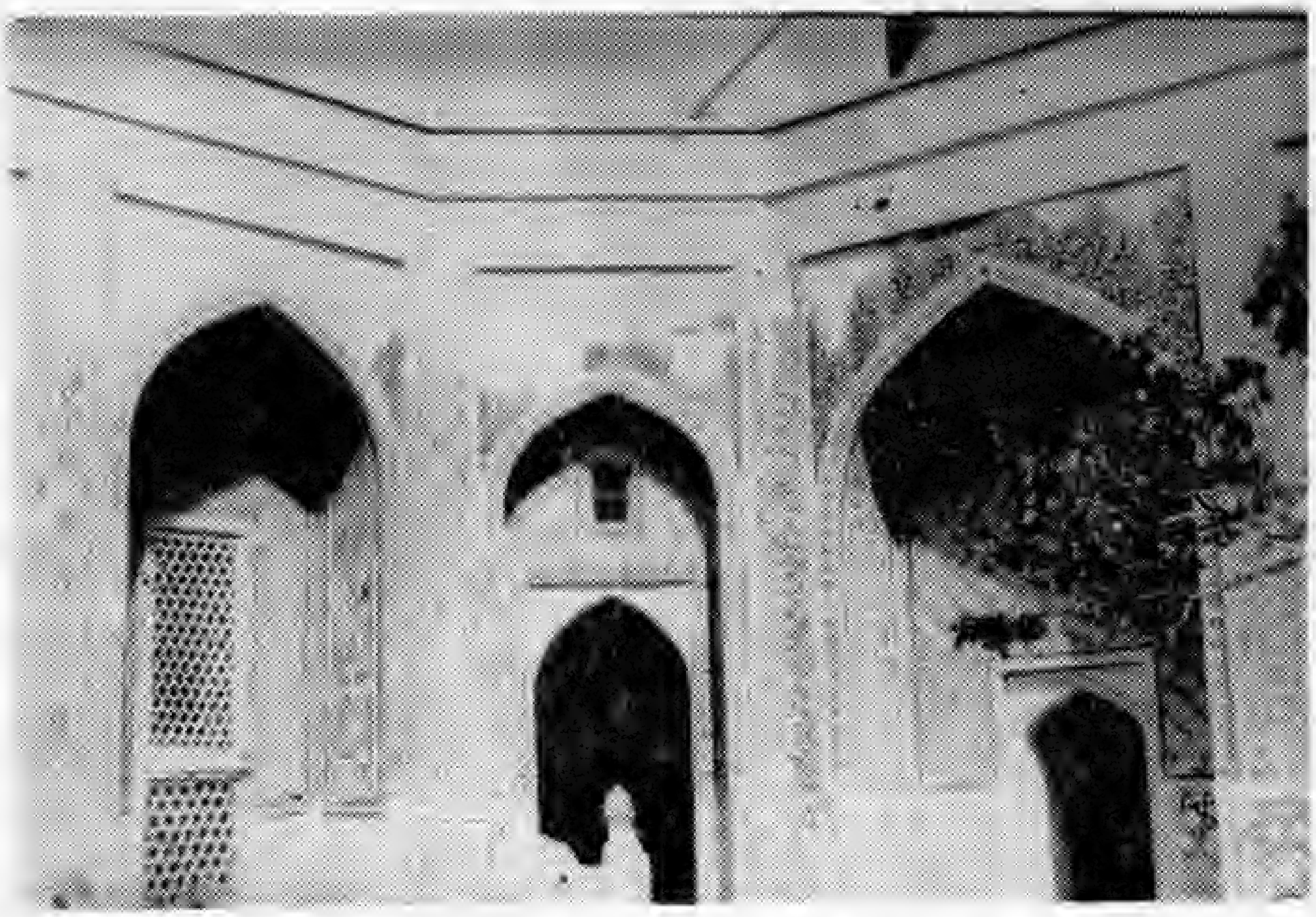
فیصدی پیشرفت کار: در ربع اول یک فیصد.



قسمت عقبی(بیرونی) رواق بزرگ شمالی مزار حضرت‌پیرهرات در گازرگاه شریف که‌در سال ۱۳۶۱ ترمیم وهنگف شده .
(این تصویر قبل از اکمال کار است)

تصویری از زمان ترمیم عقب رواق بزرگ جنوبی زیارت گازرگاه‌شریف که برخی از طاقنماها وپنجره‌های گچ‌بری شده را نیز بعداز ترمیم نشان میدهد .





نمونه‌یی از پنجره‌های گچبری وتاق هـای‌مزین سمت شمالغربی صحن زیارتگـازرگاه شریف که ترمیم آنها درسال گذشته بپایان‌رسیده‌است .



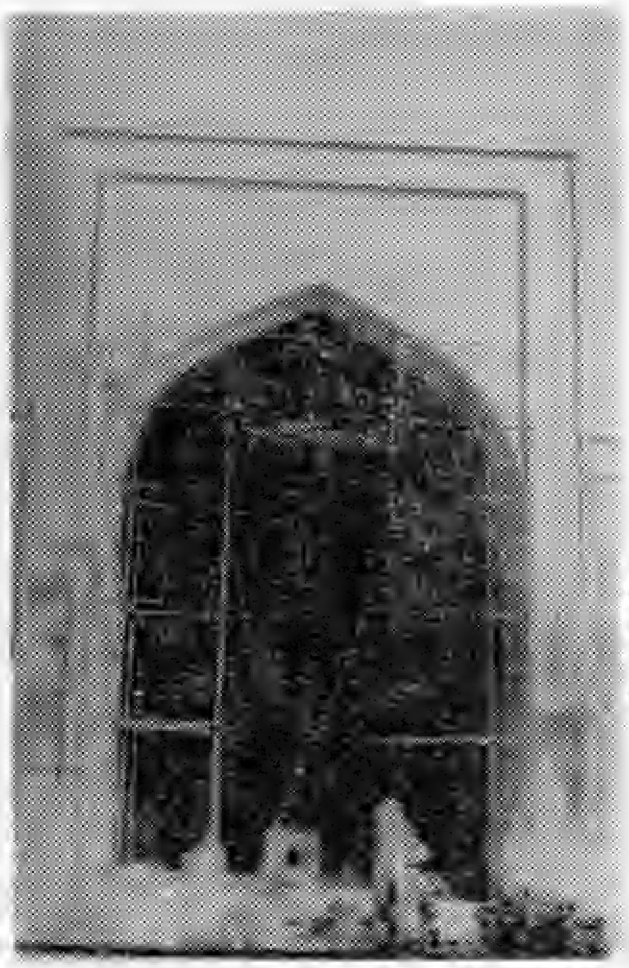
اق‌ها وپنجره‌های جنوبغربی صحن زیارتگازرگاه درختم ترمیمات سال ۱۳۶۱ .



دیوار سمت شرقی و بیرونی خانهٔ زرنگار کارگاه شریف که در سال ۱۳۶۱ هشکف‌کاری و پنجره گچ‌بری آن تکمیل و ترمیم شده است.



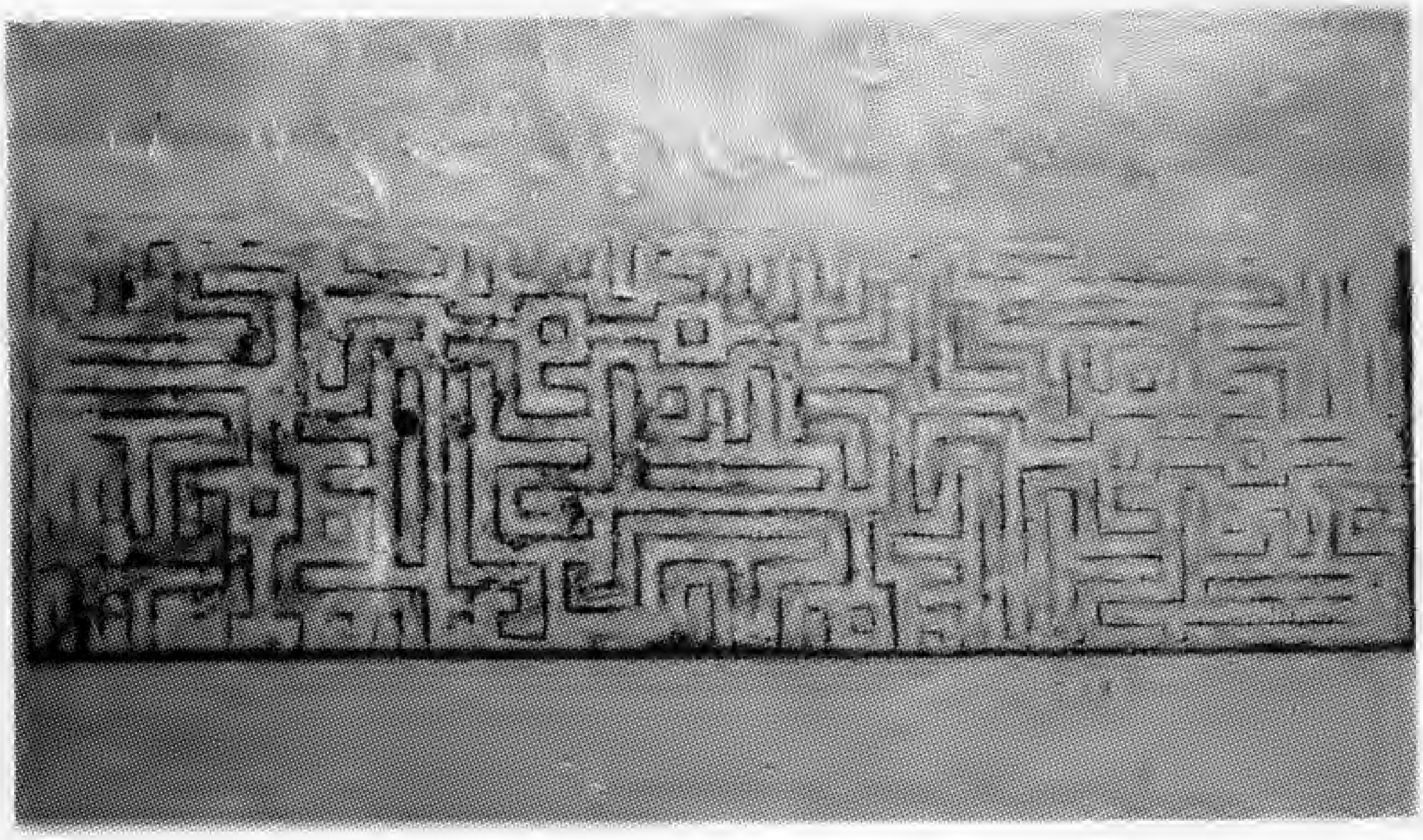
رواق نفیس مدخل خانهٔ زرنگار که در سال ۱۳۶۱ به‌سبک اصلی آن ترمیم شده است.

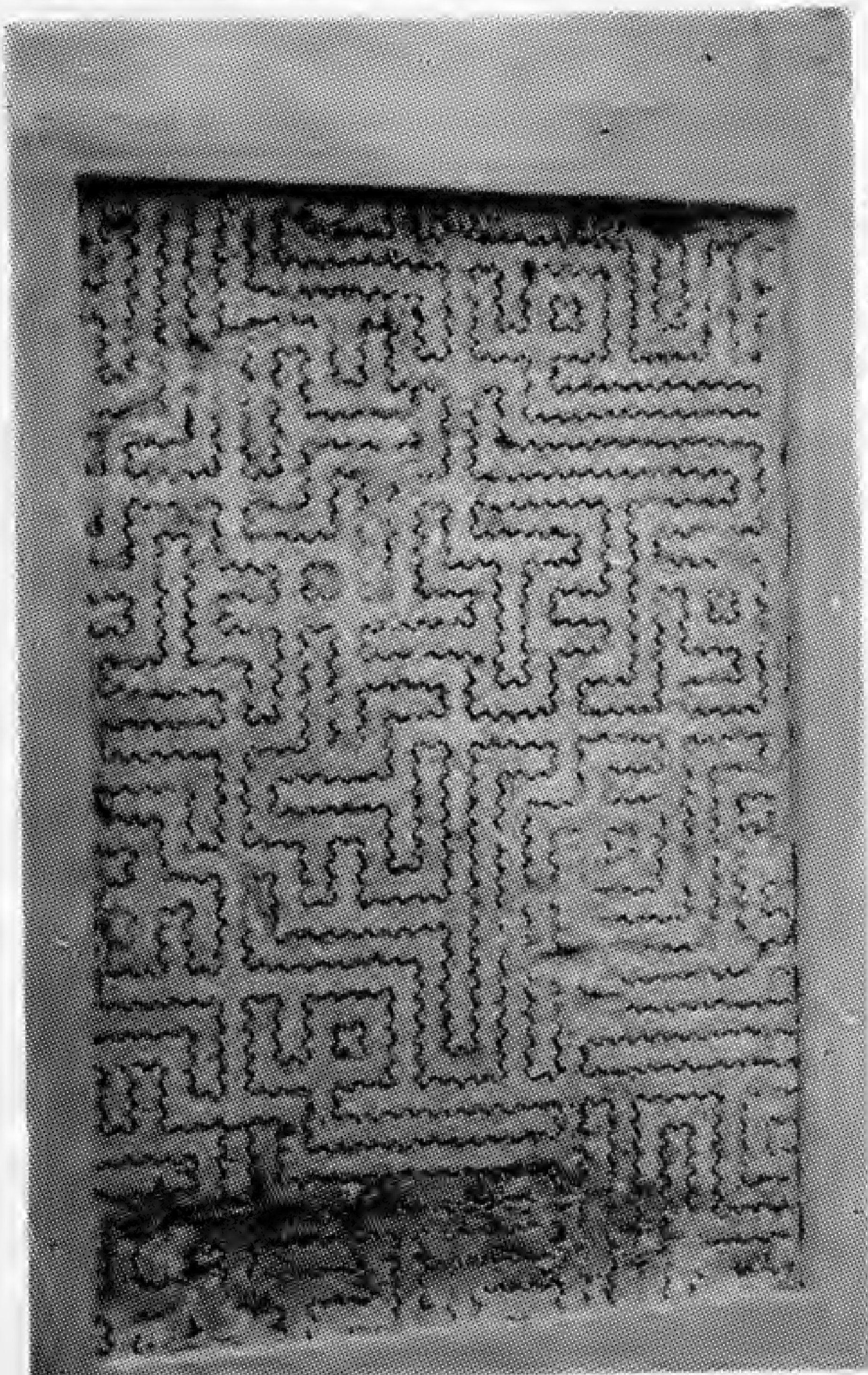


هنگام خوازه بندی و ترمیم ایوان شمالی دا خـل روضـه حضرت پیرهرات در گـازرگاه شریف .
(در ربع‌اول ۱۳۶۲)



پنجره های گچی وتاقنماهای‌خارجی جنوب زیارت گاز. ر گاه شریف‌که در ربع چـارم سا ل۱۳٦۱ ترمیم اساسی و هنگفت کاری شده است .

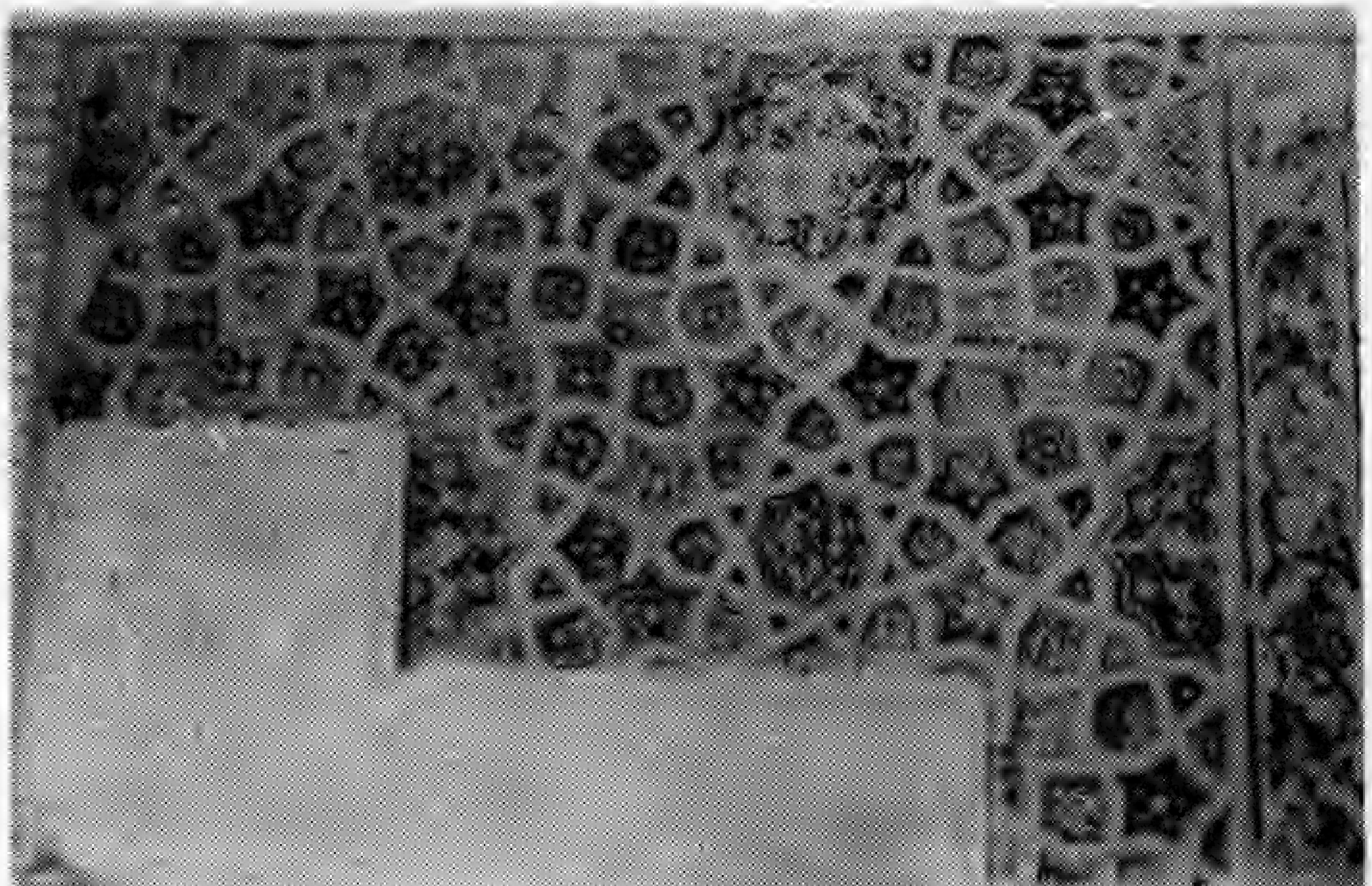




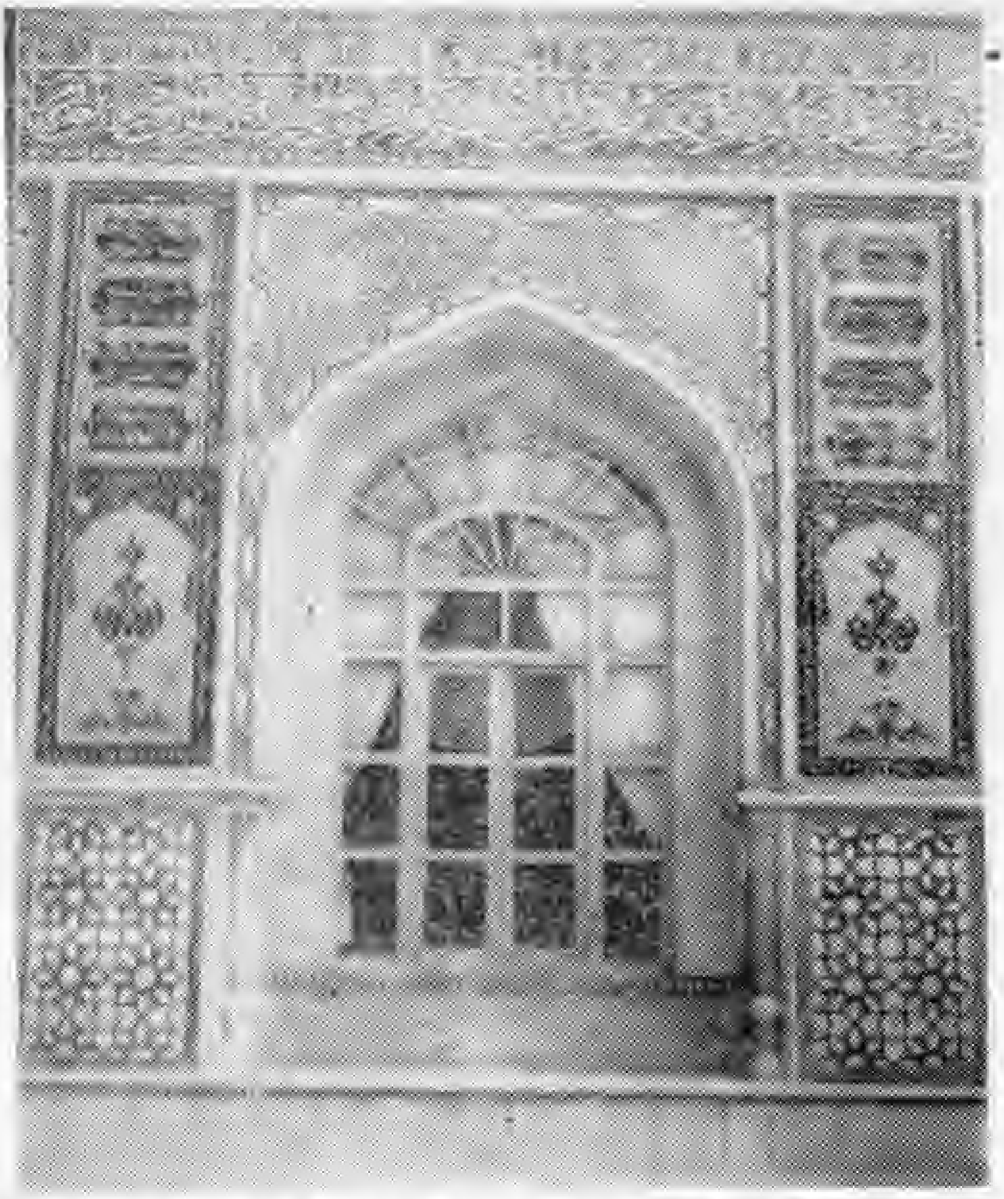
نقوش گچ‌بری خط کوفی گنگ عصر غوریان مربوط سال ۵۹۷ ه . ق که از زیر پلاستر گچی داخل شبستانهای ایوان غربی مسجد جامع هرات در ربع چارم سال ۱۳۶۱ کشف و ترمیم فنی گردیده و قدامت هشتصد سالهٔ ایوان را ثابت میسازد .



کاشی کاری های برجسته ومنقش مخصوص عصر ملوک غوری (سال ۵۹۷ ه ق) که از زیر پلاستر گچی رواق جنوبغربی مسجد جامع کشف و ترمیم گردیده است .



نقوش زیبای کاشی کاری دیوار رواق جنوبغربی مسجد جامع هرات که از زیر پلاستر گچی بازیافت و ترمیم شده و مخصوص دورهٔ تیموریان سال ۹۰۴ هجری قمری می‌باشد.



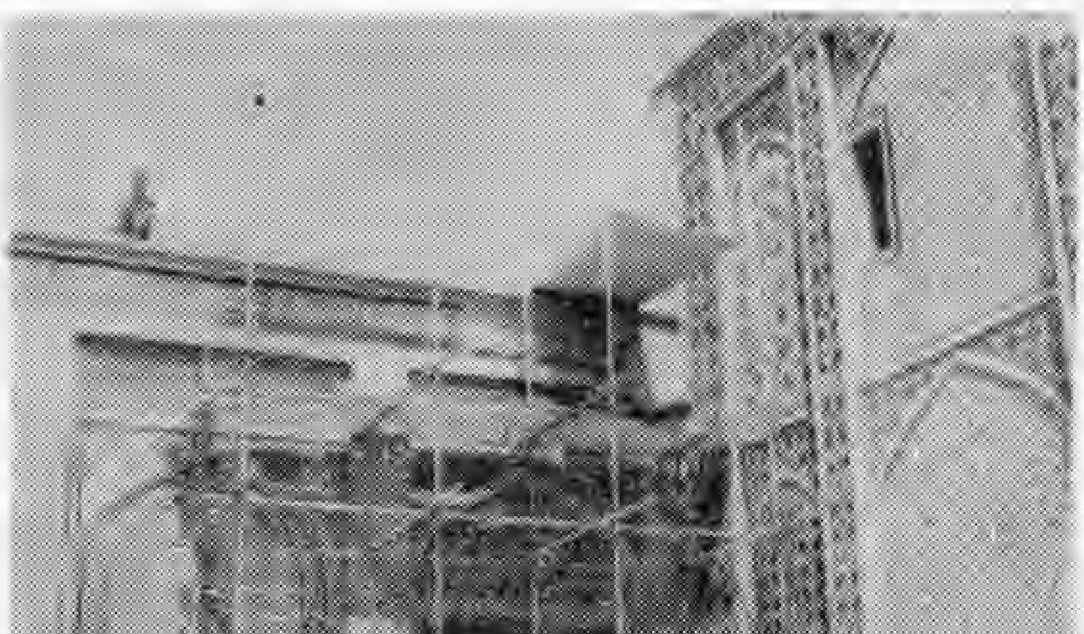
قسمتی از کتیبه های جناح شمالی داخل مسجد جامع که در ربع چارم سال۱۳۶۱مجددا باسمنت نصب گردیده است .



تصویری از زمان نصب مجدد کاشی های دیوار رواق بزرگ شرقی مسجد جامع درسال۱۳۶۱ .



حین ترمیم و نصب مجددکتیبه های خطوط نستعلیق کاشی در جناح جنوبشرقی خارج مسجد جامع .
(در ربع‌اول ۱۳۶۲)



خوازه بندی و نصب مجددکتیبه های نستعلیق رویکار رواقهای شرقی خارجی مسجدجامع . (در ربع‌اول ۱۳۶۲)

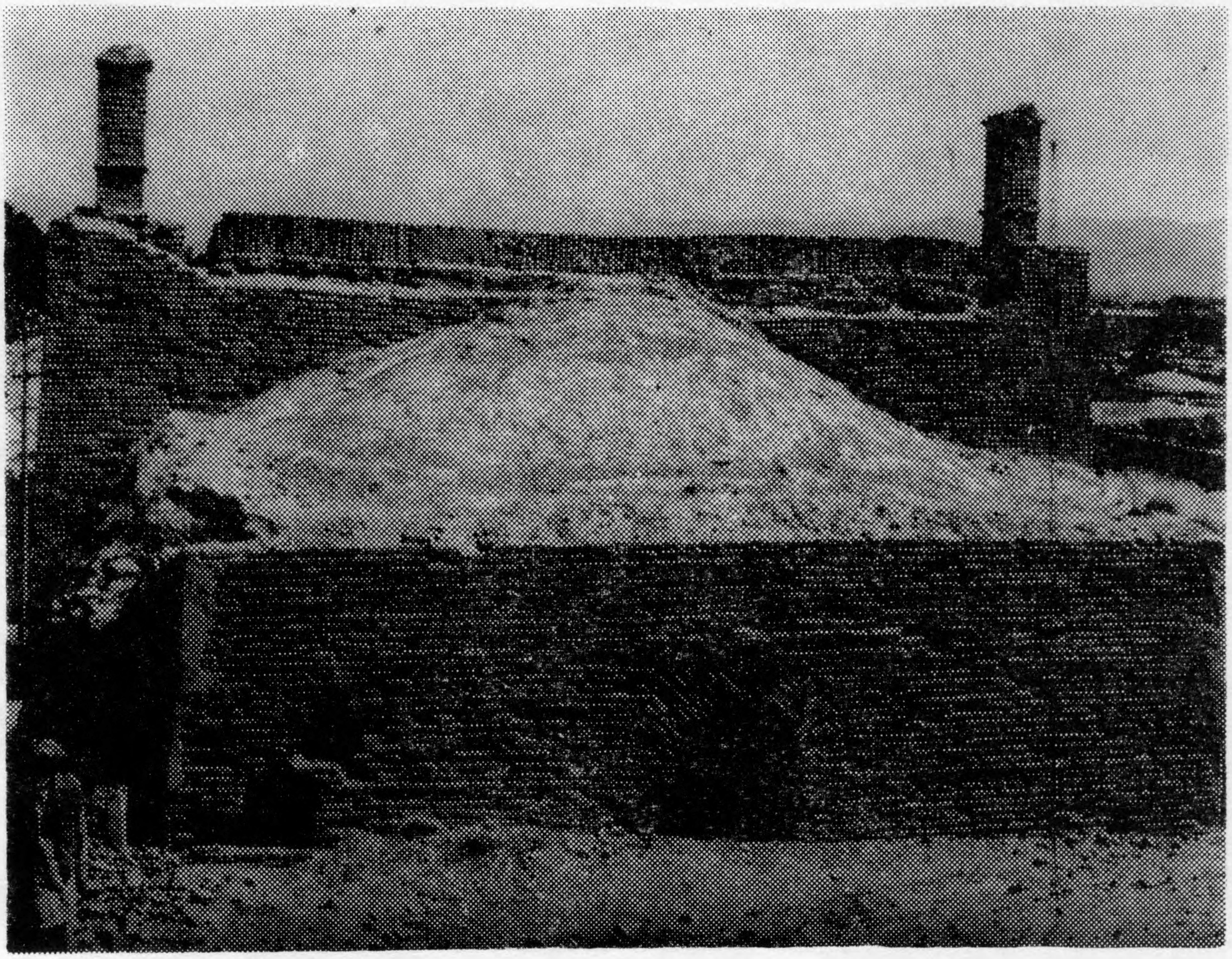




تصاویری از کار خشتفرش صحن شبستانهای جنو بشرقی
مسجد جامع شریف هرات .. (در ربع اول ۱۳۶۲)



فراز رواق بزرگ شمال مدخل حوض‌سرپوشیدهٔ چارسوق که در حال شکست و انهدام بوده وترمیم اساسی آن در ربع اول سال ۱۳۶۲ آغازشده است.



نمای قسمت عقبی رواق شمالی حوض چارسوق که از بالای بام حوض عکاسی شده‌است.

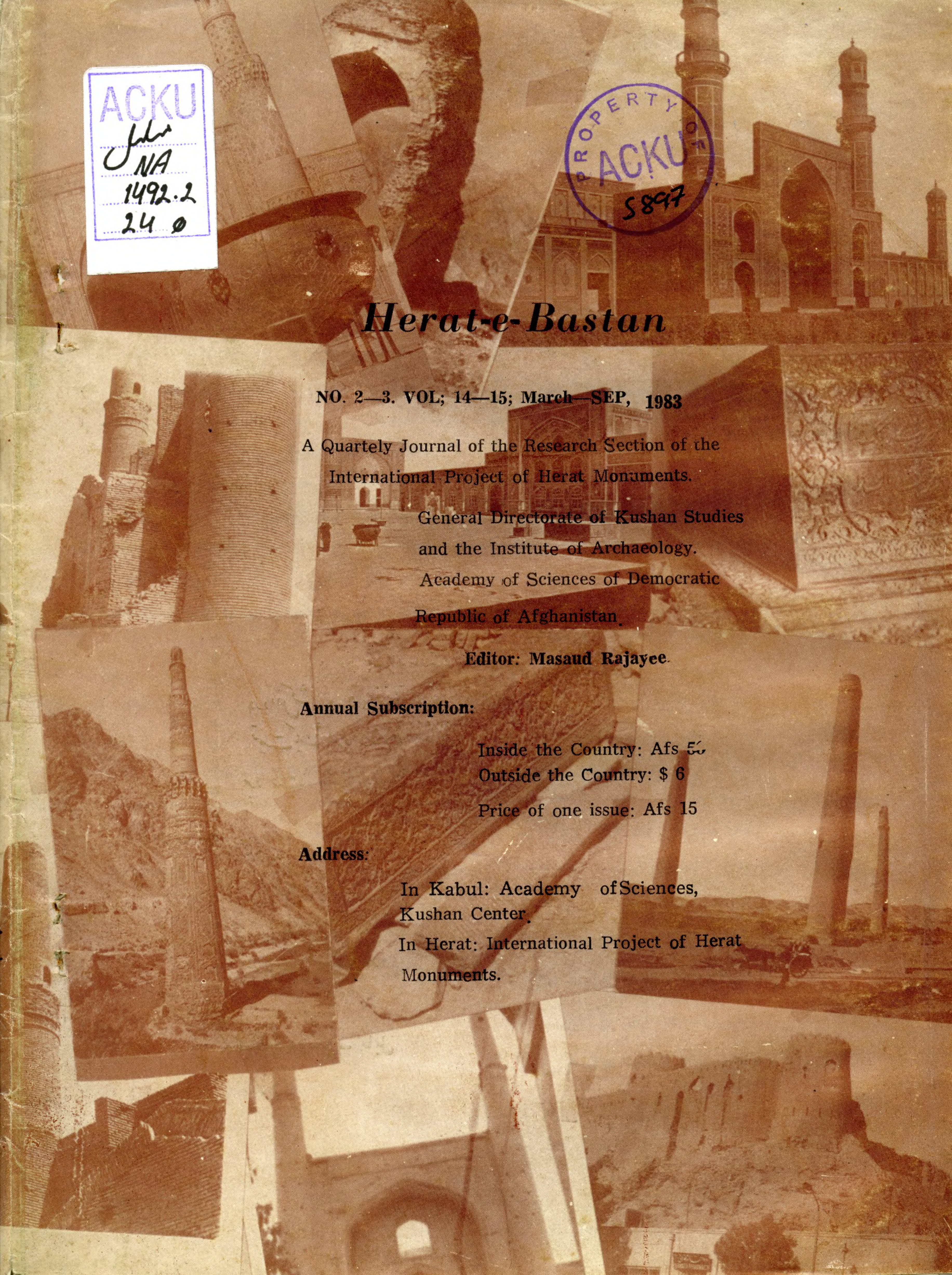


قسمت غربی رواق بزرگ شمالی حــوض چارسوق در آغاز ترمیمات شامل پـلان‌سال ۱۳۶۱ .

صاحب امتیاز: آمریت پروژه بین المللی هرات
مدیر مسئول: مسعود رجالی
همکار علمی: محمد علم غواص
همکار تصحیح و چاپ: احسان محسنی

وجه اشتراک سالانه:
در داخل کشور (۵۰) افغانی. در خارج (۶) دالر
قیمت یک شماره: (۱۵) افغانی
پرداخت وجه اشتراک:
حساب واردات دولت. نمبر ٦٠٠١، افغانستان بانک
آدرس:
در کابل: ریاست باستان شناسی و کوشانی. مدیریت ریسرچ و مجله هرات باستان
در هرات: آمریت پروژه بین المللی هرات.

مطبعه دولتی - کابل



Herat-e-Bastan

NO. 2—3. VOL; 14—15; March—SEP, 1983

A Quartely Journal of the Research Section of the International Project of Herat Monuments.

General Directorate of Kushan Studies and the Institute of Archaeology. Academy of Sciences of Democratic Republic of Afghanistan.

Editor: Masaud Rajayee.

Annual Subscription:

Inside the Country: Afs 50
Outside the Country: $ 6

Price of one issue: Afs 15

Address:

In Kabul: Academy of Sciences, Kushan Center.
In Herat: International Project of Herat Monuments.